

ششصد و پنجاه و یک امور و مشکلات

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای دبیران، دانشجوین و کارشناسان آموزش و پرورش

سال همت مضاعف، کار مضاعف

دوره‌ی شانزدهم • مهر ۱۳۸۹ • شماره‌ی پی‌درپی ۸۳

یادداشت سردبیر

بهار یادگیری / محمدرضا حشمتی / ۲

مدرسه‌ی زندگی

مهارت‌های معلمی / سعیده اکبری نظری / ۳

مدرسه‌ی مثبت / دکتر فرید براتی سده / ۴

معماری اثربخش / ثمانه ابروانی / ۶

تعداد دانش‌آموزان در کلاس درس / لیلی محمدحسین / ۸

خودآزمایی آموزشی / دکتر یدالله سعیدنیا / ۱۰

حق چیست؟ / محمدعلی شامانی / ۱۵

آزادی در گفت‌وگو / کتابون رجبی راد / ۲۶

بهداشت مدرسه / احمد مختاریان / ۳۰

مسئله‌ی کم‌توجهی / معصومه خیرآبادی / ۴۷

داستان

کوچ پرستوها / مژگان بابامرندی / ۱۲

دنای نوجوانان

تاب‌آوری نوجوان / بتول سبزی سنجانی / ۱۶

دنای ارتباطات

وبلاگ، محیط یادگیری / سپیده شهیدی / ۱۸

تجربه‌ها

یادگیری سخت و شیرین / نفیسه ثبات / ۲۰

جشن جوانه‌ها / عطیه کرمی / ۴۸

تاریخ ماندگار

ایران باستان / فاطمه محمودیان / ۲۲

طنز

در ضمن خدمت... / مهدی رضاییان / ۲۴

یادی از آن روزها... / احمد عربلو / ۲۸

ویژه‌نامه

کتاب‌های درسی دوره‌ی راهنمایی چگونه تألیف می‌شوند؟ / نصرالله دادار / ۳۱

ویژه‌نامه‌ی گروه‌های درسی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی / ۳۴

مدیرمسئول: محمد ناصری
سردبیر: محمدرضا حشمتی
شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی: علی‌رضا صادقی
منصور ملک‌عباسی، علی‌اصغر جعفریان
فرحناز حدادی و لیلی محمدحسین
مدیر داخلی: فاطمه محمودیان
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: مهدی کریم‌خانی
نشانی دفتر مجله: تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۷۹
تلفن: ۸۴۹۰۲۳۲
نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸
پایگاه اینترنتی: www.roshdmag.ir
رایانامه: rahnamayi@roshdmag.ir
تلفن پیام‌گیر نشریات رشد: ۸۸۳۹۹۲۲ و ۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیرمسئول: ۱۰۲ کد مشترکین: ۱۱۴
نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۵۶-۷۷۳۳۶۵۵
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم:

- مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.
- مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید این موضوع را قید بفرمایید.
- مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود.
- مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و بر روی CD یا فلاپی و یا از طریق رایانامه مجله ارسال شوند.
- نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود.
- محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود.
- مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود.
- کلمات حاوی مفاهیم نمایی (کلیدواژه‌ها) از متن استخراج شوند.
- مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژهای فرعی در متن و سوتیتراژ باشد.
- معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود.
- مجله در رد قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است.
- مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود.
- آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رای و نظر مسئولان مجله نیست.

بهار یادگیری

محمدرضا حشمتی



همکاران عزیز سلام!

با شروع فصل پاییز، بهار آموزش و پرورش آغاز می‌شود. بهار که فرا می‌رسد، جان ایران و ایرانی تازه می‌شود. اگر غمی هست، به فراموشی سپرده می‌شود و اگر شادی وجود دارد، فزونی می‌گیرد. و اگر از بی‌نوایی و ناداری رنج می‌بریم، امید به توانایی و دارایی در دلمان جوانه می‌زند و تحمل آن رنج را آسان می‌کند. نوع دوستی‌مان نیز، غنا و توانگری‌مان را با آرامشی کم‌نظیر همراه می‌کند. چنین است که بهار برای هر ایرانی، جز شادی و امید معنایی ندارد.

دوستان، در بهار یادگیری، زمانی می‌توانیم در بوستان مدرسه برای غرس کردن نهال‌های اندیشه و هرس کردن رفتارهای شکوفه‌های زندگی‌مان - فرزندانمان - فعالیت کنیم که با عزمی راسخ و دلی مملو از امید و نشاط در ماه مهر، مهربانی را سنگ فرش سرزمین پاکی و دلدادگی - مدرسه - سازیم.

در شروع بهار می‌خواهیم تحول را از خودمان شروع کنیم. سال گذشته، درباره‌ی ارزیابی عملکرد سالانه گفتیم که هدف آن اصلاح رفتار است و رفع نقاط ضعف. در این دوره از مجله‌ی رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، در نظر داریم ضمن آگاه کردن شما از برنامه‌های دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی، نظرات شما را درباره‌ی این کتاب‌ها، به دست‌اندرکاران، طراحان و برنامه‌ریزان انتقال دهیم.

دوستان همراه! اظهار نظر کردن حق هر کسی است. باید عقیده‌ی خود را ابراز کنید. امید است با کمک اندیشه‌های گران قدر شما، بتوانیم فضای ارزشمند نقادی و ارائه‌ی بازخورد را در

جامعه‌ی آموزش و پرورش کشور نهادینه کنیم. نظرات کارشناسانه‌ی خود، نقاط ضعف و کاستی‌های برنامه و کتاب‌های درسی را به مسئولان گروه‌های درسی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی اهدا کنید.

قال الصادق (ع): أَحَبُّ إِخْوَانِي مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عَيْبِي

دوست داشتنی‌ترین برادران نزد من کسی است که عیب‌های مرا

به من هدیه دهد. (اصول کافی، ج ۲، ص ۶۳۹)



مهارت های علمی

سعیده اکبری نظری

آیا تا به حال به این فکر کرده اید که چرا بچه هایمان را به مدرسه می فرستیم؟ شاید جوابش خیلی ساده به نظر بیاید؛ برای یادگیری. اما یادگیری چه چیزی؟ لابد می گوئید پاسخ این سؤال هم خیلی ساده است؛ برای یادگیری ریاضی، علوم، دینی، حرفه و فن و...

ولی این جواب از کجا آمده است که هم خانواده ها و هم دولت ها، هزینه ی زیادی صرف می کنند تا بچه ها این موضوعات را یاد بگیرند؟ واقعاً چرا؟ موضوعات بسیار زیادی برای یاد گرفتن وجود دارند. چرا همه ی دانش آموزان باید همین درس ها را یاد بگیرند؟ به نظر می رسد، این دروس، کمترین نکته هایی هستند که هر کس باید بداند تا بتواند زندگی خودش را اداره کند. بچه های ما باید در دوران کودکی این علوم را یاد بگیرند، تا وقتی بزرگ شدند، بتوانند در مقاطع و شرایط متفاوت از آن ها استفاده کنند. قاعدتاً بعد از این مرحله ی عمومی، هر کس یک مهارت تخصصی را در دانشگاه یا مراکزی که آموزش تخصصی می دهند، یاد می گیرد و در شغل خود به کار می برد.

پس، حداقل تا پایان دوره ی راهنمایی تحصیلی، ملاک انتخاب موضوعات یادگیری این است که آن موضوع درسی برای اداره ی یک زندگی ساده، صرف نظر از این که فرد می خواهد در آینده چه کاره شود، واجب باشد.

اگر بیشتر به زندگی خودمان دقت می کنیم، می بینیم موضوعاتی که در دوران مدرسه یاد گرفته ایم، شاید برای داشتن همان زندگی ساده، لازم بوده است، ولی به طور قطع کافی نبوده و گاهی نداشتن برخی مهارت ها، مشکلاتی جدی برایمان به بار آورده است.

در زندگی ساده اما موفق و پر بار، ما باید بتوانیم به عنوان شهروند، همسر، مادر و... درست تصمیم بگیریم و درست رفتار کنیم. درست تصمیم گرفتن و درست عمل کردن، خیلی هم ساده نیست و به یادگیری و تمرین سلسله ای مهارت از همان دوران کودکی نیاز دارد؛ مهارت هایی مثل یادگیری، ابراز وجود، حل مسئله، و بهداشت.

هر کدام از ما حتماً در زندگی خودمان یا اطرافیانمان، جای خالی بعضی از این مهارت ها را احساس کرده ایم. مثلاً با افرادی روبه رو شده ایم که در زمینه های علمی بسیار موفق بوده اند. اما حتی توان برقراری ارتباط با گروه هم سالان خود را هم ندارند و گاهی همین مشکل، مانع کارآمد بودن آن ها در جامعه شده است. برعکس این موضوع هم هست. گاهی می بینیم کسانی را که مهارت های ارتباطی بالایی دارند و می توانند بدون داشتن تخصص چندانی، با بهره گیری از توان متخصصان، کاری بزرگ و تخصصی را پیش ببرند و موفق باشند.

حالا که همه ی ما این کمبود را در زندگی هایمان احساس کرده ایم، چه خوب می شود اگر با مهارت های مهم آشنا شویم و بعد بکوشیم هر کداممان، صرف نظر از این که چه تدریس می کنیم. در کلاس هایمان به برخی از این مهارت ها تکیه و به فرزندانمان کمک کنیم تا زندگی خوبی داشته باشند که از جوانب گوناگون غنی شده است.

در مجموعه مقالات مهارت های معلمی، به مهارت های مورد نیاز برای داشتن زندگی موفق و پویا اشاره ی کوتاهی خواهیم کرد و تحقیق و بررسی گسترده تر در مورد مصادیق و روش های ارائه ی مهارت ها در کلاس را بر عهده ی شما همکار عزیز می گذاریم.



در زندگی ساده اما موفق و پر بار، ما باید بتوانیم به عنوان شهروند، همسر، مادر و... درست تصمیم بگیریم و درست رفتار کنیم

مدرسه‌ی مثبتی

دکتر فرید براتی سده

خود را به فعلیت درآورند و مسرت و خشنودی و رضایت حاصل از کاربرد توانایی‌ها و صفات درونی خود را تجربه کنند. امید و انگیزه از جمله عوامل مهم در محیط‌های مثبت هستند.

یکی از محیط‌های مثبت، مدرسه است. مدرسه‌ی مثبت بیش از آن که یک مکان صرف باشد، نوعی رویکرد به آموزش و تعلیم و تربیت است. در این رویکرد، مدرسه به مثابه اتمسفری عاطفی است که دانش‌آموزان در آن شکوفا می‌شوند. برای بنیاد نهادن چنین بنایی، توجه به زیرساخت‌هایی، لازم و ضروری است. این زیرساخت‌های ضروری، عناصر یا اجزای مدرسه‌ی مثبت هستند. اگر ساختمانی را نماد مدرسه‌ی مثبت در نظر بگیریم و از کف ساختمان نگاهی به اجزای آن تا بالا بیندازیم، اجزای مدرسه‌ی مثبت را می‌توان چنین برشمرد:

«توجه، اعتماد و احترام». این سه موضوع، در کف قرار دارند و بنیاد مدرسه‌ی مثبت به شمار می‌روند. توجه، اعتماد و احترام متقابل اند؛ یعنی اگر دانش‌آموزی نیازمند توجه معلم یا معلمان خویش است، قاعدتاً انتظار می‌رود خودش هم به آنان احترام بگذارد، و برعکس معلم هم باید به دانش‌آموزانش احترام بگذارد. این موضوع به ویژه شامل احترام گذاشتن به تنوع و تفاوت‌های فرهنگی دانش‌آموزان هم می‌شود.

اهمیت حس مورد توجه بودن هم توسط معلمان و هم دانش‌آموزان تأکید می‌شود. توجه به شرایط تحصیلی دانش‌آموزان، دلایل عدم حضور آنان در کلاس، دلایل بی‌رغبتی به کلاس، درس، و مدرسه و توجه و حمایت از دانش‌آموزان در مواقعی که دچار بحران‌هایی می‌شوند، تماماً این احساس را به دانش‌آموزان القا می‌کند که تحت توجه هستند.

موضوع اعتماد به دانش‌آموزان در کلاس و مدرسه بسیار مورد توجه است؛ زیرا به اعتقاد متخصصان تعلیم و تربیت، اعتماد، منافع و مزایای بسیاری برای دانش‌آموزان دارد. دو محقق تعلیم و تربیت،

کلیدواژه‌ها: روان‌شناسی مثبت‌گرا، محیط مثبت، مدرسه‌ی

مثبت.

اشاره

روان‌شناسی مثبت‌گرا یکی از گرایش‌های تازه در روان‌شناسی است که کمی بیش از یک دهه یا به عبارت دقیق‌تر دوازده سال از عمر آن می‌گذرد. در این گرایش، به جای پرداختن به نقاط ضعف و مشکلات افراد از دیدگاهی منفی یا دیدگاه نقص، به توانمندی‌ها، صفات اخلاقی مثبت، فضیلت‌های انسانی، رفتار و افکار مثبت، شادی و نشاط آدمی توجه می‌شود. یکی از اهداف این شاخه از روان‌شناسی، ایجاد محیط‌ها یا مؤسسات و نهادهای مثبت است؛ از جمله: محیط کاری مثبت، محیط یادگیری مثبت (از جمله مدرسه‌ی مثبت)، خانواده و اجتماع مثبت.

ما می‌کشیم طی سلسله مقالاتی، اصلی‌ترین نکات مرتبط با مدرسه‌ی مثبت را برای معلمان گرامی عرضه کنیم. بدیهی است، خوانندگان محترم برای آشنایی بیشتر با مباحث مربوط به روان‌شناسی مثبت‌گرا، می‌توانند به کتاب‌ها و مقالات مربوط و از جمله به نشانی پایگاه الکترونیکی مرکز روان‌شناسی مثبت‌گرا مراجعه کنند:

www.positivepsychologycenter.org

ویژگی‌های محیط‌های مثبت

به طور کلی، محیط مثبت محیطی است که در آن شادی، نشاط و امید وجود دارد؛ محیطی که انگیزش‌های افراد را افزایش و ارتقا می‌دهد و موجب می‌شود افراد به راحتی توانش‌های بالقوه‌ی

هدف تعلیم و تربیت حمایت از دانش آموزانی است که در مدرسه احساس ناامنی دارند

میزان زمانی بستگی داشته است که معلم به غیر از ساعات درسی با آن‌ها سر کرده است (مثلاً در ساعات تفریح یا در زنگ‌های ورزش یا در گردش‌های علمی و...).

موضوع دیگر که در کف ساختمان مدرسه‌ی مثبت جای دارد، احترام گذاشتن به دانش‌آموزان، به ویژه احترام به تفاوت‌های فرهنگی و فردی آن‌هاست. معلمان باید صدای همه‌ی دانش‌آموزان را در کلاس بشنوند و اجازه ندهند دانش‌آموزی به علت شرایط فرهنگی یا اقتصادی یا سنی و قومی خود، از ابراز نظر یا ارائه‌ی دیدگاهش در کلاس بپرهیزد.

پی‌نوشت

1. Marilyn Watson
2. Laura Eckman
3. Learning to Trust: Transforming Difficult Elementary Classrooms Through Developmental Discipline.

منابع

۱. براتی سده، فرید (۱۳۸۸). اثربخشی مداخلات روان‌شناسی مثبت‌گرا در افزایش نشاط و شادی، خشنودی از زندگی و معناداری زندگی و کاهش افسردگی: مدلی برای اقدام. پایان‌نامه‌ی دوره‌ی دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی.
2. Peterson, C. (2006). A Primer in Positive Psychology. NY: Oxford University Press.
3. Seligman, M.E.P. & Csikszentmihalyi, M. (2000). Positive Psychology: An Introduction. American psychologist, 55, 5-14.
4. Snyder, C.R. & Lopez, S.J. (2007). Positive Psychology: The Scientific and Practical Exploration of Human Strengths. USA. Sage Publications.
5. Watson, M. & Eckman, L. (2003). Learning to trust: Transforming Difficult Elementary Classrooms Through Developmental Discipline. San Francisco: Jossey-Bass.

به نام‌های **مریلین واتسون**^۱ و **لورا اکمن**^۲ در کتابی با عنوان «یادگیری اعتماد: انتقال از دوره‌ی سخت ابتدایی به انضباط رشدی (تحولی)»^۳، موضوع مدیریت کلاس و برقراری نظم در مدارس ابتدایی را شرح داده‌اند. رویکرد آن‌ها در برقراری روابط اعتمادآمیز با مشکل‌دارترین دانش‌آموزان کلاس است؛ چه، این کار اثرات مثبتی به همراه دارد که به بقیه‌ی کلاس هم سرایت می‌کند.

این دو محقق که یکی (واتسون) روان‌شناس تعلیم و تربیت است و دیگری (اکمن) معلم مدرسه‌ی ابتدایی، از موضوعی حمایت می‌کنند که آن را انضباط تحولی (رشدی) می‌نامند. این مفهوم که از نظریه‌ی دلبستگی اخذ شده است، می‌گوید: حمایت از دانش‌آموزانی که دلبستگی ناایمن دارند، مهم‌ترین هدف تعلیم و تربیت است. به باور آن‌ها، روابط اعتمادآمیز و توجه‌گرایانه، موجب اجتماعی شدن چنین دانش‌آموزانی خواهد شد.

راهکاری بسیار خوب برای معلمان و مربیان به منظور افزایش اعتماد دانش‌آموزان، اجتناب و پرهیز از شک کردن و تردید نسبت به دانش‌آموزان است. بدبینی، دشمن اعتماد است. معلمان مثبت در تعاملاتی که با دانش‌آموزان دارند، می‌کوشند راههایی را پیدا کنند که دانش‌آموزان خوب به نظر برسند. هم‌چنین، گاهی بهترین نتایج آموزشی، مواقعی به دست می‌آیند که معلم کاملاً سکوت می‌کند و به دیدگاه‌ها و ابراز عقاید دانش‌آموزان گوش می‌سپارد. موضوع مهم دیگر در توجه و اعتماد به دانش‌آموزان، گذراندن وقت با آن‌هاست. تحقیق در محیط‌های آموزشی نشان داده است که مهم‌ترین شرط مثبت بودن مربیان از نظر یادگیرندگان، به



معماری اثر بخش

ثمانه ابروانی

کلیدواژه‌ها: معماری، اثر بخش، معماری مدرسه.

اشاره

آیا معماری مدرسه می‌تواند بر یادگیری دانش آموزان مؤثر باشد؟

اگر بخواهیم برای مدرسه‌ی موفق نام مناسبی بگذاریم و بگوییم این مدرسه در یادگیری و تربیت دانش آموزان و فرزندان ما موفق عمل کرده است، عوامل زیادی به ذهن متبادر می‌شوند؛ عواملی که هیچ کدام نمی‌توانند به طور جداگانه عمل کنند و همه نیز باید در ساختار منظمی با همدیگر کار کنند تا به نتیجه‌ی مطلوب که همان تربیت و آموزش صحیح است، دست یابند. در این مطلب کوتاه می‌کوشم نام مدرسه‌ی خوب را «مدرسه‌ی اثر بخش» بگذارم و تعریف درستی از آن ارائه بدهم. البته درباره‌ی عوامل تأثیر گذار بر یادگیری دانش آموزان و کیفیت تحصیلی آنان در مدرسه و ساختار آموزشی، مطالب و تحقیقات فراوانی را می‌توان مشاهده کرد که هر کدام از زاویه‌ای به این موضوع پرداخته‌اند.

مهم‌ترین سؤال ما این است که «مدارس اثر بخش» چگونه به وجود می‌آیند و ویژگی آن‌ها چیست؟ من سعی می‌کنم هشت ویژگی مدرسه‌ی مؤثر را معرفی کنم. البته این شرایط هم بسته هستند، یعنی هر کدام از آن‌ها بر دیگری تأثیر می‌گذارد و اگر شما هر ویژگی را اصلاح کنید، وضعیت بهتر آن، بر موارد دیگر تأثیر مثبت خواهد گذاشت.

ویژگی‌های مدرسه‌ی اثر بخش

۱. جو مدرسه مثبت است.
۲. فرایند برنامه‌ریزی مشارکتی است.
۳. اهداف علمی و آموزشی به طور واضح تعریف شده‌اند و با هم ارتباط دارند.
۴. ساختار اداری مطلوب است.
۵. فرصت‌هایی برای شرکت دادن و مسئولیت پذیرفتن دانش آموزان در مدرسه وجود دارد.
۶. عر آموزش برای همه صورت می‌گیرد.

۷. بازخورد و تصحیح معلمان و مدیران در مدرسه انجام می‌شود.

۸. اصلاح مدرسه صورت می‌گیرد.

حال تصور کنید قصد داریم مدارس غیر اثربخش را حذف و یا اصلاح کنیم. فرض کنید مدرسه‌ای عادی با شرایط عادی داریم؛ همان مدارس مکعبی شکل مرسوم که در بسیاری از نقاط شهر و کشورمان دیده می‌شوند؛ مدرسی که بیشتر پلان‌های آن‌ها شامل کلاس‌هایی هستند که به صورت ردیفی، در امتداد یک راهرو چیده شده‌اند و اگر امکانات بیشتری داشته باشند؛ می‌توان در آن‌ها نمازخانه، سالن غذاخوری و آزمایشگاه‌هایی را هم مشاهده کرد. برای اصلاح اول، مثلاً می‌خواهیم دانش‌آموزان معلول را در طرح آموزش فراگیر، وارد مدارس عادی خود کنیم. در اولین گام‌ها متوجه کمبودهای معماری مدارس خود می‌شویم؛ این که مدرسه‌ای ما سطح شیب‌داری برای حرکت معلولین و ورود به مدرسه ندارد، توالت ویژه‌ی معلولین ندارد و امکانات کمک آموزشی نیز برای آنان دیده نمی‌شود. در طرحی دیگر، می‌خواهیم میزان مشارکت معلمان را در مدرسه افزایش دهیم. مثلاً می‌خواهیم معلمان در دروس خود، به گونه‌ای بین رشته‌ای عمل کنند و بعضی از دروس را با همدیگر تدریس کنند. این کار نیازمند ادغام شدن دو کلاس در هم در یک ساعت مشخص است که عملاً با ساختار معماری مدارس کنونی ما امکان‌پذیر نیست. یا می‌خواهیم مشارکت جامعه و والدین را در مدرسه‌ی اثربخش افزایش دهیم، متوجه خواهیم شد که فضای مناسبی برای تعامل مربیان مدرسه و والدین نداریم و یا اگر بخواهیم کارهای گروهی را در کلاس افزایش دهیم و از فعالیت‌های انفرادی بکاهیم، متوجه می‌شویم، مبلمان کلاس برای آموزش مستقیم و هدایتی چیده شده است و ما قادر نیستیم آن را تغییر دهیم. اگر هم بتوانیم این کار را انجام دهیم، موقتی و زودگذر خواهد بود. مثلاً می‌خواهیم از دانش‌آموز باهوش طبیعت‌گرای خود حمایت کنیم و این توانایی او را ارتقا دهیم. متوجه می‌شویم، مدارس ما از فضاهای سبز خوبی برخوردار نیستند و یا ما فضای فیزیکی خوبی را طراحی نکرده‌ایم که دانش‌آموزان بتوانند در محیط باز، فعالیت‌های طبیعت‌گرا نظیر باغبانی، پرورش گیاه، نگهداری حیوانات و پرندگان اهلی، و تحقیقات علمی انجام دهند، و باز از این مهم باز می‌مانیم.

یا مثلاً می‌خواهیم، میزان تعامل معلم و شاگرد را در مدرسه افزایش دهیم و ارتباط صمیمی‌تری بین معلم و یادگیرنده ایجاد کنیم. این جاست که به فضاهای دنج و خصوصی برای تعامل نیاز داریم و وقتی به ساختار معماری مدرسه نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم کل فضاهای مدرسه شامل کلاس‌ها و راهرو و آزمایشگاه‌هاست که فضایی مناسب و دنج برای تعامل به شمار نمی‌رود.

یا مثلاً سعی داریم در مدرسه، از نظارت و کنترل مستقیم روی دانش‌آموز بکاهیم و با حفظ شخصیت او، کنترل غیرمستقیم داشته باشیم. اما باز می‌بینیم، با این راهروهای مستقیم در مدرسه و فضاهای ساده و بدون شیشه، نمی‌توانیم این مهم را انجام دهیم.

ما در برخی از این مدارس سعی کرده‌ایم اصلاحاتی را انجام دهیم، اما معماری مدارس کنونی هم‌چون سدهای بزرگی هستند که ما را از مهم‌ترین خواسته‌ی خود در مدرسه که همان «یادگیری» است، غافل کرده‌اند.

در حقیقت، «محیط فیزیکی» مدرسه نیز بر یادگیری و روش‌های تدریس تأثیر می‌گذارد. شاید این تأثیر مستقیم نباشد و یا رابطه‌ی معناداری بین دانش‌آموز و معماری مدرسه وجود نداشته باشد. اما با کمی نگاه موشکافانه درمی‌یابیم، ما در فضای «مدرسه» درس می‌دهیم. در آن فضا «نفس» می‌کشیم و می‌خندیم و به دانش‌آموزان درس می‌دهیم. هر «محیط» بر «فعالیت»‌های آن محیط تأثیر می‌گذارد و این رابطه به صورت دو طرفه خواهد بود. زمانی که دانش‌آموزان ما بین کلاس پنجره‌دار و روشن با کلاس تاریک و با مهتابی، کلاس روشن را انتخاب می‌کنند، پس معماری و خصوصیت‌های کلاس بر یادگیری و آن چه که برای دانش‌آموز مطلوب است، مؤثر خواهد بود.

زمانی که دانش‌آموزان ما مایل نیستند در ساختارهای مدارس فعلی درس بخوانند و همیشه از آن‌ها به عنوان فضاهای تنگ و تاریک یاد می‌کنند، این جاست که ما باید اندیشه کنیم، آیا یک عامل مهم را در مدرسه فراموش نکرده‌ایم؟ به اعتقاد من، مدرسه‌ی مؤثر، عامل دیگری نیز دارد که من به آن اضافه می‌کنم.

۹. مدرسه‌ی مؤثر مدرسه‌ای است که معماری آن، بیشترین فعالیت‌های یادگیری متناسب با دانش‌آموزان را در خود جای دهد. مدرسه‌ی مؤثر مدرسه‌ای است که معماری آن خوانا و روان و با نشاط باشد. معماری مدرسه‌ی مؤثر چنان است که از آن با عنوان معماری مؤثر بر یادگیری یاد می‌کنیم.

در شماره‌های بعدی، راجع به معماری مدرسه بیشتر صحبت می‌کنیم.

منابع

1. Nair & Fielding The language of school design 2005 first edition and 2009 second edition
2. Taylor Anne . Linking Architecture and Education, 2009
3. Architecture for Education (New school designs)
4. ButinD Classrooms. Washington, DC: National Clearinghouse for Educational Facilities.2000.
5. Cain, R.& Cain,G. Makng connections: Teaching and the human brain. Assosiation for supervision and Curriculum Development1991.
6. ChanT.C. . Environmental impact on student learning. Valdosta, GA: Valdosta State College.1996.
7. Lackney Reading a school building like a book: The influence of the physical school1999.
8. NorthwestEducational Technology Consortium Virtual schools: What do educational leaders need to know? Paper presented at the 2002 NCCE Conference, Seattle, WA. March 2002
9. SanoffHenry in WaldenRotraut schools for the futue. 2009.
- 10.TapscottD Growing up digital : the rise of the net generation.New York .McGrawHill.1998.

مدرسه‌ی مؤثر،
مدرسه‌ای است که
معماری آن خوانا،
روان و با نشاط باشد



لیلی محمدحسین

آموزش و پرورش در جهان بخش اول

تعداد دانش‌آموزان در کلاسی درسی

کلیدواژه‌ها: اثربخش، جمعیت، دانش‌آموز.

اشاره

در این دوره از مجله‌ی رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، در قسمت «آموزش و پرورش جهان» می‌کوشیم رویکردها و سیاست‌های آموزشی کشورهای دیگر را معرفی کنیم. مواردی از قبیل: تعداد دانش‌آموزان در کلاس درس و ارتباط آن با اثربخشی آموزش؛ مدیریت کلاس درس؛ کار گروهی؛ ارزش‌یابی؛ تلفیق فناوری اطلاعات در آموزش؛ فعالیت‌های فوق برنامه.

امیدواریم استفاده‌ی معلمان از تجربه‌های جهانی، ما را به راهکارهایی برای ارتقای کیفی آموزش و پرورش در دوره‌ی راهنمایی رهنمون شود.

همه می‌دانیم که تعریف واژه‌ی «اثربخش» در آموزش کار آسانی نیست. ممکن است معلمانی با سبک‌های بسیار متفاوت تدریس، به یک اندازه اثربخشی داشته باشند. البته تصور غالب این است که صرف‌نظر از میزان اثربخشی روش تدریس معلمان، یادگیری به نسبت تعداد دانش‌آموزان در کلاس نیز بستگی دارد و هر چه تعداد دانش‌آموزان کمتر باشد، میزان یادگیری بیشتر است. تحقیقات هم نشان می‌دهد، تعداد کم دانش‌آموزان در کلاس، فرصت‌های مناسب‌تری برای ارائه‌ی بازخورد و بحث فراهم می‌کند و البته رضایت دانش‌آموزان هم از کلاس‌های کم‌جمعیت بیشتر است. ولی این بدان معنا نیست که ضرورتاً تعداد دانش‌آموزان کلاس با



میزان یادگیری آنان هم‌بستگی مثبت دارد. یافته‌های تحقیقی دیگر حاکی از آن است که کلید اصلی برای آموزش مؤثر و یادگیری دانش‌آموزان، نه تعداد افراد کلاس، بلکه درگیر کردن آن‌ها در یادگیری فعال است.

وجود چه تعداد دانش‌آموز، کلاس را پرجمعیت می‌کند؟

هیچ تعریف مورد توافق برای کلاس پرجمعیت وجود ندارد. برای بعضی از معلمان ۴۰ نفر، برای بعضی ۵۰ نفر و برای بعضی دیگر حتی ۳۰ نفر هم زیاد است. بعضی از معلمان برای کلاس پرجمعیت این تعریف را دارند: «کلاسی که تعداد دانش‌آموزانش آن قدر زیاد باشد که تا پایان سال یا نیم‌سال تحصیلی نتوان نام همه‌ی آن‌ها را یادگرفت». شاید بتوان گفت، کلاسی پرجمعیت است که معلم نتواند در آن به روش دل‌خواهش کار کند. بعضی از مشکلات کلاس‌های پرجمعیت عبارت‌اند از:

- دانش‌آموزان به جای انسان به صورت تبدیل می‌شوند.
- راهنمایی کردن دانش‌آموزان به صورت فردی مشکل‌تر می‌شود.
- زمان زیادی صرف حضور و غیاب می‌شود.
- تصحیح تکالیف و امتحانات کتبی بسیار وقت‌گیر است
- کیفیت بازخورد به دانش‌آموزان کاهش می‌یابد.
- بنابر نتایج تحقیقی که در انگلستان برای بررسی تأثیر تعداد دانش‌آموزان در کلاس بر آموزش در دو مرحله‌ی دوره‌ی ابتدایی (مرحله‌ی اول: ۵ تا ۷ سالگی و مرحله‌ی دوم: ۷ تا ۱۱ سالگی) انجام شده است، در مرحله‌ی اول نقش تعداد دانش‌آموزان بسیار مهم است. در سال‌های ورود دانش‌آموزان به مدرسه، تعداد کمتر دانش‌آموز در کلاس باعث می‌شود آن‌ها ارتباط فعال‌تری با معلمان برقرار کنند و بی‌توجهی و رفتار نامربوط کمتر مشاهده می‌شود. البته مطابق این تحقیق، در مرحله‌ی دوم ابتدایی، هیچ شاهده‌ی مبنی بر این‌که دانش‌آموزان در کلاس‌های کم‌جمعیت‌تر، در درس‌های ریاضیات، انگلیسی یا علوم پیشرفت بیشتری داشته باشند، وجود ندارد. نکته‌ی قابل توجه این است که دانش‌آموزان در کلاس‌های بزرگ‌تر، برای معاشرت با هم کلاسی‌ها، وقت بیشتری صرف می‌کنند و ارتباطات بین کودکان در کلاس‌های کم‌جمعیت‌تر (کمتر از ۲۰ دانش‌آموز) در مقایسه با کلاس‌های پرجمعیت‌تر بدتر است.

جالب است بدانیم، تعداد دانش‌آموزان در کلاس‌های ژاپنی، از ۵۰ دانش‌آموز در هر کلاس در سال ۱۹۵۹، به ۴۵ در سال ۱۹۶۴ و ۴۰ از سال ۱۹۸۰ به بعد رسیده است. هم‌اکنون نیز در بسیاری از استان‌های ژاپن، کلاس‌ها ۴۰ نفری هستند.

طبق تحقیقی که سال ۲۰۰۱ برای تأثیر تعداد دانش‌آموزان کلاس در ژاپن انجام شد، معلمان ابتدایی مناسب‌ترین تعداد دانش‌آموزان برای کلاس را ۲۱ تا ۲۵ نفر می‌دانستند، در حالی که معلمان پایه‌های بالاتر فکر می‌کردند تعداد ۲۶ تا ۳۰ دانش‌آموز در کلاس مناسب‌ترین تعداد است.

همان‌طور که تحقیقات نشان می‌دهند، کم کردن تعداد دانش‌آموزان در کلاس، همه‌ی مسائل را حل نمی‌کند و در بعضی از مناطق نیز، اجتناب از داشتن کلاس‌های پرجمعیت، هم به دلیل اقتصادی و هم به دلیل کمبود معلمان حرفه‌ای، فعلاً غیرممکن است. براساس یافته‌های یک تحقیق با استفاده از روش‌های زیر می‌توان در کلاس‌های پرجمعیت نیز به آموزش مؤثر دست یافت:

۱. ایجاد شرایط کلاس کم‌جمعیت در کلاس

پرجمعیت

- یادگرفتن نام همه‌ی دانش‌آموزان
- حرکت کردن در همه‌ی فضای کلاس
- بازخورد مرتب گرفتن از دانش‌آموزان
- آزادانه ارتباط برقرار کردن با دانش‌آموزان

۲. تشویق مشارکت کلاسی

- تقسیم کلاس به گروه‌های کوچک
- برنامه‌ریزی برای مشارکت دادن دانش‌آموزان در فعالیت‌های کلاس
- جلب همکاری دانش‌آموزان برای تهیه‌ی مواد مربوط به درس
- قائل شدن نمره برای مشارکت

۳. افزایش یادگیری فعال

- نوشتن رئوس مطالب و اهداف درس روی تخته‌ی کلاس یا اسلاید
- دادن «فرصت تفکر» به دانش‌آموزان در طول کلاس
- نشان دادن اشتیاق خود برای موضوع درس
- استفاده از الگوی حل مسئله در طرح درس.

منبع

1. <http://www.docstoc.com/docs/26071209/EFFECTIVE-TEACHING-AND-LEARNING-IN-LARGE-CLASSES>
2. Blatchford P. et al, (2006), The Effect of Class Size on the Teaching of Pupils Aged 7 – 11 Years, Institute of Education, University of London, UK
3. The Policy and Practice of Small Class Teaching in Japan, Osamu YAOSAKA, Graduate School of Education, Kyushu University, Japan.
4. CICE Hiroshima University, Journal of International Cooperation in Education, Vol.11 No.3 (2008) pp.85-102, http://home.hiroshima-u.ac.jp/cice/11-3_nakabugo.pdf.

شاید بتوان گفت، کلاسی پرجمعیت است که معلم نتواند در آن به روش دلخواهش کار کند



خودآزمایی آموزشی

دکتر یدالله سعیدنیا

کلیدواژه‌ها: نقد، آموزش و پرورش، رفتارگرایی.

اشاره

برای رسیدن فهم کامل تر نقدهایی که خواهد آمد، توجه به این اصول مهم است. پیشنهاد می‌کنیم، مقابل هر اصل، در جای تعیین شده، میزان نزدیک بودن روش خود در کلاس با آن را، با درصدی بین صفر تا ۱۰۰ مشخص کنید. به عبارت دیگر، مقابل هر اصل تعیین کنید چه قدر در کلاس به آن عمل کرده‌اید:

در این سلسله نوشتار، به نقد روش‌های جاری آموزش می‌پردازیم که در اکثریت مطلق کلاس‌های درسی جاری است. البته پیش از آن، اصولی از یک روش شناخته شده را می‌آوریم که در آموزش و پرورش نقشی قاطع و اساسی داشته است.

۹. اگر تشویق عملکردهای درست و منطبق با انتظار، بلافاصله و متناسب باشد، منجر به تداوم عملکرد صحیح می‌شود. ☐
۱۰. تنظیم برنامه‌ی دقیقی برای تشویق که همه‌ی رفتارهای مورد انتظار را پوشش دهد، سبب توفیق برنامه‌ی آموزشی می‌شود. ☐
۱۱. مهم‌ترین ملاک توفیق معلم که بهتر است به تشویق او منجر شود، رسیدن همه‌ی دانش‌آموزان به اهداف آموزشی تنظیم شده در زمان تعیین شده است. ☐
۱۲. بهره‌گیری از بهترین و مؤثرترین محرک‌ها مانند رقابت و ایجاد فضایی که شاگرد را دارای احساس توانمندی برای رقابت کند، باعث تلاش شاگردان است. ☐
۱۳. تمرین برای توفیق در رقابت‌های مدرسه، شاگردان را برای رقابت در محیط واقعی اجتماع آماده می‌کند. ☐
۱۴. معلم به عنوان مهم‌ترین مرجع شاگردان و مؤثرترین عامل موفقیت، مسئولیت بزرگی به عهده دارد. ☐
۱۵. کلاس باید رنگ آرامش‌بخش و ساده‌ای داشته باشد. دیوارها، شکل‌ها و تصویرهایی که حواس دانش‌آموزان را مختل می‌کنند، حذف شوند. ☐

۱. در آموزش ابتدا باید هدف را به اجزای کوچک تقسیم کرد تا شاگرد بتواند به راحتی بیاموزد. ☐
۲. جریان آموزش باید به وسیله‌ی معلمی مسلط و توانا و با آرامش به شاگرد انتقال یابد. ☐
۳. معلم موفق می‌تواند در شاگرد احساس احترام به خود (معلم) را ایجاد کند. ☐
۴. وقتی شاگرد معلم را دوست داشته باشد و او را الگوی خود بداند، درس را روان‌تر می‌آموزد. ☐
۵. آزمون‌های تکوینی و عینی، هم می‌توانند معلم را نسبت به آنچه آموخته شده است آگاه سازند و هم شاگرد را نسبت به ضعف‌های خود. ☐
۶. کنترل دقیق فرایند آموزش و کنترل محیط آموزش از نظر آرامش، باعث اثربخشی بیشتر می‌شود. ☐
۷. آزمون‌های کوتاه و بازخورد دقیق و کمی آن به شاگرد، متضمن نیل به اهداف تعیین شده است. ☐
۸. تعیین دقیق اهداف آموزشی و طراحی روش آموزشی در قالب طرح درس‌های اجرایی، از مؤثرترین راهکارهای آموزشی است. ☐

منابع

1. Behaviorism in classroom (2002), <http://filebox.vt.edu/users/spenney/behaviorism/classroomex.htm>
2. Gagne, R. M., (1985) The Conditions of Learning and the Theory of Instruction, (4th ed.), New York: Holt, Rinehart, and Winston. <http://psychology.jrank.org/pages/796/behaviourism-B-F-Skinner-on.html>
3. Skinner, B.F., 1971. Beyond Freedom and Dignity. New York: Knopf.
4. Skinner, B.F., (no date), behaviorism Purpose, intention, expectation, Mental processes, Sensations, perceptions, and images, Reasons and reasoning. <http://psychology.jrank.org/pages/796/behaviourism-B-F-Skinner-on.html#ixzz0rHv5L9LU>
5. Watson, J., 1913. Psychology as a Behaviorist Views It, Psychological Review, 20, 158- 77.
6. Watson, J., 1930. Behaviorism. Norton: New York.

حال نمره‌ی خود را از ۱۵۰۰ به دست آورید و آن را به ۱۵ تقسیم کنید تا نمره‌ی خود را از ۱۰۰ بگیرید. اگر نمره‌ی شما بالاست، معنی‌اش این است که شما روش جاری و تفکر غالب در آموزش و پرورش ایران را تا حدی خوب انجام می‌دهید. اما در نگاهی متفاوت به اصول ذکر شده، می‌توان آن‌ها را غیرمنطبق با فطرت انسانی و آموزه‌های دینی دانست. حتی می‌توان آن‌ها را برخاسته از نگاهی منفی به انسان دانست. می‌توان آن‌ها را نتیجه‌ی نگاه قیّم‌مآبانه، آمرانه و مستبدانه‌ی صاحبان قدرت قلمداد کرد.

در واقع نیز از نظر تاریخی تا حد زیادی حداقل در شروع این نظریه-همین‌گونه بوده است. این اصول، اصول اساسی در نظریه‌ی آموزشی رفتارگرایی هستند. رفتارگرایان نخستین، از فلسفه‌ای در روان‌شناسی پیروی می‌کردند که انسان را فاقد اختیار و ساخته‌ی جامعه و برآیندی از محرک و پاسخ‌ها می‌پنداشت. آن‌ها انسان را موجوی ابتدایی و بدون شکل می‌دانستند که به وسیله‌ی تربیت می‌تواند به آنچه خواسته‌ی آموزشگران باشد تبدیل شود. آن‌ها انسان را جعبه‌ی سیاهی می‌دانستند که می‌توان با کشف پاسخ‌هایی که به محرک‌ها می‌دهد، او را شکل داد.

تکیه‌گاه نظریه‌ی رفتارگرایی این است که انسان موجودی است که باید در مورد این که به چه چیزی تبدیل شود، برایش تصمیم گرفت و براساس آن برنامه‌ریزی دقیقی کرد. با اجرای این برنامه و پایش فرایندها و خروجی‌ها، می‌توان رسیدن به هدف را تضمین کرد.

شاید خواننده از این مطالب شگفت زده شود. زیرا با وجود این که بسیاری از سازمان‌های آموزشی، این طرز نگاه را نسبت به انسان نمی‌پذیرند، در حال استفاده‌ی گسترده از این اصول هستند؛ از جمله نظام آموزشی ایران که با توجه به آموزه‌های دینی، این نگاه را به انسان ندارد، ولی اصول فوق را در سطحی گسترده به کار می‌گیرد.

این که چرا و چگونه این اتفاق ممکن است و این تناقض چگونه روی می‌دهد، بحثی جداگانه است. ولی ممکن است خواننده در این که آیا واقعاً این اصول از چنین نگاهی نتیجه می‌شود، در تردیدی جدی باشد. در شماره‌ی بعد می‌کوشیم این ارتباط را روشن کنیم.



کوچ پرستوها

مژگان بابامرندی



تصویر: سارا طاهر شعبانی

می‌روم بالای سر نتیجه‌ی بزرگم جیران. اما او بیدار است. اولین سال و اولین روز کاری اوست. می‌گوید: «سولماز آنا، دعایم کن.» بلند می‌شود. همان‌طور که مویش را شانه می‌کند، به پنجره‌ی مسجد نگاه می‌کند و صلوات می‌فرستد. صبحانه می‌خوریم. همه در فکرند.

مارال، نوهام، یعنی مادر جیران و گوژل، می‌گوید: «یادش به‌خیر مدرسه، طبقه‌ی دوم، کلاس سوم، نیمکت سوم، نفر سوم کنار پنجره...»

فرنگیس دخترم، می‌گوید: «چه‌قدر زمان زود می‌گذرد. انگار دیروز بود که سولماز آنا، دست مرا می‌گرفت. می‌رفتیم مدرسه. این قدر سخت‌گیر بود که تا آخر دیپلم گرفتیم، هیچ‌کس نفهمید او مامان من است.»

می‌گویم: «هن که امروز می‌روم مدرسه. کاری هم ندارم کی می‌آید و کی نمی‌آید!»

مارال، مادر گوژل و جیران، می‌گوید: «دل من هم برای مدرسه‌ام خیلی تنگ شده است! اول با شما می‌آیم. بعد می‌روم مدرسه‌ی محل تدریس خودم.»

همگی حاضر می‌شویم. دلم تند تند می‌زند. یاد اولین روز مدرسه‌ام می‌افتم.

می‌رویم بیرون. گوژل جلوتر از همه است. بقیه پا به پای عصای من راه می‌روند. جیران می‌گوید: «برگردید. خواهش می‌کنم... اگر یکی از شاگردهایم شما را ببیند، چه می‌گوید؟!»

می‌گویم: «فقط مدرسه را نگاه می‌کنیم. جلو نمی‌آییم. دلم نمی‌خواهد خانه‌ی پدری‌ام را که حالا برج شده است، ببینم. فقط پنج دقیقه‌ی دیگر مانده به مدرسه.»

مدرسه‌ی ما مال جنگ جهانی دوم است. **سولماز آنا** به این مدرسه رفته است و بعد مادر بزرگ و بعد مامان و بعد **جیران** و حالا من. اما کسی این را باور نمی‌کند که همه‌مان در اولین روز کلاس اولمان، تو طبقه‌ی دوم، کلاس سوم، نیمکت سوم، کنار پنجره نشسته‌ایم. سه کوچه مانده به مدرسه، من و جیران از سولماز آنا و مادر بزرگ و مامان جدا می‌شویم. دو کوچه مانده به مدرسه، من از جیران.

صبح است. چشم باز می‌کنم. هنوز هوا تاریک است. بلند می‌شوم. عصایم را که کنار تختم است برمی‌دارم. هوا سرد است. هوای تبریز از اواسط شهریور خنک می‌شود. از پنجره‌ی اتاقم، پنجره‌ی مسجد کبود را می‌بینم. این مسجد، حاجت چند هزار چشم را شنیده باشد خوب است؟ همه می‌آیند و می‌روند، او هم چنان ایستاده است؛ خاموش و ساکت. چای می‌گذارم. نان گرم می‌کنم. از آشپزخانه دخترم پیداست و نوهام و دو نتیجه‌ام. هنوز خواب‌اند. الان دیگر خانه‌ی ما رویه‌روی مدرسه نیست. اول نتیجه‌هایم را بیدار می‌کنم. نتیجه‌ی کوچکم، گوژل، دبستان را تمام کرده است. تا چشم باز می‌کند، می‌گوید: «سلام سولماز آنا، معلم.»

سه کوچه مانده به مدرسه می ایستیم. یعنی سر کوچه‌ای که اسم یک شهید روی آن است: فکر می‌کنم، خب همه‌ی کوچه‌ها و خیابان‌ها نام شهید دارند. اما این شهید که این قدر به ما نزدیک است، کدام مدرسه رفته است؟ اگر الان بود، شاید هم سن و سال نوه‌ام، مارال بود. جیران و گوژل خداحافظی می‌کنند. یک لحظه چشم‌هایم را می‌بندم، به دیوار تکیه می‌دهم.

فقط ما رادیو داریم. گوینده از آغاز جنگ می‌گوید. پدر می‌گوید: «آللاه ائله مه سین کی جنگ اولسون!»

روبه‌روی خانه‌ی ما یک مدرسه درست می‌کنند، یک مدرسه‌ی دو طبقه. هر روز از پنج‌جری طبقه‌ی دوم، یعنی اتاق مهمان‌خانه‌مان، کامل شدن آن را نگاه می‌کنم. الان می‌دانم که پنج‌جری سومین کلاس، درست روبه‌روی پنج‌جری اتاق مهمان‌خانه‌ی ماست. از کسی که جنگ را شروع کرده است، بدم می‌آید. الان دیگر هیچ کارگری سر کار نیست. پدر می‌گوید: «مردم دیگر پول نان خریدن هم ندارند، چه برسد به ساختن مدرسه!»، تا به حال صلوات می‌فرستادم که مدرسه تمام شود و پدر اجازه‌ی مدرسه رفتن بدهد. حالا صلوات می‌فرستم که جنگ تمام شود.

با چشم‌های بسته نسیم را حس می‌کنم. اواخر شهریور است. اگر جنگ نبود، باید بعد از چند دعوی درست و حسابی، تکلیفم را با پدر روشن می‌کردم و اجازه‌ی مدرسه رفتن می‌گرفتم. هنوز طبقه‌ی بالا هستم و به آروزی نیمه کاره‌ام نگاه می‌کنم. صدای مادر می‌آید: «چۆره گیمیز یوخلو!»

پدر می‌گوید: «حسن بالام! قاچ چۆره‌گه. آللاه اوغول آغاجینی قوروتما سین!»

از پنج‌جری حسن را می‌بینم. از حیاط بزرگ و پر درختان می‌گذرد. به راهروی کوتاه و سرپوشیده‌ی دم در می‌رسد. دیگر او را نمی‌بینم. صدای بسته شدن در می‌آید.

دلم می‌خواست حتی در این شرایط گرسنگی، درباره‌ی مدرسه رفتن حرف می‌زدم. جنگ، خلاصه‌ی روزی تمام می‌شود، اما آرزوها هیچ وقت تمامی ندارند. دلم می‌خواست پدر داد می‌زد، کتک می‌زد، گرسنه‌ام نگه می‌داشت، اما خاترم جمع بود که مدرسه می‌روم.

حسن دیر کرده است. گفته‌اند که این روزها تو نان خاک اره می‌ریزند. بیشتر مردم مریض شده‌اند. این آخری‌ها نان را با چکش می‌شکستیم و تو آب خیسش می‌دادیم. اما آن را هم دیگر نداریم. یک نفر در می‌زند. کوبه‌ی مردانه را هم می‌زند. چند بار و پی در پی. پدر می‌دود دم در. مادر می‌گوید: «بالام حسن دیر»

او هم می‌دود. یادش رفته است روسری سرش کند. آن‌ها می‌روند زیر درگاهی. دیگر او را نمی‌بینم. دلم شور می‌زند. آخرین نگاه را هم به آروزی نیمه تمام می‌اندازم و می‌دوم بیرون. حسن

است. رنگ به رو ندارد. سرباز روسی دنبالش گذاشته است. تانکی را هم در حال حرکت دیده است. مادر می‌گوید: «گل ایچری، یئر آلمایشیریم»^۵.

پدر بی‌حرف لباس عوض می‌کند و می‌رود بیرون. دیر برمی‌گردد. همه‌مان دلشوره داریم.

مادر سیب‌زمینی پخته است. اما کسی میل ندارد. پدر کمی نان خریده است. می‌گوید: «مندی سونرا، هیچ کسین حتی یوخدور ائشیکه گئتسین!»^۶

همه سر سفره‌ایم. من میل ندارم. مدرسه‌ی دور و دورتر می‌شود. می‌روم بالا. نمی‌دانم چه قدر می‌گذرد که یکهو مادر را می‌بینم. به ترکی می‌گوید: «فعلاً که تانک‌های دشمن و این روس‌های از خدا بی‌خبر همه‌ی آرزوها را گرفته‌اند. فعلاً غصه نخور خدا بزرگ است.»

پدر پشت سر اوست. فقط سرش را تکان می‌دهد و می‌رود. مادر هم می‌رود. صدای بگومگویشان می‌آید. می‌ترسم پدر مثل دفعه‌ی پیش بگوید تو گوش مادر. اما می‌گوید: «یک کلام، ختم کلام. اوضاع که آرام شد، بعد...»

صدای سوت می‌آید، صدای انفجار. همه‌ی ترسیم‌ها، خانه‌مان می‌لرزد. پدر بیرون می‌دود. پیژامه‌اش را هم عوض نکرده است. چیزی نمی‌گذرد که برمی‌گردد. خانه‌ای ویران شده است. نشانی خانه‌ی ویران شده را می‌دهد. همین جاست، سر همین کوچه، خانه‌ی **اوس علی کفاش**. نکند این محسن رستمی هم از خویشان او باشد؟ شاید هم، هیچ بعید نیست. وقتی دقیق حساب می‌کنم، می‌بینم همان خانه است.

مادر، سولماز آنا، چشم‌هایش را بسته است. می‌دانم باز هم به خاطراتش فکر می‌کند. انگار همین دیروز بود که رفتم مدرسه، یعنی همین مدرسه‌ای که امروز آخرین نوه‌ام، گوژل، دانش‌آموز آن است و نوه‌ی دیگرم، جیران، معلم آن.

دوباره بچه می‌شوم. امروز روز اول مدرسه است. من کلاس اول هستم. سولماز آنا دست مرا می‌گیرد. می‌گوید: «فرنگیس خانم، او هر وقت عصبانی است، مرا فرنگیس خانم صدا می‌زند. شاید معلمت من باشم. یادت باشد که فقط تو خانه دختر می. تو مدرسه فقط شاگرد می. تنبلی نداریم. ارفاق هم نداریم. تو خانه هم هیچ کس حق حرف زدن درباره‌ی مدرسه را ندارد. هر چه که هست، باید تو مدرسه بماند...»

بعد نگاهم می‌کند. نگاهش مثل یک مامان نیست. می‌گوید:

«بیلدین؟»

می‌گویم: «هن!»^۸

می‌گوید: «اوتوین موردینده ده، هتچ کس ایله دانیشمایاجاقسان»^۱

می‌گویم: «گوژوم اوسته»^{۱۰}

خوب می‌دانم که منظور او باباست. گاهی بابایم را از پشت یک شیشه‌ی ضخیم می‌بینم و با او تلفنی صحبت می‌کنم. او زندانی است. آن روزها خوب یادم هست. دل سولماز آنا برای بابا شور می‌زد. او تهران بود. ما هم رفتیم تهران. خیلی وقت بود که خبری از او نبود. از تهران بدم می‌آید. پر از تانک بود. مردم تو خیابان‌ها شلوغ می‌کردند. سولماز آنا از همه‌ی آشناها سراغ بابا را گرفت. اما هیچ کس هیچ خبری از او نداشت. برگشتیم تبریز. چند روز بعد فهمیدیم زندان است. حالا می‌دانم معنای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ چه بود.

به مدرسه رسیدیم. کلاس‌بندی کردند. من دانش‌آموز کلاس اول، طبقه‌ی دوم، کلاس سوم. نیمکت سوم شدم. کنار پنجره هم نشستیم. تماشای کوچ پرستوها از پنجره را دوست داشتم. سولماز آنا آمد تو کلاس. فقط اجازه داشتیم خانم معلم صدایش بزنم. به بچه‌ها گفت: «من هم وقتی کلاس اول بودم، دانش‌آموز همین مدرسه بودم و آن‌جا می‌نشستم».

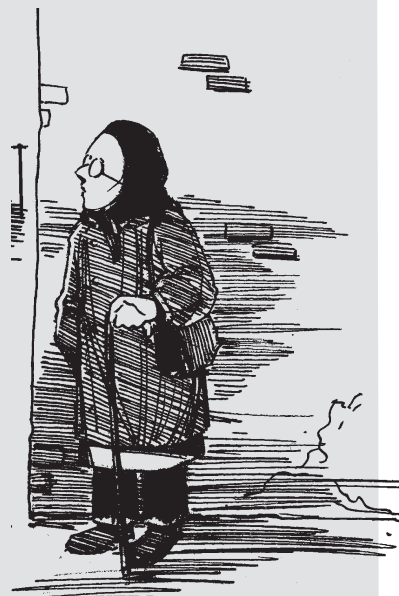
جای مرا نشان داد. بچه‌ها همه برگشتند و مرا نگاه کردند.

تمام اولین روزهای مدرسه‌ی من، مثل دو دخترم، از خانه‌ی سولماز آنا شروع شد. با سولماز آنا و مامان فرنگیس به مدرسه آمدم. آن‌ها معلم‌های این مدرسه بودند. اما خیلی زود یاد گرفتم که باید یادم برود من دختر معلم هستم.

ما الان سر کوچه‌ی شهید محسن رستمی ایستاده‌ایم. به پدربزرگم فکر می‌کنم که شهید شده است. اما هیچ‌جا نامی از او برده نمی‌شود. سولماز آنا، هیچ سنگ قبری ندارد تا وقتی دلش گرفت برود و با سنگریزه‌ای به آن بزند. فاتحه بخواند و درددل کند. یک روز به او گفتم: «سخت نیست؟» او گفت: «اولش سخت بود. اما بعد دیدم خدا هست. بعد هم دیدم تنها نیستیم. این همه جوان مفقودالثر و شهدای گمنام هم صاحب دارند دیگر، من هم یکی از آن‌ها. سر مزار هر کدام که بروی، می‌توانی با شهید خودت هم صحبت کنی».

هیچ کس نمی‌داند که من شهید محسن رستمی را می‌شناختم. یک بار تو تظاهرات دیدمش. یک بار وضعیت قرمز شد، من تو چارچوب در خانه‌ای ایستادم که دیدم در باز شد، خانمی هم سن مادرم گفت: «بیا تو دخترم. چه قدر هم رنگت پریده است».

راست می‌گفت، من واقعاً از بمباران می‌ترسیدم. به خصوص وقتی اخبار نشان داد که مدرسه‌ای را تو میانه با خاک یکسان کرده اند. فکر کردم دیگر نمره‌ی بیست و متوسط و تک فرقی



ندارد همه شهید شده اند. تو راهروشان ایستادم. خانه‌شان قدیمی بود. شبیه خانه‌ی قدیمی و پدری سولماز آنا. وضعیت که سفید شد. خداحافظی کردم، آمدم بیرون. تازه دیدم که روی زنگ در خانه نوشته‌اند رستمی.

بچه‌هایم را می‌بینم که دور می‌شوند. رنگ سولماز آنا پریده است. دست‌هایش را می‌گیرم. سرد هستند. می‌گویم: «سولماز آنا، نه وار، نه یوخ»^{۱۱} می‌گوید: «مارال جان، یاخچی‌ام، نگران اولما»^{۱۲} می‌دانم که قلبش گرفته است. می‌نشیند روی پله‌ی خانه‌ی شهید. به دیوار خانه‌شان تکیه می‌دهد. من هم دیگر باید راه بیفتم. روز اول مدرسه باید به موقع برسم.

روز اول مدرسه است، روز اول تدریسم، دفتر حضور و غیاب خیلی بزرگ است. امضا می‌کنم. می‌روم طبقه‌ی دوم، کلاس سوم. می‌نشینم روی نیمکت سوم، کنار پنجره. یعنی اولین جایم در اولین روز از اولین سال مدرسه‌ام.

دلشوره دارم. دبستان تمام شده است. باز هم خوب است که تو همین مدرسه هستم. جیران دبیر ریاضی‌مان خواهد شد. نمی‌دانم سر کلاس بیاید و درس بدهد، من چه جوری نگاهش می‌کنم. اصلاً می‌ترسم صدایش کنم جیران... اولین بار است که از صدا زدن خواهرم می‌ترسم. اما هر چه هست، می‌دانم نباید نمره و درس را با خواهر بودنمان یکی کنم. دلم می‌خواهد همان کلاس اول ابتدایی‌ام باشم. یعنی طبقه‌ی دوم، کلاس سوم، نیمکت سوم، کنار پنجره. می‌خواهم کوچ پرستوها را تماشا کنم. اصلاً پرواز تمام پرنده‌ها را دوست دارم.

بچه‌ها کم‌کم می‌آیند. خوبی این مدرسه همین است که غریبه خیلی کم دارد. همه از ابتدایی تا دیپلم با هم هستیم؛ مثل یک خانواده‌ی بزرگ. خدایا، کاش کلاس‌م همان کلاس همیشگی‌ام بشود.

زنگ را می‌زنند. من تو صف هستم. کلاس‌بندی می‌کنند. نام مرا می‌خوانند. کلاس‌م آن کلاس نیست، طبقه‌ی اول است. اما کنار پنجره می‌نشینم تا پرستوها را ببینم که برای کوچ آماده می‌شوند.

پی‌نوشت

۱. خدا نکند که جنگ شروع شود!

۲. نان نداریم.

۳. حسن پسر! برو نان بخر. ان‌شا‌الله که خدا درخت پسر را خشک نکند!

۴. پسر، حسن است.

۵. بیا تو، سیب‌زمینی بپزم.

۶. به غیر از من کسی حق ندارد بیرون برود.

۷. فهمیدی؟

۸. بله!

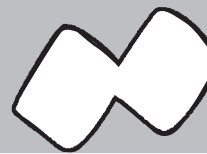
۹. در مورد خانه هم نباید با کسی صحبت کنی!

۱۰. چشم!

۱۱. سولماز آنا، چه خبر؟

۱۲. مارال جان، خوبم، نگران نباش!

شماره‌ی ۱ مهر ۸۹
دوره‌ی ۱۶



چیست؟

آشنایی با حقوق

بخش اول

کلیدواژه‌ها: حق، حقوق، تکلیف.

اشاره

آگاهی از حقوق فردی و اجتماعی و شناخت آن، زمینه‌ساز ایجاد روابط سالم اجتماعی است. با رعایت حقوق دیگران، جامعه حرکت خود به سمت عدالت را، با آهنگ مناسب‌تری آغاز می‌کند.

تصور اجتماعی بدون قانون، دهشتناک و وحشت‌افز است. هر اندازه اجتماعی پیشرفته‌تر باشد، به همان میزان از قوانین کامل‌تر و فراگیرتر برخوردار خواهد بود. چه آن که قانون را چکیده‌ی فرهنگ بشری دانسته‌اند.

زمانی می‌توان افراد جامعه را مسئولیت‌پذیر کرد که هر فرد آن جامعه، به ایفای مسئولیت خود موظف باشد. آشنایی با حقوق به منظور تربیت انسان‌های مسئول و پاسخ‌گو، و ضرورت پرداختن به آن، وظیفه‌ی هر رسانه‌ی تأثیرگذار در جامعه است.

زندگی در جامعه‌ی پیچیده‌ی کنونی، ما را به آگاهی از دانش‌ها و کسب مهارت‌های اساسی نیازمند کرده است که یکی از جدلی‌ترین آن‌ها، «حقوق» است. شهروند مطلوب کسی است که دانش و مهارت و نگرش‌هایی را که پای‌بندی و عمل کردن به آن‌ها برای عموم شهروندان هر کشور ضروری است، به دقت فرا گرفته باشد. توسعه و پرورش هویت مدنی و افزایش آگاهی نسبت به حقوق سیاسی و اجتماعی و تکالیفی که هر شهروند به عهده دارد، لازمه‌ی زندگی در جهان امروز و هدف مهم تربیت اجتماعی است.

تا زمانی که احترام به قانون و رعایت حقوق دیگران در جامعه مورد توجه قرار نگیرد، تقویت احساس مسئولیت و پاسخگو ساختن

نهادهای اجتماعی غیرممکن خواهد بود. برای آشنایی با حقوق، باید با مفاهیم اساسی آن نظیر حق و تکلیف آشنا شد.

حق

واژه‌ی حق که مفرد حقوق است، به معنای پایدار، پدیدآورنده، راست، واجب، عدل، باطل، مسلک، یقین، بهره و سهم معین هر کس در اسلام و... آمده است.

در اصطلاح حقوق، حق عبارت است از توانایی سُلطه‌ای که برای شخص یا اشخاصی نسبت به شخص یا چیز دیگر اعتبار شده و بر مبنای آن، شخص صاحب حق می‌تواند از آن بهره‌بردار.

هرگاه صاحب حق، از آن بهره‌برداری کند، اصطلاحاً گفته می‌شود حق خود را اعمال کرده است. مثلاً هرگاه شخصی حق سکونت در منزلی را داشته باشد و در آن ساکن شود، می‌گویند حق خود را اعمال کرده است. یا هرگاه زن، مهریه‌ی خود را از شوهر مطالبه کند، در واقع حق خود را نسبت به مهریه اعمال و اجرا کرده است.

اما این هرگز بدان معنا نیست که صاحب حق، در استفاده از حقوق خود و اعمال آن، آزادی بی‌قید و شرط دارد. بلکه اعمال حق، در گرو رعایت حقوق دیگران نیز هست. اگر اعمال حق، موجب وارد آمدن ضرر و زیان به دیگری شود، قانون صاحب حق را از اعمال حق باز می‌دارد. صاحب حق زمانی می‌تواند از حق خود استفاده کند که موجب رسیدن ضرر و زیان به دیگران نشود.

در مقابل هر حق، تکلیفی وجود دارد. در پس هر تکلیفی نیز، نوعی الزام و اجبار قانونی مطرح است.

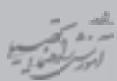
حق و تکلیف در یک شخص قابل جمع نیستند، زیرا حق سُلطه‌ای است که شخص به موجب قانون بر دیگری پیدا می‌کند و تسلط انسان بر خودش نامعقول است.

تکلیف افراد در برابر اشخاص و جامعه، به دو شکل فعل و ترک آن است. در حقیقت مبنای تشخیص فعل مجرمانه همین است. چه آن که جرم، فعل یا ترک فعلی است که به موجب قانون جرم شناخته شده است.

در شماره‌ی آینده، در مورد حقوق فردی و آزادی‌های عمومی، مطالبی را عرضه خواهیم کرد.

منابع

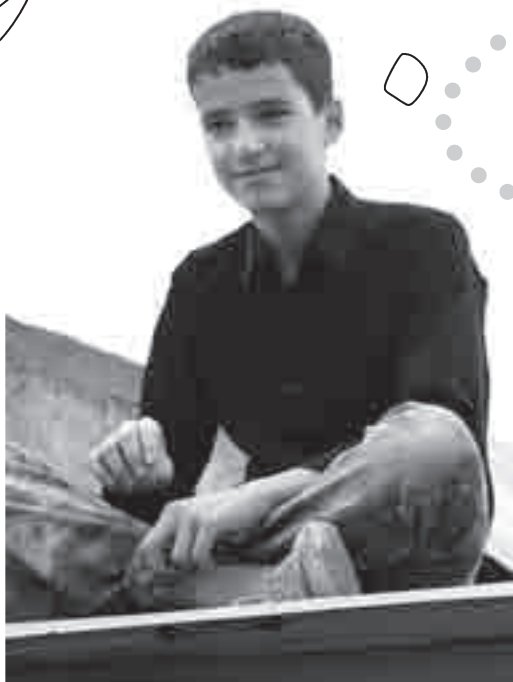
۱. ساکت، محمدحسین (۱۳۷۱). حقوق‌شناسی. نشر نخست، مشهد. چاپ اول.
۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۴۴). مقدمه‌ی علم حقوق. شرکت انتشار، تهران.
۳. معظمی، شهلا و فلاحیان، ناهید (۱۳۸۲). کتاب معلم آموزش حقوق. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. تهران.



شهروند مطلوب کسی است که دانش و مهارت و نگرش‌هایی را که پای‌بندی و عمل کردن به آن‌ها برای عموم شهروندان هر کشور ضروری است، به دقت فرا گرفته باشد

تاب‌آوری نوجوان

بتول سبز علی سنجانی



کلیدواژه‌ها: تاب‌آوری، نوجوان، مدرسه، خانواده.

اشاره

معلمی یادآور روزهایی است که زندگی پای تخته سیاه، موی سپید می‌کند. معلمی قصه‌ی زندگی است؛ داستان تجربه‌ی زندگی. روایت لحظه‌های تلخ و شیرین بودن کنار بچه‌های مدرسه. و معلم باغبان زندگی است در صحنه‌های سخت رویش. معلم تجربه‌ی گران قدر زندگی انسانی است. معلم زمستان‌های سرسخت و پاییزهای پرخزان را به دوش می‌کشد تا در قامت شاگردانش بهار جوانه بزند و تابستان بروید. وقتی همه غرق شکوفه می‌شوند و سرمست از علفزارهای سرسبز

می‌شوند، هیچ‌گاه به یاد نمی‌آورند که رویای شیرین بهار از سرمای زمستان و برگریزان پاییز عبور کرده است. معلمی یادآور کلاس درس و تخته سیاه کلاس و رویش شاگردان مدرسه است. معلمی سخت‌ترین کار دنیاست؛ سهل است و ممتنع. نوجوانی قطعه‌ای مهم از زندگی همه‌ی ماست. همه تجربه‌اش کرده‌ایم. همه آن را از سر می‌گذرانیم. همه ضریبان آن را بر طنین در قلب زندگی حس می‌کنیم. اما هرگز آن را یکسان ادراک نمی‌کنیم. نوجوانی‌ها بسیار متفاوت از هم هستند. نوجوانی همان قدر مشترک ادراک می‌شود که به همه‌ی آدم‌ها بگوییم شما انسانید؛ فارغ از سن و سال و جنسیت و تجربه و زبان و سواد. انسانیت همان قدر که ادراک می‌شود، به همان اندازه هم فهمیده نمی‌شود؛ مثل نوجوانی و جوانی زندگی آدم‌ها. قطاری که از یک ریل به یک مقصد می‌رسد، هرگز مسافران واحدی را به مقصد نمی‌رساند.

این‌ها را می‌گوییم تا زندگی را، زیستن در مدرسه را، نوجوانی بچه‌ها را، نوجوانان مدرسه را تاب بیاوریم. پیش از آن، معلمی خود را و تربیت کردن را، تا آن‌ها را خوب بار بیاوریم. تا آن‌ها را تاب‌آور بار بیاوریم. ما نمی‌توانیم مشکلات اساسی زندگی را از زندگی کسر کنیم. اما می‌توانیم کاری کنیم تا بچه‌ها پای مشکلات خویش بایستند و آن‌ها را به عنوان منبعی لایزال بدانند که می‌توانند برای پیشبرد زندگی بر آن‌ها تکیه زنند.

تاب‌آوری

تاب‌آوری یعنی با وجود آن که برخی از افراد با عوامل خطر متعددی روبه‌رو می‌شوند و در نتیجه احتمال بروز اختلال در آن‌ها بیشتر است، ولی دچار آن اختلال نمی‌شوند. تاب‌آوری، سپر بلای افراد در معرض خطر است و آن‌ها را برابر آثار سوء مواجهه با عوامل خطر محافظت می‌کند. تاب‌آوری «فرایند مقابله با رویدادهای مختل‌کننده، پراسترس یا چالش‌برانگیز زندگی» است. فرایند «رشد خودسازگارانه یا خود اصلاحگر»، «ظرفیت بازگشت سریع به حالت اولیه»، «توانایی رها شدن (بازگشت به حالت اولیه) از شرایط ناگوار یا دشواری»، «فرایند رهایی از مشکلات با توانمندی و هوشمندی‌های افزون‌تر».

یکی از مسائل مهم در تاب‌آوری، خوش‌بینی است. خوش‌بینی روشی برای توصیف توانایی استقامت در مواجهه با شرایط ناگوار و فائق آمدن بر مشکلات است. «تاب‌آوری خصوصیتی است خاص کودکانی که با وجود مواجهه با استرس و شرایط ناگوار در زندگی‌شان، تسلیم‌افت تحصیلی، مشکلات جسمی و روحی، و مشکلات مربوط به بزهکاری دوران نوجوانی که آن‌ها را با تجارب خطرناک بیشتری روبه‌رو می‌کند، نمی‌شوند». حالتی از سازگاری موفقیت‌آمیزی است که پس از مواجهه‌ی شخص با رویدادهای پراسترس زندگی رخ می‌دهد و با وجود موانع، معمولاً نوجوان در آن موفق خواهد شد. برای همین، تاب‌آوری عامل مهمی در «بالا بردن احتمال موفقیت در مدرسه و سایر زمینه‌های زندگی، با وجود معضلات و مشکلات محیطی است که حاصل ویژگی‌ها، شرایط و تجارب اولیه» است.

تاب‌آوری فرایندی است برای فراهم‌سازی نوعی محیط حفاظتی، و خلق فرصت‌هایی برای افراد نوجوان تا در اجتماع‌شان مشارکت کنند. در شرایطی که به نقصان‌ها و کاستی‌ها بیشتر از توانایی‌ها توجه می‌شود، سؤال تاب‌آوری این است که چه‌طور شما با وجود تجربه کردن مشکلات زیاد در طی سیر رشد، موفق می‌شوید به موفقیت‌های زیادی دست یابید؟ چه عواملی نوجوان را تاب‌آور می‌سازند؟

عوامل تاب‌آوری

خانواده و مدرسه می‌توانند راهکارهایی را پدید آورند که فاکتورهای محافظ را بیشتر کنند و تاب‌آوری را افزایش دهند. با فراهم آوردن محیطی که به اندازه‌ی کافی تسهیل‌کننده است، افراد توانایی تغییر سازنده و رشد حداقل برخی از خصوصیات تاب‌آوری را در زندگی‌شان کسب خواهند کرد. بزرگسالان می‌توانند نسبت به افراد جوان حضور پایدار، دل‌سوز، اعتماد بلند مدت و محبت بی‌قید و شرط ابراز دارند. دل‌بستگی و دریافت

حمایت، حداقل از فرد بزرگسال، یک فاکتور حفاظتی اصلی تلقی می‌شود. فراهم‌سازی فرصت برای مشارکت معنادار، هم‌چون تصمیم‌گیری، دادن مسئولیت‌های ارزشمند و استفاده از استعدادهای جوانان در جوامع نیز تاب‌آوری را افزایش می‌دهد. معنویت، مهارت‌های اجتماعی مفید، آشنایی و خوگیری با دیگران، پیوند با حداقل یکی از والدین، انسجام خانواده، ساختار خانواده، صمیمیت خواهرها و برادرها، اعتماد به نفس و عزت نفس بالاتر، از عوامل تاب‌آوری به حساب می‌آیند. در حالی که استرس، زبان بیانی ضعیف، نقص جسمی، مزاج پرخاشگر، مرکز کنترل خارجی، هوش پایین‌تر، مشکلات یادگیری، نقش جنسیتی سنتی، آشفتگی در خانواده، خانواده‌ی پرجمعیت و تغییرات بلوغ، از عوامل خطر محسوب می‌شوند.

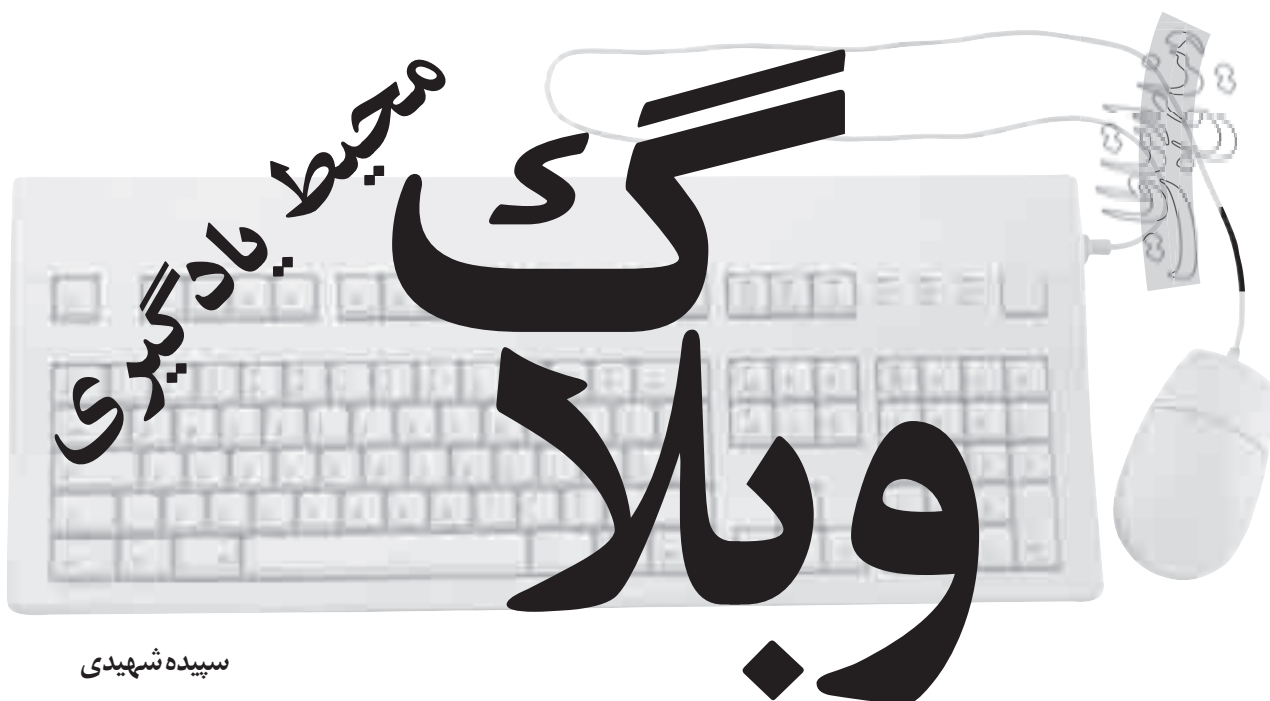
والدین می‌توانند برای ایجاد محیط سالم برای جوانان، این تمهیدات را به کار بگیرند: اجتناب از درگیری‌های خشن و بدرفتاری، ابراز گرمی و حمایت، ترغیب فعالیت‌های مشترک، ترغیب مسئولیت در قبال امور خانوادگی، فراهم آوردن الگوهای با نقش مثبت، طرح انتظارات مناسب، ابراز علاقه نسبت به دستاوردهای بچه‌ها، عضویت بچه‌ها در مدرسه و برنامه‌های جمعی، بهبود مهارت‌ها و غیره.

بچه‌هایی که روابط مثبتی با والدین برقرار می‌کنند، از لحاظ تحصیلی در سطح بالاتری عمل می‌کنند. دانش‌آموزانی که از دخالت والدین در تکالیف خانه و سایر کمک‌های خانواده برخوردارند، از لحاظ تحصیلی، تأثیرات مثبت قطعی پذیرفته‌اند. خانواده‌ها باید مراقبت، مصاحبت و صرف زمان با یکدیگر را بر پایه‌ی یک اصل قاعده‌مند قرار دهند. به‌خصوص، این موضوع حائز اهمیت است که والدین درباره‌ی اهمیت مدرسه بحث و گفت‌وگو کنند. اهمیت دادن والدین به مطالعه مهم است. والدین باید مطالعه را که برای موفقیت تحصیلی جوانان ضروری است، تقویت کنند. هم‌چنین، باید خود را در تحصیلات بچه‌ی خود درگیر کنند. آن‌ها باید به طور منظم از مدرسه بازدید کنند و با معلمان ارتباط داشته باشند. نقش والدین در مدرسه، شرکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های مدرسه در ارتباط نزدیک است. والدین باید مطمئن شوند که دانش‌آموزان در انواع فعالیت‌های مدرسه شرکت می‌کنند. شرکت دانش‌آموز در فعالیت‌های فوق برنامه، بهترین پیش‌بینی‌کننده‌ی موفقیت تحصیلی است. دانش‌آموزانی که در فعالیت‌هایی هم‌چون بازدید از موزه‌ها و کتابخانه‌ها، و سفرهای حوزه‌ی آموزشی شرکت می‌کنند، غالباً در مدرسه موفق‌ترند.

مورد نهایی، اقتدار والدین است. والدین باید قوانین صریح و ثابتی برای بچه‌های خود داشته باشند. در چنین شرایطی، دانش‌آموزان تمایل بیشتری برای تبعیت از قواعد مدرسه دارند و در نتیجه، موفقیت بیشتری کسب می‌کنند.

ما می‌توانیم کاری کنیم تا بچه‌ها پای مشکلات خویش بایستند و آن‌ها را به عنوان منبعی لایزال بدانند که می‌توانند برای پیشبرد زندگی بر آن‌ها تکیه‌زنند

یکی از مسائل مهم در تاب‌آوری، خوش‌بینی است. خوش‌بینی روشی برای توصیف توانایی استقامت در مواجهه با شرایط ناگوار و فائق آمدن بر مشکلات است



سپیده شهیدی

اشاره

استفاده کنند. فقط کافی است رایانه و اینترنت در دسترس باشد. با استفاده از وبلاگ می‌توان کلاس درس را به خارج از دیوارهای مدرسه گسترش داد. خوش‌بختانه استفاده از وبلاگ برای اکثر افراد، به ویژه معلمان، بسیار آسان است. ایجاد وبلاگ فقط به یک دانش حداقل از رایانه نیاز دارد. برعکس بسیاری از وبسایت‌ها، وبلاگ بسیار انعطاف‌پذیر است و به آسانی می‌توان محتوا و قالب آن را تغییر داد.

همان‌گونه که هر روز شاهد آنیم، اینترنت به سرعت در حال فراگیر شدن و اثرگذاری بر زندگی مردم است. در این میان، پدیده‌ی وبلاگ‌نویسی ابزار مناسبی است تا هر کس بتواند به راحتی ایده‌های خود را به دیگران عرضه کند. از آن‌جا که یکی از نیازهای آموزش، ارتباط مداوم و مستمر با دانش‌آموزان است، معلمان می‌توانند استفاده‌های خلاقانه‌ی زیادی از این فناوری اینترنتی داشته باشند و از کاربردهای گوناگون وبلاگ در کلاس درس خود بهره ببرند.

کلیدواژه‌ها: وبلاگ، ابزار آموزشی، دانش‌آموز.

فایده‌های استفاده از وبلاگ به عنوان نوعی ابزار آموزشی

- علاوه بر این که وبلاگ راهی عالی برای ارتباط بین معلم و دانش‌آموزان به شمار می‌رود، فایده‌های دیگری هم برای آن می‌توان برشمرد، از جمله:
- می‌تواند برای دانش‌آموزان بسیار انگیزاننده باشد؛ به خصوص برای دانش‌آموزانی که به دلایل متفاوت، چندان در کلاس مشارکت نمی‌کنند.
- مهارت‌های خواندن و نوشتن را در دانش‌آموزان بهبود می‌بخشد.
- مکان مناسبی برای همکاری و مباحثه است.
- ابزار مناسبی برای پایه‌ریزی و هدایت آموزش است.

استفاده از وبلاگ در کلاس درس

به عنوان ابزاری آموزشی، وبلاگ می‌تواند از راه‌های متفاوت با مخاطب تطبیق داده شود تا برای همه‌ی

وبلاگ چیست؟

وبلاگ یک ابزار نشر ساده است که نویسنده را قادر می‌سازد تا به سرعت و به آسانی، مطالب خود را منتشر سازد. ظاهر وبلاگ مانند همه‌ی سایت‌های معمول اینترنت است، اما یک مشخصه‌ی استاندارد دارد و آن نوشته یا Post است. پست‌های وبلاگ شامل نوشته‌های گوناگونی است که تاریخ دارند و خوانندگان می‌توانند نظراتشان^۱ را در مورد آن بنویسند. علاوه بر نوشته، هر پست ممکن است حاوی عکس، لینک و یا رسانه‌های دیجیتال دیگر باشد. پست‌ها معمولاً کوتاه‌اند و غالباً با فواصل زمانی کوتاه، به‌روز^۲ می‌شوند. مطالب به ترتیب زمان انتشار در وبلاگ قرار می‌گیرند و مطالب قدیمی در آرشیو وبلاگ بایگانی می‌شوند و قابل دسترسی خواهند بود.

وبلاگ‌ها ابزارهای مناسبی برای دانش‌آموزان هستند، زیرا آن‌ها می‌توانند در هر زمانی به طور مجازی از آن‌ها

دانش آموزان مناسب باشد. وبلاگ‌ها می‌توانند حداقل چهار کار اساسی را انجام دهند:

● مدیریت کلاس

ایجاد یک وبلاگ کلاسی، می‌تواند شروع خوبی برای پرورش یک جامعه‌ی کوچک یادگیرنده باشد. به دلیل به‌روزرسانی وبلاگ، می‌توان از آن برای اطلاع‌رسانی به دانش آموزان استفاده کرد. مواردی مانند مشخص کردن لوازم مورد نیاز برای جلسه‌ی بعد، خبرهای جدید کلاس، تکالیف درسی و... مثال‌های خوبی از این دست هستند. همچنین می‌توان از وبلاگ به عنوان مکانی برای پرسش و پاسخ استفاده کرد.

● همکاری

وبلاگ فضایی را ایجاد می‌کند که در آن معلم و دانش آموزان می‌توانند برای بهبود مهارت‌ها، با سرعت بیشتری در کنار هم کار کنند. معلم می‌تواند هر بار بعضی نکات آموزشی را ارائه کند و دانش آموزان می‌توانند از این طریق با دقت بیشتری به تمرین یا دوره بپردازند. همچنین مثلاً می‌توان از بعضی دانش آموزان بزرگتر خواست تا از طریق کمک به دانش آموزان کوچک‌تر، برای بهبود مهارت‌هایی مثل نوشتن، در وبلاگ مشارکت داشته باشند. حضور دانش آموزان در این گونه فعالیت‌های آموزشی مشارکتی، آن‌ها را ملزم می‌سازد تا علاوه بر مرور و فراگیری دروس، مهارت‌هایی مانند تحقیق و بیان آموخته‌ها را در خود تقویت کنند.

● بحث

وبلاگ‌های کلاسی این فرصت را برای دانش آموزان فراهم می‌کنند که درباره‌ی موضوعات درسی در خارج از کلاس با هم به بحث بپردازند. در وبلاگ، همه فرصت یکسانی خواهند داشت تا افکار و عقایدشان را با هم قسمت کنند. دانش آموزان زمان کافی برای تعامل با یکدیگر دارند. معلم همچنین می‌تواند گروهی از دانش آموزان را که در درباره‌ی یک موضوع اطلاعات یا آمادگی کافی دارند، گرد هم آورد تا آن موضوع را در وبلاگ به صورت کنفرانس گروهی ارائه کنند.

● اسناد دانش آموزی

وبلاگ، کارهای دانش آموزان را به صورت یک سند دیجیتال به صورت منظم نشان می‌دهد و از آن حفاظت می‌کند. از آن‌جا که مطالب قدیمی بایگانی می‌شوند، به راحتی می‌توان پیشرفت دانش آموزان و روندی را که طی کرده‌اند، بررسی کرد. به علاوه، چون دانش آموزان می‌دانند تلاش‌های آن‌ها منتشر خواهد شد، بیشتر تشویق می‌شوند



وبلاگ‌ها ابزارهای مناسبی برای دانش آموزان هستند، زیرا آن‌ها می‌توانند در هر زمانی به طور مجازی از آن‌ها استفاده کنند

در وبلاگ، همه فرصت یکسانی خواهند داشت تا افکار و عقایدشان را با هم قسمت کنند

که نوشته‌های بهتری تهیه کنند. وقتی معلم در مورد کاری که دانش آموز انجام داده است، با او گفت‌گو می‌کند، این توصیه‌ها به صورت بایگانی شده در وبلاگ باقی می‌مانند و می‌توان از آن‌ها برای دانش آموزان دیگر هم به عنوان مرجع استفاده کرد.

برخی مخاطرات استفاده از وبلاگ

از آن‌جا که اینترنت فضای نامحدودی است و در صورت نبود نظارت صحیح می‌تواند مشکلاتی را برای دانش آموزان ایجاد کند، بسیاری از والدین، محدودیت‌هایی برای استفاده‌ی فرزندان‌شان از اینترنت اعمال می‌کنند. بنابراین بهتر است پیش از این که طرح درس بر این مبنا نوشته شود، ابتدا نظر مساعد خانواده‌ها جلب شود.

وبلاگ ممکن است مانند سایر وب‌سایت‌ها، مورد مشاهده‌ی عموم مردم قرار گیرد. از این‌رو دانش آموزان باید در مورد نحوه‌ی انتشار مطالب در این فضا آموزش داده شوند. از آن‌جا که وبلاگ، هیچ ناشر، تهیه‌کننده یا ویراستاری ندارد، دانش آموزان باید با دقت مراقب آن‌چه می‌نویسند باشند تا از پیامدهایی چون توهین، هجو، یا تجاوز به حقوق دیگران جلوگیری شود. همواره باید توجه داشت، وبلاگ‌ها توسط افراد گوناگون و برای تحقق اهداف متفاوتی ایجاد می‌شوند و از آن‌جا که مطالب آن براساس تشخیص وبلاگ‌نویس تهیه می‌شوند، لزوماً هر چه در وبلاگ‌ها نوشته می‌شود، درست نیست و سندیت علمی ندارد.

پی‌نوشت

1. Comments
2. Update

منبع

<http://teachingtoday.glencoe.com>

آموزشی در دوران اسارت یادگیری سخت و شیرین



بخش اول

گردآورنده و تنظیم کننده: نفیسه ثبات



اشاره

خودکار و کتاب گرفته تا اجتماع بیش از چند نفر و هر چه که شما فکرش را بکنید. قصه‌ی آن روزهای موصل، قصه‌ی آدم‌هایی است که چند سال طولانی از زندگی خود را صرف یادگیری و یاددهی کردند.

کلاس‌ها خیلی ابتدایی شروع شد. با قرص‌هایی که از عراقی‌ها کش می‌رفتیم، روی آسفالت کف حیاط درس می‌دادیم و می‌خواندیم. گاهی خمیر نان‌ها را می‌سوزانیدیم، زغال می‌شد، روی موزاییک می‌نوشتیم یا با کیسه‌ی پلاستیکی تابلو درست می‌کردیم، چند تا را به هم بسته بودیم و رویش می‌نوشتیم. راحت پاک می‌شد و تا پاره نمی‌شد، کار می‌کرد. بعضی‌ها توی خاک باغچه درس می‌دادند. با چوب روی زمین می‌نوشتند.

کمی بعدتر که دست و بالمان بازتر شد، نمک و پودر لباس‌شویی را می‌کوبیدیم، آرد می‌شد. بخشش می‌کردیم روی عکس‌های رادیولوژی که از دست و پای بچه‌ها گرفته بودند و با چوب نازک رویش تمرین خط می‌کردیم.

اردوگاه موصل یکی از اردوگاه‌های عراق است که در حدود ده سال، بیشتر از دو هزار اسیر ایرانی را در خود جای داد، دو هزار نفر با شخصیت‌ها و قومیت‌های متفاوت، اختلاف سنی زیاد و حتی سطوح تحصیلی متفاوت. تصور این که در این مدت در کنار تمام شکنجه‌ها و سختی‌ها و محدودیت‌ها، آموختن و یادگیری در تاروپود این زندگی یکنواخت رسوخ کرده و بخشی از آن شده باشد، کمی سخت می‌نماید؛ اما این آموختن آن قدر وسیع شد که خودمان آن را وزارت آموزش و پرورش نامیدیم؛ با همه‌ی گستردگی نیازها و ابعاد گوناگونش، از برنامه‌ریزی درس و تهیه‌ی محتوا گرفته تا تعیین مکان و معلم؛ حتی تربیت معلم، جور کردن امکانات اولیه‌ی تحصیل، مدیریت و ارزیابی. تمام این‌ها پشت دیوارهای بلند و سنگی موصل رخ داد؛ جایی که همه چیز در آن ممنوع بود؛ از کاغذ و

آموزش و پرورش



اردوگاه موصل یکی از اردوگاه‌های عراق است که در حدود ده سال، بیشتر از دو هزار اسیر ایرانی را در خود جای داد، دو هزار نفر با شخصیت‌ها و قومیت‌های متفاوت، اختلاف سنی زیاد و حتی سطوح تحصیلی متفاوت

چند نفر هم زود جارو گرفتند دستشان و گرد و خاک به پا کردند. هر کس یک طرف رفت به جز محمدعلی که بسط سرچایش نشسته بود و تکان نمی خورد. بچه‌ها دور و برش را خلوت کردند. به رضا گفت: «من حال و حوصله‌ی فرار کردن ندارم.» سرپازها تا رسیدند، رفتند سراغش. سرش را بالا هم نیاورد. همان‌طور که تکیه داده بود به دیوار و قرآن را روی پایش گذاشته بود، گفت: «من کاری نمی‌کنم، نشسته‌ام، دارم قرآن می‌خوانم.»

سرپاز گفت: «نباید بلند بخوانی...» مگر می‌شد قرائت قرآن تو دلت، کی می‌توانست یاد بگیرد؟

کلاس و زندگی کنار هم سخت بود. این چهار دیواری مدرسه بود، مسجد بود، ورزشگاه بود، سینما و آمفی تئاتر هم بود. اگر معلم بلند درس می‌داد آن که مریض بود و می‌خواست بخوابد نمی‌توانست و اگر آرام می‌گفت، بچه‌ها نمی‌فهمیدند، خوابشان می‌برد.

ساعت دو تا سه بعد از ظهر را گذاشته بودیم برای خواب. چند تا از آسایشگاه‌ها کلاس نداشتند تا بچه‌ها استراحت کنند. کلاس که پرجمعیت می‌شد، بچه‌ها جا نمی‌شدند سرپازهای عراقی به آن‌ها گیر می‌دادند مجبور می‌شدند جایشان را عوض کنند. تمرین سرود و تئاتر که سرسام‌آور بود. هیچ کس نمی‌توانست در آن آسایشگاه بماند. کلاس‌ها می‌رفت حیاط، طوری که عراقی‌ها شک نکنند انگار دور هم نشسته‌ایم و با هم حرف می‌زنیم.

تطیلی‌ها که زیاد می‌شد، صدای بچه‌ها درمی‌آمد. کلاس‌ها باید روی یک روال ثابت می‌ماند. ولی نمی‌توانستیم دهه‌ی فجر جشن نگیریم، محرم عزاداری نکنیم و هفته‌ی دفاع مقدس کاری نکنیم. این جور وقت‌ها ساعت کلاس‌ها را کم می‌کردیم، ولی قطع نمی‌کردیم. برای معلم‌ها، مسئولان کلاس‌ها و مسئولان فرهنگی، با محمود جلسه‌های ماهانه می‌گذاشتیم. این آخری‌ها ۴۰-۵۰ نفر شده بودیم. فکرهایمان را روی هم می‌ریختیم، سعی می‌کردیم نظم و نظام همه چیز حفظ شود و کیفیت کلاس‌ها بالا برود، برنامه‌های هر ترم را می‌ریختیم، محل و ساعت کلاس‌ها و امتحان‌ها و نگاهبان‌ها با جزئیات بررسی می‌شد و همین‌طور نظام تشویق و تنبیه بچه‌ها. در این دنیای کوچک و در بسته، برای خودمان یک وزارت آموزش و پرورش راه انداخته بودیم؛ شاید منسجم‌تر و پربارتر از آن‌چه که در ایران داشتیم. همه با جان و دل کار می‌کردند، هیچ کس از کسی توقع نداشت، نه آن که معلم بود از شاگردش و نه آن که نگاهبان بود و برای درس خواندن بقیه تنگ می‌خورد و هیچ وقت خودش نمی‌توانست درس بخواند.

کلاس‌ها از پنج نفر شروع می‌شد تا پانزده بیست نفر. شلوغ که می‌شد، حتماً نگاهبان می‌گذاشتیم. اول از همه کلاس‌های قرآن بود؛ آن هم ابتدایی. روخوانی بود و کمی تجوید. معنی لغت به لغت را هم **محمدعلی حدادی** به بچه‌ها می‌گفت، تفسیر آن طوری که این آخرها بچه‌ها کار می‌کردند، نبود.

بچه‌ها بیشتر دوست داشتند قرآن را با محمدعلی بگیرند، نهج البلاغه را با **حاج آقا ابوترابی** و زبان را با **علی زردبانی**. ولی نمی‌شد. اوایل قرعه‌کشی می‌کردیم، خیلی‌ها قبول نمی‌کردند، بعد سطح‌بندی کردیم، کلاس‌های سطح بالا را این‌ها درس می‌دادند.

علی زردبانی مسئول زبان اردوگاه بود. بچه‌هایی را که بلد بودند و درس دادن را دوست داشتند، جمع و شاگردها را بینشان تقسیم می‌کرد. زبان هم فقط انگلیسی نبود؛ ایتالیایی، فرانسوی، آلمانی و عربی هم داشتیم. هر کدام از این کلاس‌ها فارغ‌التحصیل می‌داد که این‌ها می‌شدند معلم‌های سری بعدی. از بین همین بچه‌ها مترجم تربیت می‌کردیم تا بتوانند با نماینده‌های صلیب سرخ صحبت کنند و حرف‌های بچه‌ها را منتقل کنند.

اتاق‌هایی که کلاس برگزار می‌شد، معلوم بود. وسایل آموزشی و ساعت‌ها مشخص بود. هر کس روی برنامه کلاس می‌رفت، حتی کلاس مداحی هم داشتیم. اوایل توی شهادت‌ها و محرم مداح کم می‌آوردیم، مجبور می‌شدیم مخفیانه بچه‌ها را ببریمشان تو آسایشگاه‌های دیگر. این آخرها آن قدر مداح داشتیم که نوبتی می‌خواندند.

گاهی توی آسایشگاهی که کلاس بود، بعضی‌ها کنار نمی‌آمدند، پتویشان را می‌انداختند وسط کلاس که «جامه، فقط همین‌جا می‌تونم بخوابم.» هر کس فقط به اندازه‌ی یک پتو که سه لایه شده بود جا داشت و باید تمام زندگی‌اش را روی این پتو پهن می‌کرد. مسئول کلاس باید راضی‌اش می‌کرد. اگر راضی نمی‌شد، باید جای دیگری برای کلاس پیدا می‌کرد. تا جا پیدا شود، کلی زمان صرف می‌شد و بچه‌ها یا به کلاس بعدی نمی‌رسیدند، یا کلاس قلی‌شان نیمه کاره می‌ماند **محمود شرافتی**، فرماندهی ایرانی اردوگاه، تا حدی با این‌ها کنار می‌آمد، ولی وقتی از حد می‌گذشتند حساب کار را دستشان می‌داد.

شاید هر روز بیشتر از چهار پنج ساعت کلاس در هر آسایشگاه برگزار می‌شد. این یعنی شصت هفتاد نفر مهمان توی آسایشگاهی که خودش خانه‌ی صد نفر بود و هزار و یک جور مسئله و مشکل. کلاس‌ها که بیشتر از ده نفر می‌شد، نگاهبان می‌گذاشتیم. نگاهبان‌ها را گروه انتظامات تعیین می‌کردند. **روح‌الله ندرلو** مسئول انتظامات بود و تمام این ده سال را با عراقی‌ها کل گذاشت تا بچه‌ها درس بخوانند و خودش حتی یک روز هم پای کلاس درس کسی نشست.

یک روز که رضا نگاهبان کلاس محمدعلی بود، دو تا سطل سفید و قرمز را برداشت و ایستاد پشت میله‌های در آسایشگاه. آینه‌ی کوچکی به اندازه‌ی کف دست گرفت توی مشتش و دستش را اریب گرفت توی راهرو. این طوری دید بیشتری پیدا می‌کرد. کلاس تازه جان گرفته بود. محمدعلی داشت با صوت قرائت می‌کرد و بچه‌ها هم پشت سرش تکرار می‌کردند. کسی نفهمید چه شد رضا سطل قرمز را گرفت بالا و داد زد قرمز قرمز... چند ثانیه بعد داد زد سیاه و یک تنه ایستاد جلوی سرپازها که چندتایی هلش می‌دادند عقب که بریزند تو. (آن روز چند کلاس دیگر هم در آسایشگاه داشتیم، یکی که لو می‌رفت، بقیه هم باید تعطیل می‌کردند). چندتایی رفتند زیر پتو،

تاریخ آموزش و پرورش در ایران

بخش اول

ایران باستان

فاطمه محمودیان

کلید واژه‌ها: ایران، آموزش و پرورش، ایران باستان.

اشاره

پدر و مادر عهده‌دار آموزش و پرورش بوده‌اند. ولی به مرور پایه‌پای تشکیلات اجتماعی و تمرکز خانواده‌ها، مکان آموزشی به «خانه‌ی مربی» انتقال یافت که نخستین محل تدریس گروهی یا مکتب‌خانه به حساب می‌آید. با رواج دین زرتشت، آتشکده نیز برای آموزش مورد استفاده قرار گرفت و مدت‌ها عهده‌دار این نقش مهم بود. شاگردان هر روز از سحر شروع به تحصیل می‌کردند، زیرا سحرخیزی در اوستا ستوده شده است.

هدف‌های آموزش و پرورش

در آموزش و پرورش ایران عهد باستان، هدف‌هایی دنبال می‌شدند که به طور عمده از عقاید دینی و پرورش اجتماعی و معنوی سرچشمه می‌گرفتند:

- آموزش علم به عنوان فریضه‌ای دینی؛
- پرورش کودکان، نوجوانان و آماده کردن آنان برای خدمت به جامعه، خانواده و بهبودی حال و برتری بر دیگران؛
- پرورش روحیه‌ی درستکاری، کف نفس و بردباری در افراد؛
- تقویت روحیه‌ی جوانمردی و رعایت حقوق دیگران؛
- پرورش قدرت تحمل شدايد و سختی‌ها؛
- آموزش دست‌کم یکی از فنون و هنرهای رایج؛
- تربیت بدنی شامل: اسب‌سواری، تیراندازی، شکار، چوگان و ژوبین‌اندازی؛
- آماده کردن دختران برای خانه‌داری و انجام وظایف مادری؛

کشور ایران تاریخی پر فراز و نشیب دارد. قبل از ورود آریایی‌ها به ایران، بومیانی از اقوام مختلف در این سرزمین زندگی می‌کردند که اطلاع اندکی از آن‌ها در دست است. بی‌شک این اقوام گوناگون از فرهنگ‌ها و روش‌های تربیتی متفاوتی برخوردار بوده‌اند. با این همه آموزش و پرورش ایران را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد: ۱. ایران باستان؛ ۲. ایران اسلامی.

در این شماره از مجله، آموزش و پرورش در دوره‌ی ایران باستان را معرفی می‌کنیم و در شماره‌های بعدی، درباره‌ی آموزش و پرورش دوران ایران اسلامی سخن خواهیم گفت.

در ایران باستان

عوامل مؤثر بر تربیت

در ایران باستان، عوامل اولیه‌ی تربیت عبارت بودند از طبیعت، وضعیت جغرافیایی کشور و آرا و عقایدی که آریایی‌ها با خود آورده بودند و زرتشت آن‌ها را پیراسته و اصلاح کرده بود. وقتی در ایران حکومت متمرکز و مقتدر به وجود آمد، دولت نیز در شمار عوامل مؤثر بر تربیت درآمد.

محیط‌های یادگیری

اولین و ابتدایی‌ترین محل یادگیری، به طور عام خانه بوده و

شماره ۱ مهر ۸۹
دوره ۱۶

● تربیت متخصص از طریق آموزش عالی.

معلمان و شاگردان

در ایران باستان، معلم، از طریق آموزش و پرورش نوابگان و فرزندان اجتماع، مهم‌ترین نقش را در سازمان جامعه به عهده داشت. برای همین، بی‌نهایت مورد علاقه، احترام و توجه خاص بوده است. معلمان، مهم‌ترین و مطمئن‌ترین واسطه‌ی انتقال تمدن، فرهنگ و دانش گذشتگان به نسل‌های آینده بودند. هم اینان بودند که با رهبری معنوی، موجب تحولات اجتماعی و حافظ سنت‌های فرهنگی ما شدند. در روزگار زرتشت و زمان شاهنشاهی، مغان وظیفه‌ی سنگین معلمی را به عهده داشتند و کلیه‌ی آموزش‌ها را بر مبنای اصول تعالیم زرتشت به مردم می‌آموختند. تخصص، مورد توجه بود و هر معلم با توجه به تخصص خود تعلیم می‌داد. رابطه‌ی بین معلم و شاگرد هم بر پایه‌ی مهر و اخلاص بود.

مقام اجتماعی معلم در ردیف اول قرار داشت و حتی معلم بیش از والدین مورد احترام بود. مقام معلم به اندازه‌ی شامخ بود که در اوستا، زرتشت، معلم خوانده شده. چنان که در یسنا آمده است: «زرتشت آموزگار راستی بود و اندیشه‌ی راستی را در جهان منتشر ساخت. از این رو بود که به او گفتار دل‌پذیر داده شد.»

معلم روحانی موظف بود شب را به مطالعه و فراگرفتن درس بپردازد، چنان که در فرگرد و نذیر آمده است: «ای زرتشت مقدس، کسی را معلم روحانی بخوان که تمام شب مطالعه کند و از خردمندان درس بیاموزد تا از تشویق خاطر فارغ شود و سر پل صراط با قوت قلب و نشاط باشد و به عالم مقدس جاودانی یعنی بهشت نایل گردد.» وقتی معلم دارای چنین صفاتی شد، باید نسبت به او حق شناس بود و برای او دعا کرد.

دانش آموزان نیز به چند دسته تقسیم می‌شدند:

۱. دانش آموزان خاص

شاهزادگان که علوم سیاسی، جنگی و کشورداری را می‌آموختند؛ بزرگ‌زادگان که علوم جنگی و سیاسی را تعلیم می‌گرفتند.

۲. دانش آموزان حرفه‌ای

فرزندان مغان، هیربدان و موبدان که برای کسب علوم دینی آماده می‌شدند.

فرزندان پیشه‌وران، اصناف و صنعت‌گران که هر یک فنون و صنایع پدر را می‌آموختند.

۳. دانش آموزان عمومی

فرزندان آموزگاران، کارمندان و بازرگانان که آموزش فرهنگی و اقتصادی را فرا می‌گرفتند.

سطوح و دوره‌های تحصیلی

در ایران باستان، تربیت کودکان سنین ۵ تا ۷ ساله به وسیله‌ی خانواده به ویژه مادر، خواهر و عمه صورت می‌گرفت. پس از تربیت خانوادگی، کودک به معلم سپرده و آموزش عمومی شروع می‌شد و تا ۱۵ سالگی، تربیت ادامه می‌یافت. در این سن، هر زرتشتی موظف بود تکالیف مذهبی‌اش را انجام دهد.

مواد درسی هم عبارت بودند از: دین و اخلاق، تربیت بدنی، سواد پایه (خواندن، نوشتن و حساب کردن)، علم‌الاشیا، دروس عملی کشاورزی، دام‌پروری و درخت‌کاری.

آموزش‌ها به طور نظری و عملی انجام می‌شدند و همه‌ی شاگردان برنامه‌ی تحصیلی یکسانی را طی می‌کردند. آموزش‌های تخصصی با زمان بلوغ مصادف بود. استعداد افراد شناخته می‌شد و نوجوانان به رشته‌های تخصصی راهنمایی می‌شدند. آموزش و پرورش در این مرحله پیچیده‌تر و جدی‌تر می‌شد و علم و عمل در هم می‌آمیخت. نوجوانان پسر، ۱۰ سال پس از کارآموزی، در طبقه‌ی مردان پذیرفته می‌شدند. در این مرحله، پسران برای امور صنعتی و حرفه‌ای سایر امور اجتماعی و دختران برای خانه‌داری تربیت می‌شدند. پایان سن تحصیلی برای شاهزادگان ۲۰ تا ۲۴ سالگی بود.

یکی از بارزترین مراکز علمی و آموزشی دوره‌ی ایران باستان که تا قرن سوم هجری به فعالیت خود، خصوصاً در دانش پزشکی ادامه داد، دانشگاه مشهور جندی شاپور یا گندی شاپور است. این دانشگاه در میان آموزشگاه‌های عالی موجود در مرزهای ایران آن زمان و چند آموزشگاه دیگر در مرزهای تاریخی ایران و امپراتوری روم، از شهرت و امتیاز بیشتری برخوردار بوده است. این دانشگاه در جنوب غربی ایران (در شرق شوش یا جنوب شرق دزفول و شمال غربی شوشتر) واقع بود؛ جایی که دهکده‌ی شاه‌آباد فعلی بنا شده است. معروف است که بر سر در این دانشگاه چنین نوشته شده بود: «دانش و فضیلت برتر از بازو و شمشیر است.»

محاسن و معایب تعلیم و تربیت

از محاسن تعلیم و تربیت ایران باستان، می‌توان به پرورش پاکی و صداقت، قناعت، جوانمردی، سلحشوری و میهن دوستی اشاره کرد. دستگاه آموزش و پرورش در انحصار طبقه‌های برجسته و شاهزادگان و اعیان و اشراف بود و توده‌ی مردم یعنی اکثریت جامعه‌ی آن زمان، از نعمت تحصیل و تربیت در آموزشگاه محروم بودند. عیب دیگر القای عقیده بود که حس فرمان‌برداری مطلق و تسلیم کورکورانه در برابر قدرت و قوه‌ی قهریه را ایجاد می‌کرد و به کلی شخصیت افراد را از بین می‌برد. اختیار افراد در دست زمامداران و کارکنان دولت بود و از خود اراده و عقیده نداشتند.

منابع

۱. آهنجیده، اسفندیار. شناخت تاریخ آموزش و پرورش اسلام در ایران. آهنجیده، شهرکرد. ۱۳۸۱.
۲. الماسی، علی محمد. تاریخ مختصر تحول تعلیم و تربیت در اسلام و ایران. رشد، تهران. چاپ دوم، ۱۳۸۲.
۳. حکمت، علیرضا. آموزش و پرورش در ایران باستان. مؤسسه‌ی تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی، تهران. ۱۳۵۰.
۴. درآنی، کمال. تاریخ آموزش و پرورش: قبل و بعد از اسلام. سمت، تهران. چاپ سوم، ۱۳۸۰.
۵. صدیق، عیسی. تاریخ فرهنگ ایران. دانشگاه تهران. تهران. چاپ پنجم، ۱۳۴۹.
۶. صفوی، امان‌الله. تاریخ آموزش و پرورش ایران باستان تا ۱۳۸۰ ه.ش. رشد، تهران. ۱۳۸۳.
۷. ضمیری، محمدعلی. تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام. راهگشا. شیراز. چاپ ششم، ۱۳۷۵.

دستگاه آموزش و پرورش در انحصار طبقه‌های برجسته و شاهزادگان و اعیان و اشراف بود و توده‌ی مردم یعنی اکثریت جامعه‌ی آن زمان، از نعمت تحصیل و تربیت در آموزشگاه محروم بودند

مقام اجتماعی معلم در ایران باستان در ردیف اول قرار داشت و حتی معلم بیش از والدین مورد احترام بود





ایده‌ی برگزاری دوره‌های ضمن خدمت، همین جا به ذهن یکی از مسئولان رسید

پس از شروع کلاس‌ها، شاهد استقبال چشم‌گیر فرهنگیان بودیم. البته این استقبال بیشتر از سوی معلمان خانم صورت گرفت.



خبر برگزاری این دوره‌ها هم با روش خلاقانه‌ای به گوش همه‌ی معلمان کشور رسید.

بررسی‌ها نشان داد که علت عدم حضور معلمان مرد در این کلاس‌ها، مشغول بودن ایشان به شغل‌های دوم و سوم برای تأمین هزینه‌های جاری زندگی بوده است.





با پیشنهاد طرح ثبت ساعت حضور در دوره‌های
ضمن خدمت و افزایش دست‌مزد، گروه، مزایا
و... معلمان مردم هم از کلاس‌ها استقبال کردند و
مشکل حل شد.

○ ○ ○

مهدی رضاییان

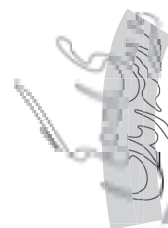


اما کم‌کم برای ثبت حضور در کلاس،
شاهد ترفندهایی بودیم که معلمان از
دانش‌آموزان یاد گرفته بودند.



در نهایت، جلسه‌ی امتحان پایان دوره هم دیدنی بود.

آزادی در گفت و گو



کلیدواژه‌ها: گفت و گو، ارتباط، معلم.

«ابر می‌گریست. خورشید از او علت را پرسید، ابر گفت: «مردم مرا دوست ندارند. آن‌ها فقط تو را می‌خواهند، ولی نمی‌دانند اگر من نباشم، طبیعت خراب می‌شود.» خورشید گفت: «آن‌ها تو را می‌شناسند و زیر اشک‌های تو قدم می‌زنند.»

ولی ابر پاسخ داد: «خیلی‌ها از من بدشان می‌آید.» خورشید گفت: می‌دانی برای چه مرا دوست دارند! چون امید دارم؛ امید به طلوعی دوباره؛ برای روشن کردن زندگی مردم. تو هم به آن‌ها امید بده! و خودت هم برای بخشیدن باران امید داشته باش! زیرا باران پاک‌ترین نگاه آسمان است.» این قطعه‌ی ادبی نوشته‌ی زینب بیاتی، دانش‌آموز سال سوم راهنمایی یکی از مدارس منطقه‌ی ۱۲ تهران است. این که چه قدر این نوشته اثر ادبی محسوب می‌شود، قرار نیست در این مجال مورد بحث قرار گیرد. زینب در میان ۹ نفر از دانش‌آموزان یک مدرسه‌ی راهنمایی، به ما کمک کرد تا در یک کارگاه،

شیوهی آموزشی جدیدی را تمرین کنیم. در این جا می‌خواهیم از این شیوه که در راستای موضوع گفت‌وگو از آن استفاده شده است، گزارشی را خدمت همکاران خودم مطرح کنم.

سرآغاز

من هم مثل شما معلم هستم و بسیار شادم که توانسته‌ام برای اولین بار از شیوه‌های گوناگون تسهیلگری آموزشی در امر گفت‌وگو استفاده کنم و بی‌دریغ آن را نخست به معلمان و سروران گرامی این مملکت تقدیم کنم. در این مجال کوتاه، بنا ندارم بر مقوله‌ی تسهیلگری که خود حوزه‌ای وسیع و دامنه‌دار است، وارد شوم. فقط می‌خواهم با بهره‌ی اندکی از آن، به امر مهم گفت‌وگو بپردازم؛ امری که گاه چنان مغفول مانده که رابطه‌ی دانش‌آموز را با من معلم - که چه عرض کنم، با دنیای بیرون - به کل قطع کرده است. در این جا تجربه‌ی ناقابل کارگاهی را که به طور آزمایشی در یکی از مدارس تهران به این شیوه اجرا کرده‌ام، در اختیار دوستان و همکاران خودم می‌گذارم، به امید آن که مفید واقع شود.

نخست آن که بچه‌ها گرد میز کتابخانه نشستند. به هر کدامشان یک برگه‌ی A_4 داده شد. روی همه‌ی برگه‌ها یک مستطیل و یک دایره کشیده شده بود. تعدادی کاغذ رنگی و چسب و قیچی هم جلوی دستشان قرار داشت. به آن‌ها گفتم، صفحه‌ی A_4 ، فضای گفت‌وگو میان دو نفر به نام‌های مستطیل و دایره است. از آن‌ها خواستم گفت‌وگوی آن دو را با وسایلی که در اختیار دارند، نشان دهند. پرسیدم: «به نظر شما گفت‌وگوی آن‌ها چه شکلی است؟ چه رنگی است؟ و چه حرف‌هایی را به هم می‌زنند؟»

شروع کار خیلی سریع‌تر از زمانی صورت گرفت که با معلمان کارگاه گفت‌وگو را برقرار می‌کنیم. سوالات بچه‌ها هم خلاقانه‌تر بود و به روند گفت‌وگو بیشتر کمک می‌کرد.

اولیتی که دانش‌آموزان به انتخاب رنگ، یا حتی انتخاب وسایل می‌دهند، نشان‌دهنده‌ی علاقه‌ها و خلق‌وخواهی آن‌هاست که باز هم در این جا مجال سخن‌پردازی درباره‌ی آن‌ها نیست. فقط برای مثال، کسی که اول سراغ کاغذ رنگی می‌رود، نه قیچی، موضوع و مطلب ردوبدل شده، برایش مهم‌تر و پررنگ‌تر از مقدار آن است و کسی که نخست سراغ قیچی می‌رود، در کارهایش سریع‌تر و عملیاتی‌تر عمل می‌کند؛ هر چند ممکن است کیفیت کلام را فدای مطرح شدن در گفت‌وگو کند. البته هیچ کدام از این موارد صد در صد نیست. با این حال، می‌تواند تا حدی به معلم کمک کند تا طی مراحل کارگاه و

برگزاری کلاس به صورت کارگاهی، روند تغییر نگاه و تغییر شیوه‌ی دانش‌آموز را مشاهده کند.

دو تا عرض برگه‌ی A_4 ای را که به بچه‌ها دادم، در دستانم نگه داشتم و طول برگه را در راستای افق به آن‌ها نشان دادم. جالب این بود که بچه‌ها برگه را چرخانده بودند و برگه‌ی A_4 را عمودی دیده بودند.

انتخاب شمال، جنوب، شرق و غرب برگه، یا به طور تصادفی یا عمدی، از سوی بچه‌ها صورت گرفت. درست است که در این جا بنا نداریم از این شیوه برای آموزش یک درس استفاده کنیم، اما این دقت نظر را به همکاران گرامی ام می‌دهم که با هوشمندی کامل از دانش‌آموزان جویا شوند کدامشان به طور عمدی برگه را چرخانده‌اند و منظور آن‌ها از چرخاندن برگه چه بوده است. قطعاً اگر برای آن‌ها که عامدانه عکس معلم عمل کرده‌اند، فضای باز عملکردی قرار دهیم، می‌کشند به جای آن که برعکس حرف ما عمل کنند، نگاه جدیدی را کشف کنند. آن‌هایی را هم که ناآگاهانه برگه را چرخانده‌اند، سرزنش نکنیم، چرا که هر کسی حق اعمال تغییر دارد و حق دارد نگاه خاص خودش را داشته باشد. حد انتظار از تغییرپذیری نقطه‌ی آغاز تا نقطه‌ی پایان برای هر دانش‌آموزی را باید نسبت به عملکرد خودش سنجید، نه عملکرد کل کلاس.

دوست و همکاران دل‌سوز من! شاید دانش‌آموز ما دارد از مسیری دیگر - حتی عکس مسیر ما - راه‌رشد را می‌پیماید، نباید او را به خاطر همسان عمل نکردن با ما یا بقیه‌ی افراد کلاس، سرزنش کنیم. ما باید طی روند کار به شیوه‌ی کارگاهی، راه جدید نگاه کردن او را به مفاهیم، به دنیا و به متنی که از آن طریق گفت‌وگو می‌کند، باز کنیم. شاید سر دیگر این گفت‌وگو، کل دنیا باشد. اگر نگاه او را نعل به نعل نگاه خودمان به دنیا درآوریم که هنری نکرده‌ایم و زحمتی برایش نکشیده‌ایم، زمانی در احقاق معنای اصلی «ارتباط» به او کمک کرده‌ایم تا امکان دهیم نگاه خودش را به دنیا بیاورد. کودکی که از آن خودش خواهد شد و اثر انگشت نگاهش منحصر به فرد هنر یک معلم، تسهیل‌تول‌سر انگشتان منحصر به فرد است.

بنا داشتیم در این شماره، به تحلیل کار یکی از دانش‌آموزان سوم راهنمایی به نام زینب بیاتی بپردازم، اما تنها به بیان گفت‌وگویی که او میان دایره و مستطیل به تصویر کشیده است، اکتفا می‌کنم.

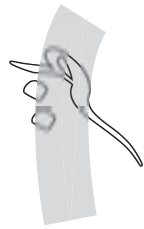
تحلیل را شما برای ما بفرستید. به بهترین و نزدیک‌ترین تحلیل به آن چه در ذهن این دانش‌آموز می‌گذرد، جایزه‌ای تعلق خواهد گرفت. روی پاکت حتماً فید کنید: مربوط به تحلیل گفت‌وگوی دایره و مستطیل، رشد آموزش راهنمایی تحصیلی.

اولیتی که دانش‌آموزان به انتخاب رنگ، یا حتی انتخاب وسایل می‌دهند، نشان‌دهنده‌ی علاقه‌ها و خلق‌وخواهی آن‌هاست



حد انتظار از تغییرپذیری نقطه‌ی آغاز تا نقطه‌ی پایان برای هر دانش‌آموزی را باید نسبت به عملکرد خودش سنجید، نه عملکرد کل کلاس

اشاره



دفاع مقدس با تمام فراز و نشیب‌هایش، از خود یادگارهای زیبایی به جا گذاشته است. یکی از این یادگارها، طنزهای جبهه، آن هم از نوع موضوعاتی است که به شکلی به درس، مدرسه، قلم، کتاب و این جور مسائل مربوط می‌شود. مطالبی که برای شما آورده‌ایم، از کتاب فرهنگ جبهه (شوخی‌طبعی‌ها) جلد سوم، نوشته‌ی سید مهدی فهمیمی استخراج شده است.

یک نفر دست بلند کرد. از او خواست بیاید پای تخته سیاه. آمد. گفت: «بنویس نان.» کمی گج را در دستش پایین بالا کرد. معلوم بود نمی‌داند. مکثی کرد و پرسید: «آقا نان بربری یا لواش؟» همه خندیدند. گفت: «برو بنشین تا بگویم بربری یا لواش!»

اولین روز درس!

معلمی از نهضت سوادآموزی به منطقه آمده بود. بعد از تقسیم نیرو، به واحد ما ملحق شد. مثل آبی که دنبال گودال می‌گردد، این جا و آن جا در پی برادران بی‌سواد بود، برای دایر کردن کلاس نهضت. چند نفر جمع شدیم. روز اول پرسید: «در میان دوستان، کسی هست که خواندن و نوشتن بداند؟»

صلوات

یک روحانی داشتیم به نام محمدی. رسم بود معلم یا مربی وقتی برای آموزش سر کلاس می‌آمد، خودش را معرفی می‌کرد. این بنده‌ی خدا هم همین کار را می‌کرد. اما هنوز لب از لب باز نکرده، کلاس یکصدا صلوات می‌فرستادند. دوباره وقتی می‌خواست توضیح بدهد که بابا نام خانوادگی من محمدی است،



به انتخاب: احمد عربلو

یاد می‌آید از آن روزها...

صلوات بلندتری می‌فرستادند و خنده‌دارتر این که او گمان می‌کرد برادران رزمنده واقعاً منظور او را نمی‌فهمند. در نتیجه، سعی می‌کرد به نحو دیگری مطلب را بیان کند و این دستوپا زدن برای رساندن منظور و مقصود نیز اوضاع را شیرین‌تر می‌کرد.

هم تاریخ، هم جغرافیا

در عملیات مرصاد، حوالی اسلام‌آباد غرب مستقر بودیم. یک شب دور هم نشستیم بودیم. برادر سید حسن فردپایی، مسئول گروهان، داشت ما را نسبت به اوضاع و احوال منطقه توجیه می‌کرد و از سوابق منافقان می‌گفت و این که آن‌ها با چه طمع‌ی به میدان آمده‌اند. یکی از برادران که احساساتش برانگیخته شده بود، برخاست و با صدای بلند گفت: «درسی به آن‌ها بدهیم که در تاریخ بنویسند».

برادر سید حسن از او خواست که بنشیند. بعد توضیح داد که به قول برادران، باید درسی به آن‌ها بدهیم که نه تنها در تاریخ، بلکه در جغرافیا نیز بنویسند!

کاش درس عربی را خوانده بودیم!

من هنوز بعد از این همه سال که از جنگ می‌گذرد، نمی‌دانم وقتی ما آن روزها به خیال خودمان با عراقی‌ها عربی حرف می‌زدیم، در دلشان چه می‌گذشت. فرض کنید می‌خواستیم از آن‌ها اطلاعات بگیریم. طبیعتاً باید سؤال می‌کردیم که مثلاً چه کسی فرمانده شماست؟ در فلان نقطه، چه قدر نیرو پیاده کرده‌اید؟ یکی می‌گفت: آلم تر کیف فعل ربک باصحاب الفیل؟ دیگری کاملش می‌کرد: الذی یوسوس فی صدورالناس؟ و نفر بعد: انا انزلناه فی لیلة القدر!

انتظار داشتیم جواب ما را به عربی فصیح بدهند! آن‌ها هم گنگ و مبهم به ما خیره می‌شدند و هیچ نمی‌گفتند. البته این گفت‌وگوها در فاصله‌ی خط مقدم تا قرارگاه بود. به قرارگاه که می‌رسیدیم، مترجم عرب‌زبان به اندازه‌ی کافی وجود داشت.

حکایت آن بنده خدا که بی‌موقع از جا بلند شد!

در مسجد شهرک دارخوین، مراسم دعای کمیل بود. شهید تورجی‌زاده، فرمانده گردان یا زهرا(س)، ضمن خواندن دعای قصه‌ی حضرت موسی را نقل کرد که از خداوند طلب باران می‌کرد و باران نازل نمی‌شد. بعد علت را جویا می‌شوند، معلوم

می‌شود فردی گناهکار در میان جمع است. حضرت موسی قبل از آن که دوباره دست به استغاثه بردارد، از شخص عاصی می‌خواهد که مانع رحمت باری تعالی نشود و جمع را ترک کند. در همان اثنا، باران می‌بارد و دعای حضرت مستجاب می‌شود. گویا معصیت کرده به توفیق توبه رسیده بوده است.

تورجی‌زاده به همان ترتیب استدعا کرد، فردی که خود را صاحب گناه غیرقابل بخششی می‌داند، از میانه برخیزد و برود. شاید به این وسیله خواسته حاضران منقلب در مجلس به نتیجه برسند. صلابت سکوت اهل حال و سنگینی اخلاص در کلام شهید تورجی‌زاده، تمرکزی به جلسه داده بود و همه در حالت خلسه فرو رفته بودند. در چنین شرایطی، یک نفر بخت برگشته که پیدا بود در طول مدت دعا و راز و نیاز حواسش کاملاً جمع امور مربوط به خود بوده است، از قلب جمعیت برخاست! یکمربته همه‌ی سرها به سوی او برگشت. در همان نگاه نخست، همه می‌دانستند که او احتمالاً بی‌گناه‌ترین فرد آن مجموعه است. و این وضع را بدتر می‌کرد. در یک چشم به هم زدن، بیچاره به خودش آمد. حالا نه راه پس داشت، نه راه پیش. برو، چگونه برو؟ بماند و بنشیند، جواب آن همه نگاه پر از شیطنیت را چه بدهد؟ خودش را شل کرد روی زمین و خلاق منفجر شدند. تا مدت‌ها او تابلوی «لبخند بزَن رزمنده، لبخند گل زیباست»، بود!

قسم به نون!

حرف‌هایی به افراد هیکل‌مند می‌زدند به ضخامت چنار! و جالب این که همیشه از چاقی و تنومندی، خوش‌خواب و خوش‌خوراک بودن فهمیده می‌شد. در حالی که مادر مرده‌ها بعضی‌شان نه خواب داشتند، نه خوراک! در عوض بچه‌هایی بودند مثل نی‌قلیان و دو سه برابر آن‌ها می‌خوردند و اصلاً جلب توجه نمی‌کردند. بحث و گفت‌وگو هم بی‌فایده بود. با تقدیر نمی‌شد درافتاد. سرنوشت این برادران هم این‌طور رقم خورده بود. باید چاره‌ای می‌اندیشیدند، نه همه از جنس سکوت و بی‌خیالی، و زبان در دست‌رس‌ترین وسیله بود.

بسم‌الله. و حالا دست پیش می‌گرفتند به اصطلاح پس نیفتند: «ن والقلم و ما یسطرون». جالب‌تر توضیح آن: خدا هم می‌گوید اول نان! بعد قلم و کاغذ بردار بقیه‌ی خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها را بنویس!



بهداشت مدرسه



احمد مختاریان

کلیدواژه‌ها: بهداشت، دانش‌آموزان، نوجوانان.

از آن‌جا که آموزش‌های دوران کودکی و نوجوانی زودتر از آموزش‌های دوران میان‌سال و بزرگسالی به صورت عادت در می‌آیند، لذا لازم است این رفتارها از سنین پایین‌تر در میان فرزندان جامعه طرح و آموزش داده شوند. در این میان، گروه‌هایی که بیشترین ارتباط را با کودکان و نوجوانان دارند، مسئولیت و وظیفه‌ی بیشتری را به عهده خواهند داشت. این گروه‌ها، همان پدر، مادر، مربیان و معلمان هستند. اگر این دو گروه اصلی، با مبانی علمی و موضوعات و شاخه‌های بهداشتی آشنا باشند، می‌توان با طرح آن‌ها برای کودکان و نوجوانان، دستیابی به هدف فوق را سرعت بخشید. البته ذکر این نکته حائز اهمیت است که از میان مربیان و معلمان، گروه‌های بیشتر مرتبط با امر بهداشت، نقش مؤثرتری دارند. این گروه‌ها عبارت‌اند از: مربیان مهدکودک، مربیان دوره‌ی پیش دبستانی، مربیان بهداشت، معلمان درس علوم در دوره‌ی ابتدایی و راهنمایی و دبیران درس‌های زیست‌شناسی، فیزیک و شیمی در متوسطه.

به همین دلیل، بر آن شدیم تا پس از سلسله مقالاتی که تحت عنوان «بهداشت معلمان» ارائه شد، مقالاتی را در زمینه‌ی بهداشت دانش‌آموزان به محضر همکاران ارجمند - ناچار فقط دوره‌ی راهنمایی - تقدیم داریم و از این رهگذر، آنان را به یاری طلبیم تا به کمک ایشان، در ارتقای سطح بهداشتی جامعه‌ی برومند خود قدمی بلند برداشته باشیم.

مجموعه مقالات گفته شده، با عنوان «بهداشت مدرسه» ارائه و سرفصل‌های زیر دنبال خواهد شد:

۱. بهداشت مدرسه شامل:

۱-۱. بهداشت لوازم تحریر

۱-۲. بهداشت تغذیه

۱-۳. بهداشت لباس

۲. بهداشت دوره‌ی جوانی (بهداشت بلوغ) شامل:

۲-۱. بهداشت پیش از دوره‌ی بلوغ

۲-۲. بهداشت دوره‌ی بلوغ

۲-۳. بهداشت پس از دوره‌ی بلوغ

البته هر بخش شامل مسائل مشترک میان دختران و

پسران، و مسائل اختصاصی پسران و دختران خواهد بود.

امید است با توجه به همتی که در همکاران گرامی سراغ

داریم، شاهد رعایت این نکات در محیط مدارس باشیم.

از سال‌ها پیش، در تعریف بهداشت و ارائه‌ی تصویر روشن، مناسب و منطقی از آن، اختلاف‌های نظرهایی میان متخصصان امر بهداشت وجود داشته، چرا که محتوای بهداشت پیوسته در حال تغییر و تحول بوده است و عواملی نظیر رشد اقتصادی، پیشرفت‌های علوم پزشکی و اجتماعی و تحولات فرهنگی در آن دخالت اساسی دارند. بسیاری از مردم، بهداشت را عدم ابتلای جسم به بیماری توصیف می‌کنند. این تعریف گرچه تا حدی می‌تواند قابل قبول باشد، ولی جامع و قانع‌کننده نیست. زیرا عدم ابتلا به بیماری، فقط به سلامت دستگاه جسمانی بدن اطلاق



معلمان و همکاران
مدرسه بیشترین نقش
را در آموزش بهداشت
دانش‌آموزان دارند

می‌شود و سلامت روانی و اجتماعی را توجیه نمی‌کند. مثلاً آیا اگر فردی، از نظر جسمانی سالم باشد، لیکن از نظر روحی همواره در اضطراب به سر برد، یا در اجتماعی باشد که میزان مرگ‌ومیر و وقوع حوادث در آن بیش از حد مجاز و اعتیاد به مواد مخدر شایع باشد، یا سطح فرهنگ و اطلاعات بهداشتی و آموزش‌های مربوطه ناچیز و خدمات بهداشتی اندک، یا تغذیه از نظر کمی و کیفی تنها در حد برطرف کردن گرسنگی باشد، می‌تواند خود را سالم بداند؟ به طور یقین جواب منفی است.



کتاب‌های درسی دوره‌ی راهنمایی چگونه تألیف می‌شوند؟

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر علی‌رضا صادقی میاب
معاون دوره‌ی راهنمایی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

نصرالله دادار



کتاب‌های درسی دوره‌ی راهنمایی چگونه تألیف می‌شوند؟ در تدوین این کتاب‌ها نظر معلمان دوره‌ی راهنمایی چگونه اعمال می‌شود؟ برنامه‌ی درسی ملی در تدوین و تألیف کتاب‌های جدید درسی چگونه لحاظ می‌شود؟ آیا تنوع و حجم کتاب‌های درسی دوره‌ی راهنمایی کمتر خواهد شد و آیا...؟ این سؤال‌ها و چندین سؤال دیگر در این زمینه، مسائلی بودند که در نشست با حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر علی‌رضا صادقی میاب، معاون دوره‌ی راهنمایی تحصیلی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، مطرح کردیم. حاصل را در ادامه تقدیمتان می‌کنیم.

● **ابتدا در خصوص فعالیت‌های دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی توضیح دهید و سپس بفرمایید کتاب‌های دوره‌ی تحصیلی راهنمایی در چه بخشی تألیف می‌شوند؟**

○ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، یکی از دفاتر سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است که در زمینه‌ی برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی فعالیت می‌کند.

معاونت راهنمایی دفتر تألیف، به همراه کارشناسان ذیربط، مسئولیت برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی دوره‌ی راهنمایی و اجرای آزمایشی و سراسری این کتاب‌ها را به عهده دارد. مراحل کار این گونه است که پس از تدوین راهنمای برنامه‌ی درسی توسط شورای برنامه‌ریزی گروه درسی و اعتباربخشی، نقدهای درون و برون سازمانی، روی آن انجام می‌شود تا به تأیید شورای هماهنگی علمی سازمان برسد. سپس، کتاب موردنظر تدوین و پس از طی دو سال اجرای آزمایشی و تأیید نهایی، در مرحله‌ی اجرای سراسری قرار می‌گیرد.

● **شورای برنامه‌ریزی گروه، از چه کسانی تشکیل می‌شود؟**

○ پنج نفر متخصص موضوعی، متخصصان تعلیم و تربیت؛ برنامه‌ریزی درسی و روان‌شناسی؛ معاون دوره؛ مسئول گروه

هماهنگی دوره‌ی تحصیلی؛ کارشناس مسئول گروه درسی مربوطه؛ چند تن از معلمان مجرب؛ یک نماینده از دفتر راهنمایی وزارت آموزش و پرورش.

● **ویژگی‌ها و نیازهای جسمی، فکری و روانی دانش‌آموزان در تدوین کتاب‌های درسی چگونه لحاظ می‌شود؟**

○ در مرحله‌ی اول، این کار با بهره‌مندی از پژوهش‌ها، متخصصان، معلمان و کارشناسانی که با دانش‌آموزان ارتباط مستقیم دارند و نامه‌های ارسالی از طرف معلمان و دانش‌آموزان صورت می‌گیرد. مرحله‌ی بعد، زمانی است که کتاب، تدوین و به مدارس فرستاده شده است. در این مرحله، افرادی برای اعتباربخشی و ارزش‌یابی به مدارس اعزام می‌شوند، و پس از گفت‌وگو با معلمان، اولیا، دانش‌آموزان و کارشناسان، پرسش‌نامه‌هایی را کامل می‌کنند که اطلاعات لازم در زمینه‌های فوق نیز به دست می‌آید.



● لطفاً گزارشی اجمالی از فعالیتهای انجام شده‌ی معاونت دوره‌ی راهنمایی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی ارائه کنید.

○ با بررسی مشکلات موجود و نامه‌هایی که به دست ما رسیده بود، اولین کاری که انجام دادیم، تعدیل کتاب‌ها از نظر محتوا و حجم بوده است.

کار مهم دیگر، بحث واگذاری و تألیف کتاب در خارج از سازمان است. به همین منظور، ۱۰ استان برای تألیف کتاب‌های علوم، حرفه‌وفن و عربی انتخاب شدند که در نهایت، تألیف کتاب حرفه‌وفن توسط استان‌های فارس و مازندران و کتاب عربی توسط استان کرمان مورد تأیید قرار گرفت. سال گذشته مراحل اجرای آزمایشی کتاب‌های تألیف شده در استان‌های مازندران و کرمان به اتمام رسید و در سال جاری (۹۰-۸۹)، اجرای سراسری این کتاب‌ها را در استان خودشان شاهدیم. ولی در استان فارس، مرحله‌ی اجرای آزمایشی کتاب حرفه‌وفن طی می‌شود.

بحث دیگر، آموزش معلمان برای تدریس کتاب‌های جدیدالتألیف است که در ابتدا مدرسانی از استان‌ها انتخاب می‌شوند و آموزش می‌بینند و سپس آن‌ها به آموزش معلمان در استان‌های پراکنده می‌پردازند.

● با توجه به ناکافی بودن اطلاعات دانش‌آموزان از جغرافیای کشور، چه ضرورتی دارد که در دوره‌ی راهنمایی، جغرافیای جهان را برای دانش‌آموزان توضیح دهیم؟ آیا بهتر نیست جغرافیای جهان، در دوره‌ی متوسطه تدریس شود؟

○ نپرداختن به جغرافیای جهان و واگذاری تدریس آن به دوره‌ی متوسطه، لطمه‌ی بزرگی به اطلاعات عمومی دانش‌آموزان می‌زند. در حال حاضر، آشنایی با جغرافیای جهان ضرورت است. از یک طرف، بحث اینترنت و ماهواره به گونه‌ای است که دانش‌آموزان از مسائل سیاسی عقب نیستند. اگر شیوه‌ی آموزش درست باشد، مطمئناً دانش‌آموزان به خوبی بهره می‌گیرند. از طرف دیگر، با توجه به جنگ نرم و بحث‌های دیگر، دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی باید از مسائل سیاسی، مسئله‌ی خاورمیانه، جایگاه راهبردی ایران در خاورمیانه و جایگاه خاورمیانه در جهان، خبردار باشند؛ چرا که در غیر این صورت آسیب بیشتری متوجه آن‌ها می‌شود.

● به نکته‌ی بسیار مهم شیوه‌ی تدریس معلمان اشاره کردید. برخی معلمان ما روش انتقال دانش را به خوبی نمی‌دانند. چه کسی باید روش‌های درست تدریس را به آنان منتقل کند تا بتوانند به خوبی تدریس کنند؟

○ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، یکی از دفاتر سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است که در زمینه‌ی برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی فعالیت می‌کند.
○ مهم‌ترین موضوع موجود، میانگین عمر کتاب‌های درسی است که بین ۵ تا ۱۰ سال است و به تغییرات زیادی نیاز دارد

○ رکن اصلی در بحث تعلیم و تربیت، معلم است و باید از جهت آموزش و قدر و منزلت مقام معلمی، به او توجه خاص شود. بدون شک، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، دفتر دوره‌ی راهنمایی وزارتخانه و مرکز آموزش نیروی انسانی، آمار و فناوری، زحمات فراوانی می‌کنند، ولی گاهی نگاه‌ها به آموزش و پرورش، اقتصادی می‌شود؛ یعنی به خاطر کمبود بودجه، آموزش‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرند. باید بودجه‌های خوبی در نظر گرفته شود تا مسائل مالی معلمان و هزینه‌های آموزش آن‌ها تأمین شود.

● در راستای ارتقای روش‌های تدریس هم برنامه‌ای داشته‌اید؟

○ بله، بعد از تألیف هر کتاب، وظیفه‌ی ما این است که تعدادی از معلمان عزیز را به عنوان مدرس انتخاب کنیم و به آن‌ها



آموزش دهیم. سپس آن‌ها در استان‌ها به تدریس مشغول می‌شوند و اگر دست ما باز باشد، معلمان بیشتری را آموزش می‌دهیم. از طرف دیگر به استان‌ها اعلام کرده‌ایم، مؤلفان آمادگی شرکت در دوره‌های آموزشی در سطح کشور را دارند، به شرط آن که دعوت شوند.

● نظرات معلمان در تدوین کتاب‌های درسی چگونه اعمال می‌شود؟ آیا درست است که این نظرات، به معلمان مربوط است که در تهران هستند و با توجه به امکاناتشان، مشکلات آموزش شهرستان‌ها را نمی‌دانند؟



● نقش معلمان برای مقابله با افت تحصیلی چیست؟

● معلم رکن اصلی تعلیم و تربیت است؛ اگر معلمان به جای ارائه‌ی جزوه‌های پرسش و پاسخ و... انگیزه‌ی مطالعه را در دانش‌آموزان تقویت کنند، بسیاری از مشکلات حل می‌شود. آشنایی معلمان با اصول، اهداف و فلسفه‌ی آموزش و پرورش، آشنایی با برنامه‌های درسی که در دفتر تألیف تهیه می‌شود، آشنایی با راهنمای برنامه‌ی درسی کتاب مرتبط با کار خود، شرکت در کلاس‌های ضمن خدمت، داشتن برنامه‌ی مطالعاتی، تلاش برای ادامه‌ی تحصیل و... نقش آن‌ها را مؤثرتر خواهد کرد.

مهم‌ترین مسئله در مورد معلمان، رشد علمی و معنوی آن‌هاست. از همکاران خواهش می‌کنم، مطالعات خودشان را نسبت به مسائل روز و روش‌های نوین آموزش و پرورش بیشتر کنند. مخصوصاً باید دقت شود، با توجه به موضوع جنگ نرم، رسالت معلمان در عصر حاضر بیشتر است. به گفته‌ی امام علی(ع)، «معلم امام دیگران است و اگر بخواهد در کار خود موفق شود، اول باید به تعلیم خودش بپردازد و علم خود را زیاد کند سپس با رفتارش دیگران را تربیت کند».

● آیا برنامه‌های اخیر معاونت دوره‌ی راهنمایی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی براساس برنامه‌ی درسی ملی پیش می‌رود؟

● خوش‌بختانه جناب حجت الاسلام دکتر ذوعلم، مسئول تدوین برنامه‌ی درسی ملی، مدیرکل سابق همین دفتر نیز بوده است. بنابراین، هماهنگی بین برنامه‌ی درسی ملی و دفتر تألیف، از آغاز کار وجود داشته و برنامه‌های ما، با برنامه‌ی درسی ملی هماهنگ است. البته برنامه‌ی درسی ملی باید به تصویب شورای عالی برسد تا این انطباق براساس مصوبات قانونی و به طور کامل صورت گیرد.

● آیا مطلبی به عنوان سخن پایانی دارید؟

● ضمن تشکر از شما در پایان می‌خواهم به نکته‌ای دیگر هم اشاره کنم. در حال حاضر، یکی از مشکلات آموزش و پرورش، نگاه اقتصادی به آن است. ما باید از نگاه اقتصادی به آموزش و پرورش، پرهیز کنیم. مخصوصاً مجلس و شورای عالی انقلاب فرهنگی، باید دست آموزش و پرورش را از نظر مالی باز بگذارند تا برنامه‌های ما به دلایل اقتصادی، عقب نماند. در این زمینه سخن بسیار است اما چون مجله جای این حرف‌ها نیست، به همین مقدار بسنده می‌کنم.

پی‌نوشت

۱. مرکز آموزش نیروی انسانی، آمار و فناوری وزارت آموزش و پرورش، مسئولیت آموزش ضمن خدمت و رشد همه‌جانبه‌ی معلمان را بر عهده دارد و برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در زمینه‌ی آموزش معلمان، در این دفتر صورت می‌گیرد.

● با بهره‌مندی از پژوهش‌های صورت گرفته، و همچنین نامه‌های ارسالی از طرف معلمان، و یا صحبت‌هایی که در جلسات با آن‌ها داریم این کار صورت می‌گیرد.

از طرف دیگر، کتاب‌ها در کشور، اعتباربخشی می‌شوند. پرسش‌نامه می‌دهیم و معلمان در این باره نظر می‌دهند. پس از آن نیز، اگر نامه‌ای به دست ما برسد، تا زمانی که کتاب اجرای سراسری نشود، نظرات را اعمال می‌کنیم. البته معلمان حتماً می‌دانند، امکان این که نظرات چند صد هزار معلم در کتاب درسی اعمال شود، وجود ندارد، ولی سعی ما این است که تا حد ممکن، از نظرات معلمان بیشترین استفاده را بکنیم.

همچنین می‌توانند از طریق سایت با دفتر تألیف مرتبط شوند و نظراتشان را برای ما بفرستند.

● بحث تحول بنیادین در آموزش و پرورش، به طور جدی در جامعه مطرح است و همه به آن اشاره می‌کنند. آیا این موضوع در کتاب‌های درسی هم تغییری ایجاد می‌کند؟

● بله. در این باره، جلسات فراوانی زیر نظر ریاست محترم سازمان، جناب حجت الاسلام دکتر محمدیان، برگزار می‌شود که بحث اصلی آن در رابطه با تحول و تغییر محتوای کتاب‌هاست. برنامه‌ریزی‌های لازم صورت گرفته است و طبق زمان‌بندی چندساله‌ای، این تغییر و تحول صورت خواهد گرفت.

● آیا حجم کتاب‌های درسی هم کمتر می‌شود؟

● قبل از پاسخ باید عرض کنم، برخی از همکاران فکر می‌کنند افت تحصیلی فقط به خاطر حجم زیاد کتاب‌هاست. به همین دلیل، می‌خواهند از حجم آن‌ها کم کنند، در حالی که کم شدن حجم کتاب‌های درسی، باعث عقب افتادگی علمی دانش‌آموزان می‌شود. به نظر من، باید به عوامل دیگر هم توجه کنیم.

کم کردن حجم کتاب‌های درسی راهنمایی، باعث بالا رفتن آمار قبولی در این دوره می‌شود. اما این افت تحصیلی، به دوره‌ی متوسطه منتقل و در آن مرحله، دانش‌آموز با مشکل مواجه می‌شود. باید دل نگران این مسائل هم باشیم. برای مثال، من در دوره‌ی راهنمایی، باری را از روی دوش خودم بر می‌دارم و آن را روی دوش دوره‌ی متوسطه قرار می‌دهم تا بگویم در دوره‌ی راهنمایی آمار قبولی بهتری داشته‌ایم؛ بدون توجه به این که در این صورت دانش‌آموزان در متوسطه، به مشکل افت تحصیلی بر می‌خورند. به نظر من، باید عوامل افت تحصیلی بررسی و برای هر کدام، راه‌حل‌های جداگانه‌ای پیش‌بینی شود. حجم زیاد کتاب‌های درسی در دوره‌ی راهنمایی، یکی از عوامل افت تحصیلی می‌تواند باشد. البته کم کردن حجم با توجه به این که لطمه‌ای به سطح علمی دانش‌آموزان نخورد، جزو برنامه‌های ماست.

● در حال تلفیق کتاب‌های تاریخ، جغرافی و اجتماعی، تحت عنوان کتاب «مطالعات اجتماعی» هستیم. این طرح، طی سال‌های آینده اجرا خواهد شد.

● یکی از بحث‌های موجود، آموزش معلمان برای تدریس کتاب‌های جدیدالتألیف است که در این زمینه نیز اقداماتی صورت گرفته‌اند.





زبان قرآن

گروه درسی عربی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

اشاره

میزان اهمیت فراگیری زبان عربی به عنوان زبان وحی، بر هیچ کسی پوشیده نیست. خداوند حکیم و متعال کلام خود را به برترین پیامبرش به عربی نازل کرد. اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام نیز معارف زلال آسمانی را به لسان عربی مبین بیان کرده‌اند. قطعاً یکی از لوازم تربیت غواصان این کیهکشان نورانی، تسلط بر زبان عربی است.

تمام بزرگان ایران زمین از ابوعلی سینا و سعدی و حافظ گرفته تا امام خمینی (ره)، در آغاز راه به این نکته توجه داشته‌اند. گروه عربی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی نیز از میان ایده‌ها و راهبردهای گوناگون برای عربی‌آموزی، حمایت از این دیدگاه را بر خود فرض دانسته است و در برنامه‌ی درسی نوین خود: - رویکرد «فهم متن» را انتخاب کرده است. - «توانایی ترجمه‌ی آیات قرآن کریم، احادیث، ادعیه و متون فرهنگ اسلامی» را در اهداف برنامه‌ی درسی خود ذکر کرده است.

در برنامه‌ی درسی
نوین گروه عربی،
رویکرد «فهم متن»
انتخاب شده است

- «علاقه‌مندی به زبان عربی به عنوان زبان وحی الهی و زبان مشترک جهان اسلام» را در اهداف برنامه‌ی درسی پی‌گیری می‌کند
- هدف «تقویت انس و علاقه به بهره‌گیری از قرآن کریم و سایر متون دینی» در دوره‌ی راهنمایی را نشانده رفته است.
- به تسلط دانش‌آموزان بر نقشه‌ی کلی از ادبیات عرب توجه ویژه کرده است.
و به معلمان گرامی و همه‌ی دانش‌آموزان مژده می‌دهد که به زودی این برنامه‌ی درسی را اجرا می‌کند. همچنین به منظور تقویت فضای موجود و حرکت به سوی آینده توصیه می‌کند:
۱. توجه دانش‌آموزان را به فواید و اهداف و ضرورت‌های عربی در فرهنگ اسلامی جلب کنیم. می‌توانیم از کاربرد عربی در فضای دین‌داری سخن بگوییم.
۲. میزان فهم آن‌ها از عبارات عربی نماز را به مسابقه بگذاریم. با آن‌ها درباره‌ی قرائت و معنای برخی آیات پر کاربرد صحبت کنیم.
۳. درباره‌ی احادیث معروف و کوتاه با آن‌ها گفت‌گو کنیم. از دعا‌های کوتاه مثال بیاوریم.
۴. توجه آن‌ها را به کلمات و عبارات پر کاربرد عربی در زبان فارسی جلب کنیم.
۵. حضور فعال و مشارکت‌آمیز آن‌ها را در فرایند یاددهی-یادگیری تشویق کنیم.
۶. در آموزش قواعد و دستور زبان عربی، از چارچوب کتاب درسی خارج نشویم.
۷. پس از آشنایی با واژه‌های جدید متن درس، ترجمه و قرائت آن را از دانش‌آموز بخواهیم و خودمان تنها نظارت و تصحیح را بر عهده‌گیرییم.
۸. حتماً طرح درس خود را متنوع کنیم؛ هر روز بهتر از دیروز. در خلاقیت و ابتکار شما همکاران و معلمان عزیز شکی نداریم. به زودی انگیزه‌ی عربی‌آموزی و فهم متون عربی عمومی می‌شود و با افزایش کاربری از عبارات عربی اسلامی، ارتقای فهم دینی و رابطه و انس با اهل بیت را پیش از پیش شاهد خواهیم بود.





تجربه‌ی چند تألیفی

گروه درسی حرفه‌وفن دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

<http://technic-dept.talif.sch.ir>

اشاره

بر اساس نظریه‌ی انجمن بین‌المللی تعلیم و تربیت، تمرکززدایی در فرایند برنامه‌ریزی درسی، راهبردی به منظور انطباق برنامه‌ی درسی ملی با شرایط و ویژگی‌های مناطق و محیطی است که برنامه‌ی درسی در آن به اجرا در می‌آید. به عبارت دیگر، تمرکززدایی به معنای انتقال قدرت از یک سطح نظارتی بالاتر، از قبیل اداره‌ی آموزشی، سازمان یا دفتر مستقل آموزشی در سطح کشوری یا استانی، به یک سطح سازمانی پایین‌تر مانند مدرسه است.

یکی از دغدغه‌های نظام‌های کاملاً متمرکز مانند ایران این است که آیا برنامه‌های درسی متمرکز، با اقتضات و ویژگی‌های محلی و منطقه‌ای، انطباق دارند یا خیر. آیا از توان و ظرفیت نیروی انسانی موجود در خارج از نظام برنامه‌ریزی کاملاً استفاده شده است یا خیر؟ و سؤالات و ابهامات متعدد دیگری که شاید به سادگی نتوان برای آن‌ها جواب پیدا کرد.

در راستای رفع برخی از این دغدغه‌ها و پاسخ‌گویی به برخی از سؤالات فوق، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تصمیم به واگذاری تولید محتوای برخی از موضوعات درسی به سازمان آموزش و پرورش استان‌ها گرفت که پس از تشکیل جلسات متعدد و بررسی ابعاد گوناگون موضوع و مسئله، سه موضوع از دوس دوره‌ی راهنمایی تحصیلی (حرفه‌وفن، علوم و عربی) انتخاب و به استان‌ها اعلام شد. از این بین، چهار استان درس آموزش حرفه‌وفن را قبول کردند که دو استان فارس و مازندران موفق به تولید محتوا و اجرای آزمایشی کتاب‌های سال اول راهنمایی خود شدند و مراحل تولید، تأیید و اجرای آزمایشی کتاب‌های دوم و سوم نیز در دست اقدام است.

در این حرکت، تولید محتوای یکی از موضوعات درسی از سطح کشور و تمرکز کامل به شکل نیمه‌متمرکز در سطح استان، به سازمان آموزش و پرورش راه یافت. در این حرکت که طی قراردادهای شیوه‌نامه و... بین «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» و «سازمان آموزش و پرورش استان‌های مجری طرح مشارکت» به جریان افتاد، تیم تألیف منتخب استان طی دو مرحله در دو برنامه‌ی

آموزشی-توجیهی، با برنامه‌ی درسی و روش‌های تولید محتوا آشنا شدند

آنچه که طی این حرکت بسیار مشهود است

۱. احساس تعلق خاطر دانش‌آموزان، دبیران و اعضای تیم تألیف به تولید استانی. به طوری که دانش‌آموزان به راحتی درباره‌ی محتوا قضاوت می‌کنند، پیشنهاد می‌دهند و مؤلفان را تشویق و تولید را تأیید می‌کنند

۲. حرکت به سوی تمرکز زدایی وارد شدن مؤلفان و مسئولان استان در تولید و آماده‌سازی کلیه‌ی مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی، از جمله: تولید کتاب راهنمای معلم، آموزش دبیران، و تجهیز و آماده‌سازی مدارس.

۳. ارتباط مستمر برنامه‌ریزان و اعضای شورای برنامه‌ریزی درسی حرفه‌وفن با مؤلفان و مسئولان استان‌های مشمول طرح مشارکت. ۴. ایفای نقش نظارتی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی. همان‌طور که اشاره شد، تولید و آماده‌سازی همه‌ی مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی به عهده‌ی استان است، ولی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی در جهت علمی‌سازی و در نظر گرفتن همه‌ی ابعاد، به منظور به ثمر رساندن این حرکت و بالا بردن کیفیت تولید، نقش نظارتی خود را از ابعاد گوناگون اعمال می‌کند.

از آن جهت این حرکت را نیمه متمرکز نام گذاشتیم که راهنمای برنامه‌ی درسی در سطح اهداف کلی، رویکرد، اهداف هر پایه و موضوعات درس، در دفتر برنامه‌ریزی و در جلسات شورای برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های حرفه‌وفن تهیه شد و پس از تأیید در اختیار استان‌ها قرار گرفت





بازنگری در کتاب‌های تاریخ

گروه درسی تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

<http://history-dept.talif.sch.ir>



اشاره

بازنگری کتاب‌های درسی تاریخ براساس علاقه‌های و نیازهای مخاطبان با رویکرد فرهنگی و تربیتی و نیز توجه به مؤلفه‌های هویت ملی، ضرورتی اساسی دارد. بر همین مبنا گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی مصمم است کتاب‌های درسی تاریخ را به تدریج بازنگری و اصلاح کند.

الف) تاریخ اول راهنمایی: این کتاب در سال تحصیلی جدید (۹۰-۸۹)، با تغییرات نسبتاً کلی چاپ و منتشر شده است.

- مطالب و مباحث مربوط به مراکز تمدنی ایران پیش از ورود آریایی، مانند تمدن‌های شهر سوخته، جیرفت، سیلک و ایلام، در درسی مجزا ارائه شده است.

- تعدادی از پرسش‌های بخش پرسش و جست‌وجو بازنگری و اصلاح شده است.

- چندین تصویر کتاب تغییر یافته و تصاویر جدیدی افزوده شده است.

ب) تاریخ دوم راهنمایی: این کتاب در سال تحصیلی جاری تغییر نکرده است.

ج) تاریخ سوم راهنمایی: این کتاب نیز بدون تغییر منتشر شده است. اما نسخه‌ی بازنگری و اصلاح شده‌ی کتاب، در شمارگان معدودی چاپ، و در تعدادی از مدارس پنج استان به صورت آزمایشی تدریس می‌شود. هشت درس از شانزده درس کتاب، به طور کامل بازنویسی، و هشت درس دیگر اصلاح کلی شده است.

محورهای بازنگری و اصلاح کتاب تاریخ سوم راهنمایی (نسخه‌ی اجرای آزمایشی) عبارت‌اند از:

- توجه بیشتر به مباحث و موضوع‌های اجتماعی و فرهنگی به منظور بیان متعادل و متوازن تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تاریخ ایران در قرون اخیر.

- سامان‌دهی منسجم‌تر و دسته‌بندی دقیق‌تر مطالب و مباحث کتاب به قصد تسهیل فرایند یاددهی و یادگیری تاریخ - تلخیص برخی مطالب مطول کتاب

- توجه به برخی مطالب و مباحث تاریخی مهم که در کتاب فعلی از قلم افتاده است.

- تغییر و اصلاح پرسش‌های کتاب به هدف سوق دادن دانش‌آموزان به درک و فهم تاریخ و تأکید کمتر بر پرسش‌های دانشی سطحی

- استفاده از تصاویر متنوع برای جذاب‌تر شدن کتاب و دستیابی به برخی از هدف‌های آموزشی از طریق عکس و تصویر

در بازنگری و اصلاح کتاب، اهتمام جدی وجود داشته است تا حجم افزایش نیابد. دوره‌ی توجیهی این کتاب در شهریور ماه برگزار شد.



ارزش‌یابی مشاهده‌ای

گروه درسی آمادگی دفاعی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

اشاره

هر برنامه‌ی درسی از چهار عنصر اصلی اهداف برنامه، محتوا، روش تدریس و ارزش‌یابی تشکیل شده است که هماهنگی میان این عناصر، مهم‌ترین رکن موفقیت آن برنامه‌ی درسی به شمار می‌رود.

در این مقاله، به لزوم ارتباط و هماهنگی میان دو عنصر اهداف برنامه و ارزش‌یابی در راستای تقویت حیطه‌ی نگرشی دانش‌آموزان در درس آمادگی دفاعی اشاره شده است.

ارزش‌یابی، وسیله‌ای برای سنجش میزان یادگیری دانش‌آموزان محسوب می‌شود که بدون توجه به هدف‌های آموزشی، معنا نمی‌یابد؛ زیرا هدف‌های آموزشی، هم نقطه‌ی شروع، هم راهنمای عمل و هم مقصد هر برنامه‌ی درسی هستند. به همین جهت، نخستین گام در ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی، شناخت اهداف آموزشی است تا فعالیت‌های آموزشی معلم و تلاش‌های یادگیری دانش‌آموزان، برای نیل به این اهداف صورت پذیرد. بنابراین، در هر برنامه‌ریزی مطلوب، فرایند ارزش‌یابی باید در پی بررسی و برآورد میزان تحقق اهداف درس باشد.

با توجه به این مطالب، در برنامه‌ی درسی آمادگی دفاعی، ارزش‌یابی تکوینی که در طول دوره‌ی آموزشی و قبل از ارزش‌یابی پایانی انجام می‌پذیرد، مهم‌ترین بخش از فرایند ارزش‌یابی محسوب می‌شود.

ارزش‌یابی تکوینی باید به قصد آگاهی یافتن از میزان و نحوه‌ی یادگیری دانش‌آموزان برای تعیین نقاط قوت و ضعف یادگیری آن‌ها و نیز تشخیص مشکلات روش تدریس معلم در رابطه با هدف‌های آموزشی انجام شود.

ارزش‌یابی از حیطه‌ی نگرشی

یکی از اصول مورد تأکید در ارزش‌یابی، توجه

همه‌جانبه به دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌هاست که در این راستا، در برنامه‌ی درسی آمادگی دفاعی، تقویت نگرش دانش‌آموزان در جهت اهداف تعیین شده، یکی از محورهای مهم فرایند یاددهی-یادگیری محسوب می‌شود.

البته دبیران درس آمادگی دفاعی نباید در این زمینه سلیقه‌های شخصی خود را اعمال کنند، بلکه باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی و عمل کنند که تغییر نگرش مثبت دانش‌آموزان را نسبت به موضوعات مورد نظر به دنبال داشته باشد. در این رابطه، موارد زیر که از مصادیق حیطه‌ی عاطفی (نگرشی) هستند، باید در نظر گرفته شوند:

الف) توجه به ارزش‌ها؛ ب) اهمیت قائل شدن برای ارزش‌ها؛ ج) علاقه‌مند شدن نسبت به ارزش‌ها؛ د) درونی کردن ارزش‌ها.

برای معطوف کردن فکر و احساس دانش‌آموزان به سمت ارزش‌ها و تقویت نگرش مثبت آن‌ها، توجه به نکات زیر حائز اهمیت است:

۱. ارزش‌ها باید آموزش داده شوند.
 ۲. ارزش‌ها درجه‌بندی دارند.
 ۳. ارزش‌های مورد انتظار باید به دانش‌آموزان معرفی شوند.
 ۴. سطح انتظارات ارزشی از دانش‌آموزان باید معقول و با شرایط اجتماعی و درک فردی آن‌ها متناسب باشد.
- در این زمینه باید توجه داشت، بهترین راه برای ارزش‌یابی از نگرش دانش‌آموزان، روش مشاهده است. در این روش، اعمال، نوشته‌ها، پرسش‌ها، پاسخ‌ها و تغییر رفتار دانش‌آموزان، در فرایندی چند ماهه مورد مشاهده قرار می‌گیرد و طی این مدت، مجموعه‌ی مؤلفه‌های نگرشی، با عنایت به نکات و مواردی که در این نوشتار به آن‌ها اشاره شد، بررسی و سنجش می‌شود. سنجش نگرش دانش‌آموزان از طریق هشت نمره‌ی عملی این درس، در هر دو نوبت قابل اعمال است.

در ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان، باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که طی آن، «نگرش» دانش‌آموزان نیز مورد سنجش قرار گیرد



ویژگی‌های برنامه‌ی درسی فارسی

گروه درسی زبان و ادبیات فارسی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

<http://literature-dept.talif.sch.ir>

اشاره

هر برنامه‌ی درسی چند عنصر بنیادی دارد: رویکرد، اهداف، اصول، محتوا، روش، و ارزش‌یابی. در این جا می‌کوشیم جایگاه و چگونگی هر یک از این عناصر سازهای در برنامه‌ی درسی جدید فارسی دوره‌ی راهنمایی را به کوتاهی بازگو کنیم.

رویکرد عام و فراگیر این برنامه، هم‌چون دیگر برنامه‌های درسی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، رویکرد فرهنگی-تربیتی است؛ به بیان دیگر، رنگ اصلی برنامه و محتوای درسی ما، رنگ فرهنگ ماست.

رویکرد ویژه‌ی برنامه‌ی درسی فارسی، رویکرد فعال و مشارکتی و با تأکید بر مهارت‌آموزی است. بر بنیاد این رویکرد، دانش‌آموزان در فرایند یاددهی-یادگیری حضوری پویا و اثرگذار دارند. به همین روی، این برنامه از میان الگوهای آموزشی به الگوی همیاری، و از بین روش‌های آموزشی به چهار روش تدریس اعضای گروه، کارایی اعضای گروه، روشن‌سازی طرز تلقی و روش قضاوت عملکرد، توجه ویژه دارد.

اهداف این برنامه به سه قلمرو شناختی، عاطفی-نگرشی و مهارتی، و نیز به پرورش پهنای وجودی مخاطبان خود در این سه پهنه توجه دارد. اما توجه و تأکید خاص بر آموزش، پرورش و تقویت حوزه‌ی مهارتی دارد و افزون بر چهار مهارت اصلی زبان (گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن)، پرورش و تقویت

در چینش و انتخاب و سازمان‌دهی پرسش‌های «خودارزیایی» نیز به سطوح ادراکی و آموزشی سؤال‌ها به دید علمی نگریسته شده است

دو مهارت فرازبانی (۱. تفکر و اندیشیدن؛ ۲. نقد و تحلیل) از شاخصه‌های برنامه است.

توجه به این دو مهارت فرازبانی، مخاطبان برنامه را در قوه‌ی درک و دریافت و تحلیل متون ورزیده می‌سازد و موجب رشد و تقویت سواد خواندن دانش‌آموزان می‌شود. به همین روی، یکی از عناصر سازهای کتاب‌های تازه تألیف فارسی راهنمایی که با نگارش پرورش تفکر و تعقل سامان یافته است و از فارسی اول تا سوم راهنمایی، شیب ملایم تعمیق و ژرفابخشی را نیز نشان می‌دهد، عنوان «فکر کنید»، «فرصتی براندیشیدن» و «تفکر و تحلیل» در بخش «روان‌خوانی»های کتاب فارسی است.

در چینش و انتخاب و سازمان‌دهی پرسش‌های «خودارزیایی» نیز به سطوح ادراکی و آموزشی سؤال‌ها به دید علمی نگریسته شده است؛ بدان سان که سه رده‌ی همگرا، واگرا و بینابین، با نظم‌ی سنجیده در پی هم آمده‌اند از این رو، همه‌ی پرسش‌های شماره‌ی یک «خودارزیایی»، از آغاز تا انجام کتاب، مبتنی بر رویکرد همگرا، همه‌ی سؤال‌های شماره‌ی دو بر رویکرد بینابین (نیمه همگرا و نیمه واگرا) و تمام پرسش‌های شماره‌ی سه بر پایه‌ی رویکرد واگرا طراحی شده‌اند.

اصول حاکم بر این برنامه و بسته‌ی آموزشی، بر بنیاد رویکرد و اهداف و ملاحظات ویژه‌ی زبان‌آموزی تدوین شده است و تلاش بر این بود تا از همه‌ی زمینه‌های وابسته و علوم بین‌رشته‌ای در پیوسته به فضای زبان و ادبیات و نوبافته‌های آموزشی-علمی آن پهنه استفاده شود. به همین خاطر، بر پایه‌ی هنجارهای روان‌شناسی تربیتی، یکی از اصول، به «سازمان‌دهی محتوا و مفاهیم از ساده به سطوح پیشرفته‌تر و دشوار» اختصاص یافته است. یا در زمینه‌ی آموزش زبان، با توجه به یافته‌های علم زبان‌شناسی، یک اصل بر «آموزش از زبان ساده و معیار به سمت گونه‌های ادبی و تاریخی زبان» پرداخته است. نیز در اصلی دیگر، به «چینش محتوا از ادبیات و زبان معاصر به ادبیات کهن» اشاره شده است. به همین دلیل، وزن آموزه‌ها و محتوای ادبیات معاصر در فارسی اول راهنمایی سنگین‌تر از فارسی سوم است. در فارسی سوم، کفه‌ی سنگین به سمت ادبیات کهن (از قرن هشتم تا قرن چهارم هجری) گرایش دارد و در فارسی دوم، به قرن نهم تا مشروطه بیشتر توجه شده و البته تلفیق در هر سه پایه رعایت شده است.





چشم انداز آموزش زبان انگلیسی

گروه درسی زبان های خارجی دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی

<http://eng-dept.talif.sch.ir>

اشاره

با لطف و مدد الهی، همسو با برنامه ریزی های جدید به منظور بسترسازی مناسب برای ایجاد تحول بنیادین در نظام آموزشی- تربیتی کشور، در گروه زبان های خارجی دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی، نظریه و رویکردی نوین و نوآورانه مورد توجه صاحب نظران و کارشناسان قرار گرفت.

در این رویکرد، ضمن توجه به اهمیت پرداختن به چپستی، چرایی و چگونگی فعالیت های آموزشی- تربیتی، آموزش کیفی و توانمندسازی مهارت های چهارگانه زبانی (گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن) و کیفی سازی آموزش مهارت های یادگیری نیز مدنظر است. در این راستا، فراگیرندگان باید متفکرانه، عاقلانه و عالمانه از یک سو، و با نگاهی دوسویه، هدفمند و ارزش مدار از سویی دیگر، فعالانه و آگاهانه، مهارت آموزی کنند.

به منظور دست یابی به زیبایی شناسی فطری، تألیف کتاب های درسی رویکردی تفکرگرا، تعقل محور و خودشکوفادارد و در آن ایجاد ارتباطی سالم، بانشاط، ارزش مدار، هدفمند، فعال، پویا، معنادار، دوسویه و تأثیر گذار، مورد تأکید است. در برنامه ریزی های جدید، رویکرد تألیف کتاب های زبان های خارجی به ویژه زبان انگلیسی، از نگاهی علمی- معرفتی، منطقی و فرهنگی برخوردار است که در واقع ارزش های هویتی اسلامی- ملی مان را دربردارد. این برنامه، کیفی سازی آموزش زبان را با نگرشی توحیدی نسبت به تنظیم اهداف، محتوا، روش یاددهی، ارزش یابی فرایندی و... پوشش می دهد.

در این رویکرد، پیام های آموزشی- تربیتی از مرز مفاهیم پیشتر می روند و کاربردی می شوند. فراگیرندگان در

فضای آموزشی- تربیتی و کلاس درس، مصرف کننده ی صرف اطلاعات دریافتی نیستند، بلکه خود می توانند ناقد و تحلیل گر محتوای آموزشی باشند و بر رشد فرایندی فعالیت های علمی- معنوی در مشارکتی معنادار بیفزایند و هم افزایی کنند.

هم چنین در برنامه ریزی های جدید بسته های آموزشی- تربیتی، علاوه بر کتاب درسی به عنوان منبع اصلی، کتاب کار و نرم افزار آموزشی برای خودآموزی فراگیرندگان، کتاب راهنمای معلم، و فعالیت های جانبی و مکمل دیگری از جمله معرفی سایت های مفید و فیلم های زیرنویس دار دو یا سه زبانه، سی دی ها و کتاب های آموزشی- تربیتی و تولیدات جدید و... نیز مورد توجه است. لذا در امر آموزش، علاوه بر توجه به کیفی سازی مهارت های یادگیری و مهارت های دریافتی، توجه به مهارت های تولیدی به ویژه سخن گفتن و نگاشتن، ضمن دقت در فلسفه ی آموزش و فراگیری و هم چنین تقویت نگاه و روحیه ی پرسشگری و پاسخ گویی مسئولانه و... ملاک فعالیت هاست تا ویژگی های انسان از دیدگاه قرآن حکیم (تفکر، تعقل، علم، ایمان به خالق هستی بخش، عمل صالح و اخلاق نیکو) در فرد متبلور شوند و فراگیری معنادار به تغییر رفتار مستمر و پایدار در مسیر الهی بینجامد. در برنامه ریزی های جدید سعی شده است، ضمن ایجاد نشاط علمی در فضای آموزشی- تربیتی، رشد تربیت علمی- معرفتی و تعمیق فعالیت های مفید فرهنگی، به ویژه فرهنگ سازی برای تولید محتوا، مدنظر قرار گیرد. به علاوه، بر توسعه ی انسانی فطرت گرا، گسترش زیبایی شناسی فطری، اهمیت و جایگاه علم و معرفت کاربردی در زندگی، تأکید شود و در راستای چشم انداز ۲۰ ساله ی نظام جمهوری اسلامی ایران، برای رشد و تعالی ارتباطات انسانی- اجتماعی جامعه ی بشری، ارتباطات زبانی را ارزش مدار، معنادار، تأثیر گذار، مفید و خودباورانه سازد.



تحول تربیت بدنی

گروه درسی تربیت بدنی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

اشاره

با وجود تأکیدی که بر گسترش تربیت بدنی در مدارس می‌شود، ورزش آموزشگاهی هنوز تا رسیدن به جایگاه واقعی خود فاصله دارد. نگاه تک بعدی به محتوای این درس که تاکنون بیشتر براساس آموزش مهارت‌های مقدماتی یک یا چند رشته‌ی ورزشی استوار بوده است، ما را از توجه به کارکردهای وسیع تربیت بدنی و به ویژه ارتباط آن با سلامت دانش‌آموزان غافل کرده است. در حالی که سلامت نسل آینده در گرو تحرک در تمامی ابعاد زندگی است.

بی‌شک به موازات ورود پیاپی فناوری‌های جدید، فقر حرکتی بچه‌ها بیشتر و بیشتر شده است. امروزه اسباب و لوازم کنترل از راه دور و رسانه‌های ارتباطی، عادات حرکتی بچه‌ها، حتی برآورده کردن نیازهای روزمره را به سرعت تغییر می‌دهد

می‌کرده‌اند، تغذیه شده و البته تلاش و ابتکار و خلاقیت خود دبیران این درس هم عامل مؤثری در پیشبرد آن بوده است.

خوش بختانه در راستای سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم توسعه‌ی کشور مبنی بر افزایش سلامت روحی و جسمی دانش‌آموزان، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی وزارت آموزش و پرورش، دو سالی است که کتاب راهنمای معلم درس تربیت بدنی دوره‌ی راهنمایی را تألیف کرده و با ارسال آن برای مجموعه‌ای از دست‌اندرکاران تربیت بدنی کشور اعم از استادان، مدرسان، کارشناسان و دبیران این درس و سازمان تربیت بدنی، کتاب را اعتباربخشی کرده و برای اجرای آزمایشی تدارک دیده است.

کلام آخر این که تربیت بدنی در دوره‌ی راهنمایی که سال‌هاست از برنامه‌ی درسی مدون و کتاب راهنمای معلم جامعی برخوردار نبوده است، امروز می‌رود که تحولی در آن صورت بگیرد و با بهره‌گیری از تجربه‌های دبیران پرتلاش که در جای‌جای ایران زمین وجود دارند، برنامه‌ای درسی داشته باشد که علاوه بر آموزش مهارت‌های ورزشی، به مسائل مهم و اساسی فوق نیز توجه و اهتمام داشته باشد.

بین سال‌های اخیر، سال تحصیلی گذشته (۸۹-۸۸) نویدبخش‌ترین سال برای ورزش مدارس بود. دیدگاه و اهتمام وزیر محترم آموزش و پرورش برای ارتقای تربیت بدنی آموزشگاهی، اقداماتی که به منظور جذب دبیران متخصص برای این درس پیش‌بینی شده و برنامه‌ریزی برای تجهیز مدارس به امکانات ورزشی، در زمره‌ی اخبار نیمه‌ی اول امسال وزارت آموزش و پرورش بوده‌اند.

با اعتقاد به روح جمعی و تأثیر متقابل که همه‌ی دروس و دبیران آن‌ها بر یکدیگر دارند، دبیران ورزش عصری کاملاً مؤثر در پیشرفت سایر دروس و اعتلای توان فکری و ذهنی دانش‌آموزان از طریق تربیت بدنی به شمار می‌روند. تجربه‌های بسیاری از ما حاکی از آن است که وجود دبیر موفق در هر واحد آموزشی، نشاط و طراوت بچه‌ها را در پی می‌آورد و موج مثبتی از انرژی را در دانش‌آموزان موجب می‌شود.

تربیت بدنی تنها درس دوره‌ی راهنمایی است که کتاب دانش‌آموز ندارد. بدین سبب از سال‌های دور تاکنون، همواره از طریق جزوات آموزشی متعدد و متنوع و گاه متفرقی که ادارات آموزش و پرورش برای دبیران این درس تهیه و ارسال





اخبار قرآنی

گروه درسی قرآن دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

<http://quran-dept.talif.sch.ir>

تعبیر بخش قرائت قرآن دوره‌ی راهنمایی و توزیع مصاحف ده جزئی، بخش آموزش مفاهیم دوره‌ی راهنمایی با قرائت آموزشی هماهنگ نیست. باید به اطلاع دبیران محترم برسانیم، هر چند رویکرد کلی، آموزش مفاهیم، کلمات و عبارات پرکاربرد و ساده‌ی قرآن کریم است و این موضوع در مورد تمامی مصحف قرآن کریم و در تمامی سوره‌ها صادق است، با این حال، برای هماهنگی بیشتر بخش قرائت با بخش مفاهیم، از سال تحصیلی ۹۰-۹۱ کتاب آموزش مفاهیم سال اول راهنمایی از ده جز اول قرآن تألیف خواهد شد و براساس برنامه‌ی تنظیمی، در سال‌های آینده کتاب‌های دوم و سوم نیز هماهنگ خواهند شد.

طرح پژوهشی ارزش‌یابی برونداد آموزش قرآن در سال سوم راهنمایی اجرا شد

در اردیبهشت ماه سال ۸۹، طرح ارزش‌یابی برونداد آموزش قرآن در سال سوم راهنمایی، توسط مؤسسه‌ی پژوهشی و نوآوری آموزشی، اجرا شد. این پژوهش که دکتر محمد میرزا محمدی با همکاری گروه قرآن دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی آن را به اجرا درآورد، در پی دادن پاسخ به سؤالات زیر است:

۱. دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی چه مقدار توانایی صحیح‌خوانی آیات کتاب درسی را دارند؟
۲. دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی چه مقدار توانایی صحیح‌خوانی آیات قرآن کریم را دارند؟
۳. دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی، در آموزش مفاهیم به چه توانایی‌هایی دست پیدا کرده‌اند؟
۴. دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی نسبت به درس قرآن چه نگرشی دارند؟

امید است پس از استخراج نتایج این پژوهش، اشکالات مربوط به روش‌های تدریس، کتاب‌های درسی و آموزش معلمان برطرف شود.

توزیع لوح فشرده‌ی ترتیل کل قرآن کریم برای تمامی دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی

از سال تحصیلی ۸۹-۹۰ تمامی دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی همراه با کتاب‌های درسی خود، یک حلقه لوح فشرده (DVD) ترتیل کل قرآن کریم با صدای ده تن از استادان برجسته‌ی ایرانی و مصری را دریافت می‌کنند. این لوح فشرده برای انس با قرآن کریم دانش‌آموزان و تلاوت روزانه‌ی آنان طراحی و با همکاری مشترک دفتر «تولید رسانه‌های آموزشی» و دفتر «برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی» تولید و منتشر شده است. قابل ذکر است، این لوح همراه با کتاب‌های درسی و در کنار کتاب آموزش قرآن و مصاحف ده جزئی، توزیع می‌شود.

طرح توزیع مصاحف ده جزئی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی، امسال کامل شد

آموزش قرآن کریم در دوره‌ی راهنمایی شامل دو بخش است: قرائت و مفاهیم. دانش‌آموزان در هر سال دو کتاب دریافت می‌کنند: یکی کتاب آموزشی قرآن و دیگری ده جز از قرآن کامل. ده جز مصحف شریف برای دانش‌آموزان سال اول و ده جز دوم برای سال دوم، در سال گذشته توزیع شد. امسال نیز مصحف ده جز سوم برای دانش‌آموزان سال سوم توزیع می‌شود. بدین ترتیب، از سال تحصیلی ۸۹-۹۰ تمامی دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی، در تمامی پایه‌ها، مصاحف ده جزئی قرآن کریم را دریافت می‌کنند. امید می‌رود با قرائت قرآن از روی مصاحف ده جزئی، در مسیر انس بیشتر این عزیزان با قرآن کریم، گامی بزرگ برداشته شود.

هماهنگ‌سازی آموزش مفاهیم دوره‌ی راهنمایی با مصاحف ده جزئی انجام می‌شود
گاهی اوقات دبیران قرآن سؤال می‌کنند، با توجه به



سرزمین من

گروه درسی جغرافیای دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

<http://geography-dept.talif.sch.ir>

اشاره

دلایل و ضرورت آموزش جغرافیا در دوره‌ی

آموزش عمومی

۱. جغرافیا با تأکید بر عنصر سرزمین به عنوان جوهر و هسته‌ی اصلی هویت ملی و دینی مطرح است؛ به طوری که سایر عناصر هویت‌ساز روی این بستر متجلی می‌شوند.

۲. آموزش مستقل جغرافیا، حافظ قلمروی علمی خویش است و در این راستا از نفوذ سایر رشته‌های علمی نیز جلوگیری می‌کند.

۳. با توجه به پیچیدگی پدیده‌های طبیعی و انسانی (جغرافیایی)، مطالعه‌ی آن‌ها و روابط متقابلشان از طریق یک دانش خاص و یک رشته‌ی علمی امکان‌پذیر نیست. ماهیت بین‌رشته‌ای جغرافیا و پیوند آن با علوم دیگر، مطالعه‌ی چنین موضوعات پیچیده‌ای را آسان می‌سازد. به واقع، آموزش جغرافیا، همه‌ی ابعاد و اجزای متنوع طبیعی و انسانی اطراف ما را بررسی می‌کند.

۴. جغرافیا به عنوان یک علم با پارادایم میان‌رشته‌ای و روش مطالعه‌ی ترکیبی و کل‌نگرانه، در جهت افزایش آگاهی انسان از ویژگی‌های بوم شناختی نقش آفرینی می‌کند.

۵. جغرافیا به عنوان علم بررسی‌کننده‌ی رابطه‌ی انسان و محیط، در صدد ایجاد تعادل اکولوژیک با روش‌های کل‌نگرانه (سیستماتیک) است.

۶. بسیاری از مسائل و مشکلات (بحران‌های) جهانی، راه‌حل جغرافیایی دارند؛ از جمله: جهانی شدن، چالش‌های توسعه‌ی پایدار، گرم شدن کره‌ی زمین و بالا آمدن آب دریاها و خشکسالی.

۷. دانش جغرافیا از جمله علمی محسوب می‌شود که قادر است میزان تحمل فراگیرندگان را برای پذیرش تنوع، نگرش‌ها و ارزش‌های فرهنگی افزایش دهد.

۸. بر مبنای فلسفه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی، آموزش‌های جغرافیایی مانند شکل‌گیری جهان و منظومه‌ی شمسی و عظمت هستی و... نیمة بستر مورد انتظار را برای تحقق اهداف این رویکرد آماده می‌سازد؛ از این‌رو، آموزش جغرافیا انطباق زیادی با این رویکرد از آموزش‌ها دارد.

۹. نگرش خاص و نظام‌مند با روش‌مندی کل‌نگرانه در راستای اندیشه‌ی توحیدی به هستی، از جهت‌مندی‌های اصلی آموزش جغرافیا محسوب می‌شود.

امید است در آینده‌ای نه چندان دور، ضرورت استفاده از آن برای تصمیم‌گیرندگان محرز گردد.

از زمان تولید اولین راهنمای برنامه‌ی درسی گروه جغرافیا برای همه‌ی دوره‌های تحصیلی، بیش از یک دهه می‌گذرد. در این مدت تجربه‌های فراوانی برای کارشناسان این گروه فراهم شده است. این گروه در اولین گام برای تولید راهنمای برنامه‌ی درسی، توانست با موفقیت و کسب رضایت‌مندی اکثریت مخاطبان خود، برنامه‌ی درسی جدیدی را برای دوره‌ی متوسطه تولید کند. پس از آن، برنامه‌ی درسی جغرافیا در دوره‌ی راهنمایی به عنوان دومین گام در این گروه مطرح شد که مشخصاتی کاملاً متفاوت داشت. با فراهم شدن فرصت مناسب برای برنامه‌ریزی درسی، این گروه تلاش کرد، با استفاده از تجارب گذشته، نسبت به تولید اولین راهنمای برنامه‌ی درسی جدید جغرافیا در دوره‌ی راهنمایی تحصیلی اقدام نماید. به این منظور لازم است به مروری اجمالی در مورد دلایل و ضرورت برنامه‌ی جدید آموزش جغرافیا در دوره‌ی آموزش عمومی بپردازیم.





یادگیری زنده و فعال

گروه درسی علوم تجربی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

<http://science-dept.talif.sch.ir>

اشاره

یکی از اهداف آموزش علوم، آموختن راه یادگیری به دانش‌آموزان است. ما بر این باوریم که ارائه دانش به مثابه یک فراورده، نیازهای یادگیری دانش‌آموزان را رفع نمی‌کند؛ زیرا دانش را به صورت یک فرایند در اختیار دانش‌آموزان قرار داد.

زیادی برگرفته از محیط زندگی است. معلمان باید با شناخت نیازهای دانش‌آموزان و با استفاده از موقعیت‌های منطقه‌ای، از روش‌های مناسب برای ایجاد و خلق موقعیت‌های واقعی مسئله‌دار برای دانش‌آموزان خود استفاده کنند. در واقع، شاخص‌ترین قابلیت معلمان، مواجهه ساختن دانش‌آموزان با مسئله‌ای واقعی است. برای کسب این قابلیت، باید به محیط زندگی توجه کافی داشت و ضمن برخورد فعال با آن، چگونگی تعامل اجزای آن را بررسی کرد تا بتوان معماها و مسائل جالب و انگیزاننده و به عبارت دیگر فرصت‌های یادگیری مناسبی را برای دانش‌آموزان فراهم کرد.

یکی از اصول مهم در آموزش علوم تجربی که هم اکنون مورد قبول متخصصان آموزش علوم در همه‌ی کشور قرار گرفته است، این است که دانش‌آموزان از راه تجربه‌های علمی خود به پروراندن مفاهیم می‌پردازند. منظور از «یادگیری از راه کسب تجربه‌ها» برخورد مستقیم با صحنه‌ها و کسب تجربه‌های دست اول است. چنین تجربه‌هایی از یادگیری، به اندازه‌ای اهمیت دارند که هرگز نمی‌توان از آن‌ها چشم پوشید و با آن‌ها را با مشتی نوشته و عکس جایگزین کرد. هر چه از تجربه‌های مستقیم و دست اول دور شویم، از کیفیت آموزش و یادگیری و ارزش آن کاسته می‌شود. کلام معلم، کتاب و فیلم، کیفیت آموزش را بهبود می‌بخشد، ولی هرگز جایگزین تجربه‌های زنده و دست اول نخواهد شد و اثر آن‌ها را ندارد. پیازه، چنین فرایندهای فعالی را «یادگیری زنده و فعال» می‌نامد. در این نوع یادگیری، فرد همواره به نوعی شناخت و دانش می‌رسد که مورد علاقه‌ی اوست. دانش جدید، جزئی از طرح کلی ساخت شناختی قبلی می‌شود که به نوبه‌ی خود، کنجکاوی‌ها و کاوشگری‌های جدیدی را مطرح می‌سازد. معلمان باید بدانند، زمان و حدود تجربه‌های لازم برای یادگیری و تشکیل مفاهیم در ذهن، از دانش‌آموزی به دانش‌آموز دیگر متفاوت است و هر دانش‌آموز نیازها و علاقه‌های خاص خود را دارد که تا حدود





زمین، زمان و انسان

گروه درسی مطالعات اجتماعی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

<http://socialstudies-dept.talif.sch.ir>

اشاره

گذشته‌های دور؛ فصل ششم: تشکیل دولت‌های بزرگ در ایران باستان (این شش فصل در نیم‌سال اول تحصیلی آموزش داده می‌شوند).

فصل هفتم: اوقات فراغت؛ فصل هشتم: تولید، توزیع، مصرف؛ فصل نهم: جمعیت و منابع ایران؛ فصل دهم: گردشگری در ایران؛ فصل یازدهم: زندگی اجتماعی در ایران باستان؛ فصل دوازدهم: فرهنگ و تمدن در ایران باستان (این شش فصل در نیم‌سال دوم تحصیلی آموزشی داده می‌شوند).

در طراحی فعالیت‌ها سعی شده است، مهارت‌های کاوشگری و مهارت‌های زندگی اجتماعی و شهروندی در تمام فصول از ساختار مشابه پیروی کنند. در کاربرگ‌های انتهای کتاب، فعالیت‌های نقشه‌خوانی، بررسی مدارک و شواهد تاریخی و امثالهم در نظر گرفته شده است.

از آن‌جا که با توجه به رویکرد فرهنگی-تربیتی و پرورش مهارت‌ها، متن دروس بیشتر جنبه‌ی فراهم کردن اطلاعات برای انجام فعالیت‌ها را دارد، لذا انجام فعالیت‌ها، کانون ارزش‌یابی قرار می‌گیرند و تصمیم بر آن است که ۱۳ نمره‌ی این درس به ارزش‌یابی مستمر (انجام فعالیت‌های کتاب با تأکید بر پوشه‌ی کار) و ۷ نمره به ارزش‌یابی کتبی پایانی اختصاص یابد.

امید است برنامه و کتاب درسی جدید بتواند هم به حل مشکلات معلم و دانش‌آموزان در وضعیت موجود و هم به تعمیق و توسعه‌ی کیفی‌تر آموزش‌های تاریخی، جغرافیایی و اجتماعی-اقتصادی کمک رساند.

پیشتر از این، شما معلمان ارجمند دوره‌ی راهنمایی از طریق درج مصاحبه‌ای که با مسئول گروه مطالعات اجتماعی در شماره‌ی ۷۳ همین مجله در فروردین ۱۳۸۸ به چاپ رسید، در جریان برنامه‌ی درسی جدید مطالعات اجتماعی قرار گرفتید.

در برنامه‌ی جدید دوره‌ی راهنمایی، دروس تاریخ، جغرافیا و علوم اجتماعی که هم اکنون به صورت مجزا و در قالب سه کتاب درسی ارائه می‌شوند، به صورت یکپارچه درآمده‌اند و از رویکردها، ساختار و فعالیت‌های یادگیری همسان تبعیت می‌کنند. هم اکنون گروه مطالعات اجتماعی دفتر، در حال تألیف کتاب درسی بر مبنای این راهنماست. به منظور فاصله گرفتن از فضای حافظه‌محوری و تکیه بر به خاطر سپردن دانش و اطلاعات و بازگویی آن‌ها، حدود ۲۵ صفحه «کاربرگ‌های فعالیت دانش‌آموز» طراحی و به انتهای کتاب جدید پیوست می‌شود.

در نتیجه، در این دوره ما فقط یک کتاب درسی برای این سه درس خواهیم داشت که شامل کتاب درسی و کتاب کار است.

سرفصل‌های اصلی و موضوعی کتاب جدید در پایه‌ی اول راهنمایی به شرح زیر است:

فصل اول: نیازها؛ فصل دوم: دوستان ما؛ فصل سوم: محیط زندگی خود را بشناسیم؛ فصل چهارم: از زیستگاه‌های ایران حفاظت کنیم؛ فصل پنجم: سرزمین ما، کاوش در



درس هنر

گروه درسی هنر دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

<http://art-dept.talif.sch.ir>



اشاره

دانش‌آموزان فعالیت‌های هنری را به عنوان وسیله‌ای برای تخیل و تفکر برای طراحی کردن و ساختن آن‌چه در ذهن دارند، می‌شناسند و دوست دارند.

درس هنر یکی از عنوان‌های جدول دروس دوره‌ی راهنمایی تحصیلی است که در پایه‌ی اول دو ساعت در هفته و در پایه‌های دوم و سوم یک ساعت در هفته به آن اختصاص دارد.

دوره‌ی راهنمایی، دوره‌ای است که نوجوانان برای شکوفایی خلاقیت و توسعه‌ی تفکر، ابزار خود، کسب هویت و کسب اعتماد به نفس، نیاز بیشتری به فعالیت‌های هنری دارند.

محورهای تغییرات درس هنر

رویکرد برنامه‌ی درسی هنر در دوره‌ی آموزش عمومی (ابتدایی و راهنمایی تحصیلی) «**تربیت هنری**» است. در این دوره، دانش‌آموزان طی فرایند تولید هنری، با مبانی هنرها، ابزار و مواد آن‌ها و روش کارهای هنری آشنا می‌شوند و آن‌ها را به صورت‌های متفاوت تجربه می‌کنند. آموزش‌ها گاه به صورت مستقیم و غالباً به طور غیرمستقیم ارائه می‌شوند. اما طی فعالیت‌های هنری، تجربه‌ها به صورت مستقیم به دست می‌آیند. این فعالیت‌ها، با رشد شناختی دانش‌آموزان متناسب‌اند و با آزادی ذهنی شکل می‌گیرند. معلم بر این فرایند فقط نظارت دارد و در موارد لازم، دانش‌آموزان را هدایت می‌کند. ضمن اجرای فعالیت‌های هنری، تخیل و تفکر کودکان توسعه می‌یابد، استعدادهای آن‌ها شکوفا می‌شود، توانایی‌های خود را می‌شناسند و اعتماد به نفسشان تقویت می‌شود.

بدیهی است که در دوره‌ی راهنمایی و در ادامه‌ی این برنامه که دانش‌آموزان دانش‌ها و مهارت‌های بیشتری به دست آورده‌اند، نگرش عمیق‌تری نسبت به زیبایی و هنر

کسب کرده‌اند و می‌توانند از آموزش‌های پیشرفته‌تری برخوردار شوند. بنابراین آموزش‌ها از شکل عمومی به سوی تخصصی تغییر می‌کنند و زیبانویسی خط تحریری نیز به برنامه افزوده می‌شود.

نتایج نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد، اکثریت دانش‌آموزان این دوره، درس هنر را نه صرفاً به عنوان تفنن و تفریح که به عنوان تخیل و تفکر برای طراحی کردن و ساختن آن‌چه در ذهن دارند، می‌شناسند و دوست دارند؛ آن‌چه نیست، ولی می‌خواهند که باشد. صاحب‌نظران، آن را بهترین وسیله برای تلطیف روحیه و توجه و تمرکز بر زیبایی‌ها و خوبی‌ها، ایجاد نظم ذهنی و شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌ها می‌شناسند و بر تأثیر مثبت آن در تعلیم و تربیت تأکید دارند. آن‌ها معتقدند، از طریق اجرای فعالیت‌های هنری فردی و گروهی، می‌توان بسیاری از سجایای اخلاقی، ارزش‌های معنوی و مهارت‌های زندگی را به دانش‌آموزان آموخت.

توصیه‌هایی برای همکاران

مدیران عزیز آموزش و پرورش و کارشناسان آموزش راهنمایی و اعضای گروه آموزشی هنر، دبیران محترم هنر را برای تدریس درس هنر در مدارس تشویق کنند. در مدارس راهنمایی، ساعت درس هنر ابتدا به معلم هنر اختصاص یابد. گروه‌های آموزشی هنر در استان‌ها و مناطق، از حضور فعال معلمان مرتبط در کلاس‌های هنر حمایت کنند. آن‌ها می‌توانند کتاب راهنمای درس هنر برای معلمان دوره‌ی ابتدایی را در اختیار دبیران هنر قرار دهند تا سطح دانش، مهارت و نگرش دانش‌آموزان پایه‌ی اول راهنمایی را بشناسند و بدانند که چه انتظاری می‌توانند از آن‌ها داشته باشند. همگی دست‌اندرکاران درس هنر می‌توانند نظرها و پیشنهادها را برای غنای هر چه بیشتر برنامه، به گروه درسی هنر بفرستند. شورای برنامه‌ریزی و گروه تألیف از این نظرها و پیشنهادها استقبال می‌کند.

دانش‌آموزان از طریق مشاهده‌ی عناصر طبیعت می‌آموزند که هر چه در طبیعت وجود دارد، زیبا، کامل و نشانه‌ای از زیبایی، دانایی و توانایی خداوند است

.....
صاحب‌نظران معتقدند از طریق اجرای فعالیت‌های هنری فردی و گروهی، می‌توان بسیاری از سجایای اخلاقی، ارزش‌های معنوی و مهارت‌های زندگی را به دانش‌آموزان آموخت



رسالت کتاب‌های دینی

گروه درسی دینی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

<http://dini-dept.talif.sch.ir>

اشاره

گروه دینی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی در دوره‌ی راهنمایی، طی چند سال اخیر شاهد تحولات چشمگیری در جهت بهبود کیفیت متون درسی و مناسب‌سازی محتوای دروس با نیازها و خواسته‌های دانش‌آموزان در این دوره بوده است. از جمله مهم‌ترین تحولات در این گروه، تدوین راهنمای برنامه‌ی درسی تعلیم و تربیت دوره‌ی راهنمایی و تصویب آن بوده است که براساس این راهنما باز تألیف کتب دینی راهنمایی نیز صورت گرفته است.

۱. کتاب دینی سال اول راهنمایی

تألیف کتاب جدید سال اول، از حدود پنج سال پیش، شروع شد. روند مناسب‌سازی متن این کتاب حدود یک سال طول کشید و بعد از آن، کتاب به مدت سه سال در برخی از استان‌های کشور به اجرای آزمایشی درآمد. در حال حاضر، براساس ارزیابی‌های صورت گرفته از اجرای آزمایشی، اصلاحاتی در این کتاب اعمال شده و در سال تحصیلی جاری به جای کتاب فعلی اجرای سراسری می‌شود.

۲. کتاب دینی سال دوم راهنمایی

کتاب سال دوم نیز توسط مؤلف محترم سال اول به رشته‌ی تحریر درآمد. تاکنون این کتاب دو سال به صورت آزمایشی تدریس شده است و در سال تحصیلی آینده، همراه با تصویرگری، به صورت آزمایشی برای سومین سال اجرا خواهد شد. لازم به ذکر است، کتاب حاضر در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ به صورت سراسری اجرا خواهد شد.

۳. کتاب دینی سال سوم راهنمایی

تألیف این کتاب نیز نهایی شده است. امید می‌رود کتاب در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ برای سال دوم به صورت آزمایشی اجرا شود. بالطبع در سال تحصیلی ۹۰-۸۹، کتاب دینی سال سوم فعلی، به صورت سراسری اجرا خواهد شد.

۴. تألیف و تصویب نهایی «راهنمای برنامه‌ی درسی تعلیم و تربیت دینی دوره‌ی راهنمایی»

به طور مسلم، خانواده اولین و مهم‌ترین نهاد تعلیم و تربیت و والدین اولین مسئولان این عرصه‌اند و در این میان، آموزش و پرورش مسئولیتی ویژه دارد؛ زیرا عموم فرزندان از حدود سن ۶ تا ۱۸ سالگی، ساعات مهم زندگی روزانه‌ی خود را در مدارس می‌گذرانند و معلمان و مربیان به امر تربیت آن‌ها می‌پردازند. درس تعلیم و تربیت دینی به عنوان یک ماده‌ی درسی، نقشی محوری و مسئولیتی ویژه بر عهده دارد که باید متناسب با ظرفیت خود، این نقش محوری را به خوبی ایفا کند. بدین منظور، گروه تعلیم و تربیت دینی، به تدوین راهنمای برنامه‌ی درسی برای دوره‌های گوناگون اقدام کرده است (گزیده‌ای از مقدمه‌ی راهنمای برنامه‌ی درسی تعلیم و تربیت دینی دوره‌ی راهنمایی).

راهنمای برنامه‌ی درسی تعلیم و تربیت دینی دوره‌ی راهنمایی به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش نیز رسیده است. این برنامه، مکمل برنامه‌ی دوره‌ی ابتدایی و فراهم‌کننده‌ی زمینه برای برنامه‌ی دوره‌ی متوسطه است. شایان ذکر است، در تألیف کتاب‌های درسی دینی جدید، که به آن‌ها اشاره شد، این برنامه روشنگر راه بوده و سعی شده است، به تمامی رویکردهای موجود در این راهنما عمل شود.



مسئله‌ی کم توجهی

معصومه خیرآبادی

اشاره

در این دوره از مجله قصد داریم سایت‌هایی را که راه حل مسائل و تجارب سایر معلمان را مطرح نموده‌اند معرفی کنیم. در این شماره، تجارب یکی از صاحب‌نظران درباره‌ی چگونگی رفتار (معلمان) با دانش‌آموزان کم‌توجه را تقدیم می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: توجه، عملکرد، دانش‌آموز.

دانش‌آموزانی که به درس توجه کافی ندارند، غالباً باهوش و مستعد یادگیری هستند، اما تمرکز بر مسائل جانبی و قدرت تحمل پایین، عملکرد کلاسی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر کم‌توجهی تشخیص داده شود، ولی درمان نشود، ممکن است دانش‌آموز را به مشکلات رفتاری و اجتماعی قابل توجهی دچار کند. رفتارهای معلمان هنگام مشاهده‌ی موارد کم‌توجهی، می‌تواند این گونه باشد:

● از طریق نظام علامت دهی، دانش‌آموز کم‌توجه را با تمرین‌های کلاسی همراه کنید؛ می‌توانید با قدم زدن پشت میز دانش‌آموز کم‌توجه، نگاه کردن، مکت کردن، بالا انداختن آبرو یا اشاره به گوش‌ها، به او علامت بدهید که باید به درس توجه داشته باشد.

● هنگام ارائه‌ی مطالب درسی، مطمئن شوید دانش‌آموز کم‌توجه به درس توجه داشته باشد؛ بهتر است دانش‌آموز کم‌توجه را همواره در معرض آزمون و پرسش کلاسی قرار دهید تا تمرکز او بر مطالب درسی بیشتر شود.

● دانش‌آموز کم‌توجه را در جای مستقلی بنشانید؛ می‌توانید برای مدت کوتاهی دانش‌آموز کم‌توجه را از دوستانش یا فضای کلاس که موجب حواس‌پرتی او می‌شود، جدا کنید اما در صورتی که دانش‌آموز احساس تنهایی یا انزوا می‌کند، استفاده از این راهکار توصیه نمی‌شود.

● مدت زمان تکلیف‌های کلاسی را کوتاه‌تر کنید؛ ممکن است دانش‌آموز کم‌توجه در انجام تکلیف برای مدت طولانی مشکل داشته باشد. در عوض، اگر مدت زمان انجام تکلیف به دو یا سه بخش کوتاه‌تر تقسیم شود، عملکرد موفقیت‌آمیزتری خواهد داشت.

● حجم تکالیف را کمتر کنید؛ شما می‌توانید به جای یک مسئله‌ی طولانی، دو یا سه مسئله‌ی کوتاه را به او اختصاص بدهید، عملکرد او را کنترل کنید و بعد تکالیف دیگری به او ارائه دهید.

● در ارائه‌ی مطالب درسی تنوع ایجاد کنید؛ از طریق تأکید بر مطالب مهم، توجه دانش‌آموز کم‌توجه را به آن‌ها جلب کنید.

● به دانش‌آموزان کم‌توجه کمک کنید تا با تغییرات تطبیق پیدا کنند؛ دانش‌آموزان کم‌توجه غالباً هنگام تطبیق با تغییرات دچار مشکل می‌شوند. برای مقابله با این مسئله، به آن‌ها اجازه دهید در مورد هر گونه تغییر، تجربه کسب کنند.

منبع

راهکارهای ارائه شده، بخشی از نظریات دکتر کنت شوبر (Kenneth Shore)، روان‌شناس و رئیس تیم مطالعاتی رفتارهای کودکان و نوجوانان، و برگرفته از پایگاه اینترنتی www.educationworld.com است.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

دفتر انتشارات کمک آموزشی

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

رشد کودک (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه‌ی اول دوره‌ی دبستان)

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی دبستان)

رشد دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره‌ی دبستان)

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)

رشد جوان (برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

● رشد آموزش ابتدایی ● رشد آموزش راهنمایی تحصیلی ● رشد تکنولوژی

آموزشی ● رشد مدرسه فردا ● رشد مدیریت مدرسه ● رشد معلم

مجله‌های بزرگسال اختصاصی

(به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

● رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی) ● رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه) ● رشد آموزش قرآن ● رشد آموزش معارف اسلامی ● رشد آموزش زبان و ادب فارسی ● رشد آموزش هنر ● رشد مشاور مدرسه ● رشد آموزش تربیت بدنی ● رشد آموزش علوم اجتماعی ● رشد آموزش تاریخ ● رشد آموزش جغرافیا ● رشد آموزش زبان ● رشد آموزش ریاضی ● رشد آموزش فیزیک ● رشد آموزش شیمی ● رشد آموزش زیست‌شناسی ● رشد آموزش زمین‌شناسی ● رشد آموزش فنی و حرفه‌ای ● رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و اختصاصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران و کارکنان اجرایی مدارس، دانشجویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

● نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

● تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱





همت مضاعف، کار مضاعف

برگ اشتراک مجله‌های رشد

شرایط:

۱. پرداخت مبلغ ۷۰/۰۰۰ ریال به ازای یک دوره یک ساله مجله‌ی درخواستی، به صورت علی‌الحساب به حساب شماره‌ی ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه‌ی سه راه آزمایش (سرخه‌حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده‌ی اشتراک باپست‌سفارشی. (کپی فیش را نزد خود نگه دارید.)

♦ نام مجله‌های درخواستی:

♦ نام و نام خانوادگی:

♦ تاریخ تولد:

♦ میزان تحصیلات:

♦ تلفن:

♦ نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان:

خیابان:

پلاک: شماره‌ی پستی:

♦ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره‌ی اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

♦ صندوق پستی مرکز بررسی آثار:

♦ صندوق پستی امور مشترکین:

♦ نشانی اینترنتی:

♦ پست الکترونیک:

♦ امور مشترکین:

♦ پیام‌گیر مجله‌های رشد:

یادآوری:

- ♦ هزینه‌ی برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی و عدم حضور گیرنده، برعهده‌ی مشترک است.
- ♦ مبنای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک خواهد بود.



عطیه کریمی

مدیر مدرسه‌ی راهنمایی، منطقه‌ی ۶ تهران

تقریباً همه‌ی عوامل دست‌اندرکار آموزش و پرورش، با «جشن شکوفه‌ها» آشنایی دارند. این جشن چند سالی می‌شود که در بدو ورود به مدرسه، برای نوآموزان پایه‌ی اول ابتدایی، برگزار می‌شود. شاید بد نباشد شما را با مراسمی دیگر از این نوع آشنا کنیم؛ مراسم «جشن جوانه‌ها». به پیشنهاد وزارت آموزش و پرورش این جشن در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸، در شهر تهران به صورت آزمایشی و برای اولین بار، برگزار شد. جشن پایه‌ی اول راهنمایی، با دود کردن اسپند و عبور دادن دانش‌آموزان از زیر قرآن کریم آغاز شد. پس از قرائت آیاتی از قرآن مجید و برگزاری مراسم اهتزاز پرچم، مدیر مدرسه به حاضران خوشامد گفت و مسئولان مدرسه، خاطرات شیرین خود را از بدو ورودشان به مدرسه، تعریف کردند و در ضمن سخنانشان، دانش‌آموزان جدید را با اهداف دوره‌ی تحصیلی راهنمایی آشنا ساختند. در نهایت هم گز از ابتدایی و ورود به دنیای جدید نوجوانی را به دانش‌آموزان تبریک گفتند.

پذیرایی با شکلات‌های تزئین شده و اهدای یک جلد کتاب زندگی‌نامه‌ی مفاخر (انتشارات مدرسه) به عنوان هدیه، قسمت بعدی برنامه بود. ضمن مراسم، دانش‌آموزان با هم آشنا و دوست شدند و از بخش‌های مدرسه اعم از آزمایشگاه، کارگاه و نمازخانه دیدن کردند.

در پایان مراسم، مسابقه‌ای برگزار و به برندگان جوایزی اهدا شد. برنامه‌ی درسی سالانه‌ی مدرسه، فرم نظرخواهی در مورد فضای کلاس‌ها و چیدمان آن‌ها نیز به دانش‌آموزان داده شد.

از مسئولان آموزش و پرورش تشکر می‌کنیم و امیدواریم با پیشنهاد دوباره‌ی چنین طرح‌هایی، گام‌های مؤثری در کاهش اضطراب ورود به دوره‌ی تحصیلی جدید برداشته شود.